ثوندون

LIBRARY OF CONGRESS
6
JAN 14 1982
CONT. COPY
ORDER DIVISION

شنبه ۱۴ قوس ۱۳۶۰ ـ ۲۸
نوامبر ۱۹۸۱
شماره ۳۵ ـ ۳۶
سال ۳۳
قیمت یک شماره ـ ۱۳ ـ افغانی

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب د مو کراتیك خلق‌افغانستان ورئیس شورای انقلابی‌هنگام‌ملاقات و صحبت با اعضای هیات اجرائیه انجمن نو یسند گان آسیاوافریقا در مقر شورای انقلابی

اختصار وقایع مهم هفته

دافغا نستا ن د خلك دموکراتیك گو ند دمر کزی کمیتی د عمو می منشی اود افغانستا ن د دموکراتیك جمهور یت دانقلابی شورا د رئیس ببر ك کار مل لخوا فلسطیین لی

ببر ك کار مل منشی عمو مـــی کمیته مر کزی حزب دمو کرا تیـك خلق افغانستا ن و رئیس شورا ی انقلابی جمهور ی دمو کرا تیك‌افغا- نستا ن سا عت (یازده) قبل‌ازظهر ۱۳ قوس هیات ا جرا ئیه انجمـن نویسندگا ن آسیا و افر یقا رابرای ملاقا ت در قصر گلخا نه مقرشورای انقلابی پذیر فتند ودر فضا ی‌نهایت دوستانه با ایشا ن صحبت‌نمودند .

• • •

از طر ف ببر ك کار مل منشی عمو می کمیته مر کزی حزب دمو - کراتیك خلق افغانستا ن و رئیـس شورا ی انقلابی جمهوری‌دموکراتیك افغانستا ن تیلگرا م تبر یکیه‌عنوانی نیکو لا ی چا یسسکو منشی‌عمو می حزب کمو نست و رئیس جمهـور جمهور یت رو مانیا به منا سـبت روز ملـی آنکشور بـه بخارست مخابره شده است .

• • •

دافغا نستان دخلك دیمو کراتیك‌گوند دمرکزی کمیټی دسیاسی‌بیروغړی او منشی داکتر صالح محمد زیری دمرکزی کمیټی دټولنیزوعلومودانستیتوت دڅارندوی د پو هنځـی‌دفارغانو دبری لیکونو د و یشلو حال کی .

دانتر کانتی ننتال په‌هوټل کـی‌دآسیا او افریقا دخلکو دپیو ستون‌دسازمان د رئیسه هیأت د اختتامیه‌غونډې یوه ګوښه .

سره بین‌المللی پیو ستو ن د
نمانځنی له امله یـو پـیغام
شوید ی .

• • •

ډیا ی ببر ک کار مل منشی
کمیته مر کزی حزب دمو ـ
خلق افغانستا ن ور ئیـس
ی انقلابی به صد ها نفر از
شریف و زحمتکش مر کز و
ا ت ولایت سمنگا ن روز ه
طی یك گرد هما یی و سیعـی
برید جنرا ل گل آقا رئیـس
ی امور سیاسی قوا ی مسلح
ده شد که از طر ف حضاربا
سا ت گر م وپر شور استقبال

• • •

ستان دخلك دموکراتیك‌گوند هرکزی
ټولنیزو علومو دانستیتوت دخارندوی‌د
دلومړی دوری د فارغانو پری لیکونه

دقوس ۷ نیټه له غرمی مخکی دمراسمو پـه
ترڅ کې دګوند دمرکزی کمیتی دسیاسی بیرو
دغړی او منشی ډاکتر صالح محمد زیری له
خوا وویشل شول .

ډاکتر زیری دپری لیکونو له ویشلو څخه
مخکی پداسی حال کې‌چې دکورنیو چارو وزیر
سید محمد ګلاب زوی هم حاضر وو دانقلاب
دارزښتونو او دملی حاکمیت ددفاع په کار
کې دخارندوی دوظیفو او رسالت په‌باب زیاتی
خبری وکړی او هغوی یی زمونږ دټولنی په
انقلابی شرایطو کې دخپلو له مسوولیت سره
سره او مهمو وظیفو ترسره کولو ته له‌پخوا
زیات متوجه کړل .

• • •

دآسیا او افریقا دلیکوالو دټولنی داجراییه
هیات خلورمه غونډه دقوس په۱۳نیټه له‌غرمی
وروسته په آریانا هوټل کې پیل شوه .

• • •

دافغا نستان دخلك دمو کراتیك ګوند د
مرکزی کمیتی د سیاسی‌بیرو غړی نوراحمدنور
دعقرب په۳۰نیټه‌له‌غرمی‌مخکی دخپل‌کارپه دفتر
کې دبحرین دنمایندګی د هیات لـه ر ئیس
سره چې دآسیا او افریقا دخلکو دپیوستون‌ونډ
سازمان رئیسه هیات په لسمه غونډه کې‌د
ګډون په غرض کابل ته راغلی دی وکتل .

• • •

دافغا نستان د دمو کراتیك جمهوریت د
مرولی پیوستون او دوستی دسازمان رئیسی
ډاکټری اناهیتاراتب زاد دقوس په۳نیټه دخپل
کارپه دفترکی دبلژیك اوفرانسی دپیوستون
دکمیټو دنمایندګی دهیاتو نو له مشرانوسره
چې دافریقااو آسیادخلکو دپیوستون دسازمان
درئیسه هیات په غونډه‌کې‌له ګډون نه‌وروسته
په کابل کې دی وکتل .

• • •

هیا ت مدیره شر کت سها مـی
کلیمد افغا ن تحت ریا ست دیپلوم
انجنیر محمد اسمعیل دا نش عضو
علی البد ل بیرو ی سیا سی‌کمیته
مرکزی حزب دمو کرا تیك خلـق
افغانستان رئیس هیا ت مد یـره
ووزیر معا د ن وصنا یـع درحالیکه
معین او ل وزار ت ما لیه و هیا ت
ها ی نظار وعا مل حا ضر بـودند
تشکیل جلسه داد .

• • •

پوهنډو ی دو کتور فقیر محمـد
یعقوبی وزیر تعلیم و تر بیه ورئیس
هیا ت‌افغا نی در سی و هشتمیـن
کنفرانس بین‌المللی تعلیم و تر بیه
منعقدهٔ ژنیو روز ۸ قو س به کابل
باز گشت .

• • •

دبهرنیو چارو و زیر شاه محمد
دوست د ملګرو ملتو د عمو می‌اسا ـ
مبلی په غونده کی له ګدو ن څخـه
وروسته دقوس په٤ نیټهٔ له‌نیویارك
څخه کابل ته راستو ن شو .

• • •

دآسیا او افریقا دلیکوالانودټولنی‌داجرائیه هیأت دځلور می غونـډې‌یوه ګوښه چې دآریانا په هوټل‌کې‌پرانستل شوه

پیک شورا

«افغانستان امروز تنها نیست بلکه‌دریك جبهه وسیع تمام کشور های مترقی ، جنبش هـای آزادیبخش‌ونیروهای مترقی در سر تاسرجهان ومنجمله نویسند گان پر قدرت‌مانندا‌عضای انجمن نو یسند گان آسیاو افریقا قرار دارد. »

ببرك کارمل

شنبه ۱۵ قوس ۱۳۶۰ ، ۲۸ نوامبر ۱۹۸۱

«افغانستان امروز تنهانیست»

انقلاب شکو همند ثور که بنا بر ارادهٔ مرد م زحمتکش و رنجد یدهٔما در تحت رهبر ی حزب دمو کرا تیك خلق افغانستا ن به پیروز ی رسیده وبه حاکمیت قدر ت ها ی استبدادی وستمگر تاریخ در کشور ما پایا ن داد و مرد م مارا حاکم به سرنوشت شا ن کرد نه تنها در عرصهٔسیاست داخلی خود در جهت پیاده نمود ن اهدا ف والا وانسا نی اش به نفع اکثریت توده های میلیو نی کشور ما پیروز ی ها ی چشمگیری‌رانصیب گردیده وروز تا روز پایگاه مرد می آن استحکا م می یابد بلکه همچنا ن در عر صه سیاست خار جی خودمو- فقیت های بیشتر و بیشتـر ی را کسب نموده وروز تا روز به‌اعتبار وحیثیت بین‌المللی آن افزوده مـی گردد.

علی الرغم آنکه ضد انقلاب وهمه نیرو ها ی عقبگرا که منا فع حیا تی شانرا از دست داده‌اند و به خا طر بدست آورد ن قدر ت از دست‌رفته ومنافع آزمندانهٔ شا ن تلاش ها ی مذبوحانه مینما یند وبا وجود یکه امپریالیزم جها نی ودر راس امپر - یالیزم جنایتکار امریکا و دستیاران بین‌المللی اش ، هژمو نیـز م و ارتجا ع منطقه جنگ اعلام ناشده‌یی راعلیه کشور مابراه اندا خته اندوبا تجهیز وارسا ل باند های مز دور وفروخته شده در مقابل دالر وکلدار بکشور ما مرتکب اعما ل ضدانسانی می‌شوند واز انجام هیچ نو ع‌جنایات ضد بشر ی تخریب و ویرانگر ی، قتل وآد مکشی دریغ نمی ور زند و درزیر نقاب درو غـین د فـاع‌از اسلام ضد اسلام عمل می کنند تـا بتوانند انقلاب ثور رابه شکسـت مواجه سازند ویا حداقل جلورشد وپیشر فت آنرا سد نمایند .

مگراز آنجایی که مردم زحمتکش مابادر ك وشنا خت از حقیقت‌انقلاب ثور وایمان خد شه ناپذیربه‌آرمان های انقلاب از حزب ودو لت انقلابی شا ن‌دفاع نموده ودر جهت حفاظت آن در مقابل هر گو نه مدا خـلات وتجاوزا ت بیشر مانه ار تجا ع ، هژمونیز م وامپر یا لیز م به‌خا طر شر ف وآزاد گی حاکمیت ملی وتما- میت ار ضی کشور شا ن قا طعا نه می رزمند وموا ضع وسنگر ها ی دشمنا ن یکی پی دیگر ی اشغا ل و کوبیده می شوند ، انقلاب ثور بـه صور ت چشمگیر ی مدار ج عا لی تکامل خود را می پیما ید پیروزی هایی که در ین روا ل نصیب حز ب دولت ومرد م انقلابی ما گر دیـده است تصاد فی نیست زیرا از یك طرف مرد م ما در ین نبرد عادلا نه شان بر حق بوده وبه خا طر اعمار یك جامعهٔ نو ین وفار غ از هرگونه استثمار ومبتنی بر عدالت اجتماعی می‌رزمند واز جانب دیگر از حمایت وپشتیبا نی بشر یت متر قی وهمه نیرو های صلحدوست جها ن بر - خوردار بوده ، روز تاروز اعتبا ر و حیثیت بین‌المللی دو لت انقلا بی‌ما افزو نی می یابد چنانچه ببر ك‌کارمل منشی عمو می کمیته مـر کـز ی ح.دخ.ا. و رئـیـس شـو ر ا ی انقلا بـی ج . د .ا طی بیا نیـهٔ افتتا حـیهٔ شا ن در چار میـن اجلاس هیئات رئیسه انجمن نو - یسندگا ن آسیا وافریقا چنین‌گفتند: ((افغانستان امروز تنها نیست بلکه در یك جبههٔ وسیع تما م کشـور ها ی متر قی ، جنبش های آزاد ی بخش ونیرو های متر قی درسرتاسر جهان و منجمله نویسندگا ن پـر قدر ت مانند اعضا ی انجمن نـو - یسند گان آسیا وافریقا قراردارد.»

آری افغانستا ن انقلابی درامر دفا ع از استقلال وآزاد ی حاکمیت ملی وتما میت ارضی خود ازحمایت قاطعانه همه نیرو ی های‌صلحدوست ومترقی جها ن بر خور دار می‌باشد هیئات رئیسه انجمن نو یسند گا ن آسیا وافریقا که به تعقیب هیئا ت رئیسه سازما ن همبستگی خلقهای آسیا و افریقا ، چا ر مین اجلا سـ نوبتی خود را اخیرا در کابل دا یر کرد نمونهٔ دیگر ی است ازحمایت وهمبستگی بشریت متر قی بامردم وانقلاب افغانستا ن .

انجمن نویسندگا ن آسیا وافریقا که بیانگر حقو ق وخوا ست ها ی خلقها ی آسیا وافریقا است واعضای متر قی این انجمن در جهت انعکاس واقعیت های اجتما عی قلم می‌زنند وطی اشعار نبشته ها و آثار انقلابی شا ن اهدا ف وآرزو ها ی‌خلقها ی جهانرا ترجما نی می کنند اینـك در جبههٔ قلم در پهلو ی مـرد م و انقلاب ما همچو ن دژ استوارایستا- ده اند واز حقیقت انقلاب ثور ومردم افغانستا ن انقلابی با سلاح قلم‌دفاع مینما یند که این قد م دیگر ی‌است از همبستگی با انقلاب ثور و نماد دیگر ی است از اعتبار و حیثیت‌روز افزو ن بین المللی آن که حز ب و دولت انقلابی مابه آن می بالند وبه آن‌اهمیت زیاد ی قایل اند .

پیشرو

هیله

جهانیان صلح خواه باما ست

ماده ششم اصول ا ساسی جمهور ی دموکرا تیك افغا نستا ن حکم می کند که :

((در جمهور ی دمو کرا تیك افغانستان فعا لیت ها ی اتحاد یه ها ی کار گر ی ، سازما ن ها ی زنان وجوانان ، انجمن های علمی، کلتوری هنر ی وسایر سا زما ن ها ی اجتما عی ودمو کرا تیك زحمتکشان در صفو ف خویش کار گرا ن دهقانا ن کسبه کارا ن ، روشنفکران وسایر اهالی رابه مقصد بالا بردن تشکل و ارتقا ی فعا لیت ها ی اجتما عی وتو لید ی ، تعمیل اهداف وظایف انقلاب ثور وتا مین منافع خاصهٔ ایشا ن متحد می سا زند ...)) رهبر ی انقلا بی حزب و دولت ما تا سی از همین حکم قا نو ن اساسی مو قت کشور ما در قد م اول به تاسیس سازما ن ها واتحاد یه ها اقدا م نمود و سپس در راه رشد وتکامل این سازما ن ها درعمل جدو جهد نموده و می نما ید . وبوسط کرد هم آیی ها ی متعدد وتما س ها ی وسیع با جهان صلح خواه وسازما ن ها ی دمو کرا تیك ومتر قی ،ارتبا ط ساز ما ن ها ی مذکور با جها ن تا مین نمود .

گرد هم آیی هیئا ت اجرا ئیه سازمان همبستگی آسیا ـ افر یقا که دهمین دوره اجلا سیه آن می باشد نه تنها از نظر ار تبا ط ومفاهمه باسازما ن ها ی همگو ن در کشور ما میباشد بلکه مو ید اهمیت وبر ستیژ مردم وکشور ما درجهان میباشد .

قبل از آنکه به ارتبا ط سفر این هیئات مهم بحث شود لازم است تا مختصرا پیرا مو ن تاریخچهٔ تشکیل وفعا لیت ها ی سازما ن همبستگی خلق ها یٔ آسیا و افریقا ســـخن چند ارائه شود .

سازما ن همبستگی خلق ها ی آسیا ـافریقا او لین بار درسا ل ۱۹۵۷ طی کنفرا نسی که در شهر قاهره تشکیل گردید به میا ن‌آمدو دومین کنفرانس سا زما ن مذکـور در ۱۱ اپر یل سا ل ۱۹۶۰ درشهر ((کونا کر ی)) دایر گردید .

سازمان همبستگی خلق‌های‌آسیا افریقا که از بدو تا سیس خو یش قدم ها ی فرا خی در راه همبستگی زحمتکشا ن آسیا و افریقا برداشته قبل ازجلسه جاری کـابل آخریـن جلسات شورای خویش را ازتاریخ ۲۰ الی ۲۶ مار چ ۱۹۸۱ در عـد ن مرکز جمهور ی دمو کرا تیك خلـق یمن دایر گردید که هیئا ت نما ـ یندگی جمهور ی دمو کراتیك افغا ـ نستان تحت ریا ست دکتور ســـ اناهیتا «راتبزاد » عضو بیـروی سیاسی کمیتهٔ مر کز ی حز ب دموکراتیك خلق افغا نستا ن ورئیس سازما ن صلح و همبستگی‌جمهوری دمو کراتیك افغا نستا ن ، در آن فعالانه شرکت جسته و نه تنهاتوجه مشمو لین کنفرانس را به و طن ماو انقلاب ما واوضا ع اطرا ف افغا ـ نستا ن جلب نمود بلکه تا ییـــد وپشتیبا نی همه جا نبه وبی شایبه هیئات ها ی نما یند گی کشور ها وسازما ن ها ی مختلف مشمـــو ل کنفرانس را نیز جلب نمود .

اینك ما ، مرد م ما میز بان‌دهمین کنفرانس هیئات اجرا ئیه سازما ن همبستگی خلق ها ی‌آسیا وافریقا میبا شند مرد م ما در حا لـــی از مهمانا ن قهرمان و ستاره هـــا ی درخشا ن آسما ن نو یسند گی خلق های آسیا و افریقا پذیرا یی مـی کنند که جنگ اعلام نا شدهٔ دشمنان صلح وتر قی یعنی امپر یا لیز م‌ودر راس امپریا لیز م امریکا ،هژمونیزم عظمت طلب چین وار تجا ع لجـا م گسیخته منطقه علیه کشور و مردم ماجریا ن دارد و مرد م ما قهرما نانه درسنگر دفا ع از میهن و دست‌آورد های انقلاب ثور به خصو ص مرحلهٔ نوین وتکا ملی آن میباشند .

اهمیت اجلاس دهم هـــیئا ت اجرائیه سا زما ن همبستگی خلـق های آسیا و افریقا در ین مر حلـهٔ احساس تاریخی در کابل در پهلوی آنکه حیثیت فزا یندهٔ و مو قف‌برا ـ زندهٔ کشور مارا در صف کشور های صلح دوست و دمو کرا تیك فزونی می بخشد ، نما یندگـان مشمول کنفرانس به چشم سر حقا نیـت انقلاب ملی و دمو کرا تیك مرد م افغانستا ن را مشا هده می کننـد بلکه علاوه بر آن این ستاره گا ن آسمان اد بیا ت خلق های آ سیاو افریقا با دید ن حقیقت انقـلا ب‌ثور نه تنها به قلب بود ن و درو غ‌بودن تبلیغا ت سوء و غلط دستگاه ها ی تبلیغا تی امپریا لیز م وار تجـــاع اضا فه تر پی می برند بلکه پس از باز گشت به کشور های شـــا ن منحیث وظیفهٔ وجدا نی حقا یق سر سخت و روشن را در باره انقلا ب ثور و نبرد عادلانه مردم ما به‌مردم خویش ومرد م سراسر جها ن‌ابراز خوا هند کرد و یکبار دیگر جهانیان از لابلای گفتار واقعی این‌نمایندگان واقعی در صفو ف فشرده تر موید وحا می انقلاب ملی و دمو کرا تیـك مردم ما خوا هند شد .

به گفتهٔ ببر ك کار مل منشـــی عمو می کمیتهٔ مرکزی حز ب دمو کراتیك خلق افغانستا ن و رئیـس شورا ی انقلابی جمهوری‌دموکراتیك افغانستان هنگا م ملاقا ت باهیئات اجرائیه سازما ن همبستگی خلق‌های آسیاو افریقا فر مودند که درعصر ماتویسنده بیطر ف وجود ندارد . شما نمایندگا ن خلق ها ی آسیاو افریقا وستارگا ن ادب این دوقاره از موضع طبقاتی مدافع زحمتکشان هستید و هستند نو یسند گا ن‌اجیر که از منافع کثیف و آز مندا نـهٔ امپریالیزم وارتجا ع دفا ع می‌نمایند لذامرد م ما در حالیکه ازمـیزبا ن بودن این هیئا ت صلح و همبستگی با افتخار پذیرا یی می کنند .یقین کامل دارند که مسا فر ت این هیئات عالیقدر در پهلو ی آنکه مو یددفا ع کلیه بشر یت صلح خواه ومترقی‌از داعیه بر حق شا ن یعنی انقلاب ثور ودست آورد ها ی آنست ، علایـق مستحکم شانرا با خلق ها ی رزمجو وحق طلب وصلح جو ی جهـــا ن مستحکم تر می سازد .

اینك حالا مردم ما از بر کـــت پیروز ی انقلاب ثور و بخصوص مر حلهٔ نوین و تکا ملی آن بیش از پیش توانسته اند همو یت انقلابی وحماسه آفرین خویش را بسو یه سراسر ی جهان تثبیت تر سا زند.

امروز در هیچ محفل سیاسی در هیچ نقطهٔ جها ن نخوا هد بود که در آن راجع به انقلاب ملی ودمـو ـ کراتیك مردم ما ، میهن ما وقهرمانی های خلق سخن زده نشود .

مردم میهن ما باپیروز ی در نبرد خونین علیه امپریا لیز م وارتجا ع دست نشانده اش نشان خواهـــند داد که علی الر غم تلاش آنها هویت وشخصیت خویش را از دست نداده بلکه بیش از پیش آنرا تثبیت نموده اند .

ما ایما ن کامل داریم که امپر ـ یالیز م وارتجا ع باوجود قـدر ت جبرو تی خویش شکست پذیر است و این حیقت در آینده نه چندا ن‌دور به جها نیا ن یکبار دیگر ثا بـــت خوا هد شد . زنده باد همبستگـی پیکار جو یا نه خلق ها ی مبـا رز جهان .

گردهم آیی های اختصاصی ژوندون

مسایل: سیاسی، اجتماعی وخانوادگی وفرهنگ وهنر

دربوتهٔ نقد وانتقاد

دشواریهای همگانی مردم در زمینه مسایل ترافیکی وترانسپورتی

طرح وتنظیم : رووف راصع

حکم : راحله راسخ خرمی

درین جدل :

۱ـ سمونوال احمد علی احمدیار رئیس ترافیك .

۲ـ سمونمل عبدالبصیر شهپر معـاون ریاست ترافیك .

۳ـ سمونیار عبدالرزاق مدیر ترافیك شهر کـابل .

٤ـ محرم علی معاون بناروالی کابل .

٥ـ سمونمل عبدالباقی آمر پلان ریاست ترافیك .

٦ـ غلام حضرت زیارکش مدیرپروگرام های ملی بس .

۷ـ احمد غوث زلمی ژورنالست .

شرکـت داشتند .

را حله راسخ خرمی :

پرداخت هفتگی نامه خانوادگی و ا جتماعی ژوندون به مسایل ترافیکی و دشواریهـای ترانسپورت شهری وو قف باری د یگرازجدل ها و گردهم آ یی های ا ختصاصی به بررسی و کاوشگری ر یشه های این مشعل اجتماعی از آ نجا ناشی می گرددکه‌باهمه تلاش پیگیری که از ار گانهای مسوول خدمات شهری وعامه در راه تنظیم شبکه ترانسپورت شهری بچشم می خورد ، توزیع خدمات آن نه به نحوی است که مشکلات از میان بر داشته شود ونه به گونه‌یی که مردم از آن راضی باشند .

شهر کابل به گفته دست اندر کاران امور آمار و احصائیه گنجایش نیم ملیون نفـر جمعیت را دارد ودر چند سال اخیر شرایط خاص انقلابی مو جب گردیده است که بیش‌از یك ملیون و دو صد هزار نفر در آن ساکن گردد که همین مو ضوع انگیزه‌یی شده است برای بوجود آ مدن نابسا مانی در تو ز یـع خدمات عامه شهری و افزایش دشـواری ها در ز مینه های مسکن ، ترانسپورت ، آب و برق ودیگر از این مانند ...

مسایل و امور ترانسپورت شهری و آنچه مجموع به ترافیك شهر مر بوط می گر دد از آن جهت مورد تو جه ماست که کمتـر همشهری و همو طنی است/که در ز ندگی روزانه خود آنرا به عنوان یك د شواری‌تلقی نکند واز کمبود بس های شهـری و عـد م پارکینگ ها و بی تو جی رانندگان در برابر مقرره های ترافیك گله مند نباشد ژو ندون به خواست گروهی فراوان از خوا ننده‌گـان علاقمند به مسایل اجتماعی خود یکبار د یگر پرابلم ها و دشواری های خانواده ها د ر زمینه امورترا فیکی و توانسپورتی را به جدل می گذارد وآرزو دارد این گفت و شنودهای صمیمانه وانگیزه جویی های پیگیرانه گامی باشد که در جهت از میان بر داشتن آنواوارانه دهنده‌طرح های بهتر ، عملی تر وموثر تـر در توضیح بهتر خد مات شهری و تنظیم آن به گونه‌یی که حد اکثر ا ستفاده از حد اقل امکانات در جهت خدمت گذاری به مردم‌بعمل آید .

باچنین خواست و آرزویی جدل ا مـروز را به گشایش می گیریم .

رووف را صع :

با مقدمه کوتا هی پیرامون ا هداف هفتگی نامه ژوندون از تدویر گـردهم آیـی های اختصاصی وراه اندازی جدل هایش دربررسی د شواری های همگانی سخن را به مسا یـل ترافیکی و ترانسپورتی مردم کشانیده‌میگوید:

– در شرایط کنونی و با توجه به ازدیاد روز افزون جمعیت شهری می توان گفت که تا مین خدمات شهری ودر این شمار خد مات ترافیکی وترانسپورتی در شمار ضرورت های او لی ز ندگی مردم در آمده است .

هفتگی نامه ژوندون به آن جهت مسا یـل ترافیکی و دشواریهای ترانسپورتی را بـرای دو مین دفعه به جدل می آورد که از سویی هیچ یك معضلاتی که‌در دور نخست سخن‌این مجله با مسوولان امور به طرح آمد و رل نگردیده و مشکل همچنان به شکـل یك ناگشودنی و جود دارد واز سوی دیگر خانواده‌یی است که از کمبود بس های‌شـ از عدم پار کینگ های مناسب درنقاط مخت شهر» ، از عدم ر عایت مقرره های تر ا به وسیلهٔ رانندگان و پیاده رو ها ، ازانت پیاده رو ها به وسیلهٔ فرو شندگان دور واز ده ها مورد دیگر از این مانند شکا نداشته باشد .

ما میکوشیم بدون رویه بینی و قشری گرایی وبدون آنکه شرایط و امکا نات را حل دشواریها از نظر دور بداریم با عمی بینی بر رسی وانگیزه یابی سبب های بر نا بسا مانی ها در ز مینه مورد بحث ج بپردازیم و بکوشیم باشناخت علت ها و ر راستین شرایط اجتماعی کاوشگر شیوه ه باشیم که با تطبیق آن اگر مشکلات را یکبا حل نمی توانیم ، حد اقل از پنهای‌آن‌بکاه وساحه آ نرا هر روز تنگتر گردانیم .

مسایلی را که در این دور سخن به‌عنو دشواری های اساسی به طرح می آ ید می توان در این موارد فشرده سا خت :

یك اینکه :

قانون جدید ترافیك با مقرره های وابـ به آن به چه پیمانه یی با خصو صیت ها تیپك جا معه ما ساز گاری دارد و می توا جهت تطبیقی بیابد ویا اجرای آن رفع‌و دشواریها و نابسا مانی های فعلی امـ

نمایی از میزگرد ژوندون که پیرامون مسایل ترافیکی وترانسپورتی کشور دایر گردید .

رافیکی و ترانسپورتی در چه حدی انتظار ره میشود و این انتظار چقدر با واقع‌بینی، از کار است ؟

دو دیگر اینکه :

در قانون جدید تاچه حدی خلا ها و کم ست هایی که در قوانین و مقرره های شین و جود داشته است رفع گردیده ؟

به عنوان نشاندهی در همین بخش یادآوری گردد که قوانین پیشینه ترافیك یك بعدی وده و در مسایل جزایی تقریبا همیشه‌شامل انندگان میشده‌است چنانکه ماکمتر به‌یاددداریم اری پیاده رو که به سبب کم ا لتفا تی ی توجهی هایش در سرك موتررو سبب ادثه‌ی ترافیکی می گردید مورد مجا زات رار گیرد ویا در صورت مرگ و ی راننده ی گناه ره به زندان نبرده باشد .

سه آنکه :

باتوجه به این نکته که مسایل ترافیکی‌در خش تطبیقی واجرا یی اش تنها به ارگان ترافیك تعلق نگرفته بلکه ادارات دیگرازمانند ساروالی ، مخابرات ، آبرسانی ، اداره برق، و... نیز درآن سهم دارند ودر صورتی که وعی حلقه ز نجیری ار تباطی میان این‌ادارات وجود نداشته باشد و هریك از ار گان های مسوول بخش های تا مین خدمات شهری‌سهم خودرا به‌انجام نیا و رند ، اجرای کا مل مقرره ها نا ممکن می گردد ، آیا در قانون جدید مکلفیت هایی برای این ار گان هادرنظر گرفته شده تا احساس مسوولیت بی التفاتی های آنان در برابر امور ترافیکی کا هش‌یابد یانه ؟

به عنوان مثال اگر مسوولان امور شهر ـ سازی و راه سازی بدون مشوره فنی‌مسوولان ترافیك ، به گونه‌یی اقدام به احداث‌راه‌های تازه شهری کنند که در آن فقط حجم‌گنجایش ترافیکی ز مان تطبیق پروژه در نظر گرفته شده باشد و نه از سال های‌بعد ، در این صورت قانون جدید در این مورد خاص چه تجاویز واصل های جزایی را در نظر گرفته است ؟

چهار اینکه :

مو جودیت ترافیك شا هراه یك نیاز مبرم وحیاتی در امور ترافیکی کشور ماست ، شاهراه های ما باید مجهز به پارکینگ های مناسب در فاصله های معین با شد تا رانندگان در حاشیه سرك توقف نکنندومنجر به حوادث ترافیکی در شاهراه نگردند . در حالیکه تاکنون این ضرورت شا هراه ها بر آورده شده است .

همچنین باید سر عت موتر ها در شا هراه قابل‌کنترول ومراقبت باشد ، باید درفاصله های بیشتر از پنجصد کیلو متر در هر موتر دو راننده ایفای و ظیفه کنند تا با بروز احساس خستگی یکنفر راننده دو می بجای وی به هدایت مو تر بپر دازد ، باید برای هر و سیله نقلیه مقدار وزن مجازی که‌برده می‌تواند تعیین گردد و مراقبت شود که‌موتر ها بیشتر از ظرفیت بار نداشته با شند، باید در فاصله های معین در شاهراه ها پست های مراقبت بسیار و مجهز به تیلفون وجود داشته باشد و ترافیك شاهراه مجهزبه آمبولانس های مورد نیاز گردد و خیلی باید های دیگر که تاکنون به عمل نیا مده است.

وبالاخره پنج اینکه :

امور ترانسپورتی شهری چه و قت وباچه تدابیری به اصلاح می آید ، ملی بس این یگانه موسسه ترانسپورتی شهری کابل چه وقت وبا چه شرایط وامکاناتی توانایی این را می یابد که خطوط موا صلات شهری خودرابه نظم آورد واگریگانه علت کمبودبس‌های‌شهری به گفت آید تارفع مشکل اساسی و خریداری تعدادی بس تازه که در مجموع با تعدادبس های کنونی بتواند جوابگوی نیاز های ترانسپورت شهری باشد چه راه حل های موقتی برای بهبود واصلاح و ضع کنونی‌وجود دارد ؟

اینهامسایلی است‌که یك یك وبه صورت جداگانه به جدل می آید واکنون از ر ئیس ترافیك تقاضا داریم تو ضیح د هند که‌قانون جدید ترافیك چقدر می تواند در از میان برداشتن و یا کاهش بخشیدن به دشواری هایی که بر شمردیم موثر باشد ؟

رئیس ترافیك :

باابراز تشکر و سپاس از وزین‌نامه‌ژوندون این تنها هفتگی نامه ی همه خانواده های کشور به پاسخ بخش نخست پرسش های شما اشاره های چند را ابراز میدارم :

ریاست ترافیك به عنوان ترافیك مر کزی کشور، به منظور تامین امن و نظم جاده ، جلو گیری از احتمالاتی که منجر به حوادث ترافیکی می‌گردد و برای از میان بر دا شتن دشواری‌ها و معضله هایی که شما اشا ره گر آن شدید مسوده قانون ترافیك را بامقرره های ضمیمه آن یعنی : جواز سیر و سایط نقلیه وجواز را نندگی ، سیر و حرکت، را طرح و برای طی مراحل اداری آن به مقامات باصلا حیت سپرد که بعد از غور و مطا لعه به تصویب آ مد و مورد انفاذ قرار گرفت .

دراین‌قانون تلاش این بوده تا با در نظر گیری مصوبات کنوا نسیون منعقده ژینوا هم حقوق ترافیك بین المللی ر عایت گردد وهم بادرك درست و راستین شرایط و خصوصیت های تیپك جا معه ما طرح موادقانون‌به‌گونه‌یی باشد که جهت اجرایی و تطبیقی قوی داشته باشد. مادرموقع تدوین این طرح‌قانونی‌صرف به نظر مشاوران امور ترافیکی بسنده‌نکردیم، بلکه به منظور اینکه تمام دشواری های تامین خدمات عامه در آن در نظر گرفته شودتماس هایی با ادارات وار گان هایی که باترا فیك جاده ار تباط مستقیم دارند د عوت به عمل آوردیم و نظر خوا هی کردیم که در این شمار می توان از شاروالی کابل ، آب‌وبرق، پوهنتون‌کابل مخابرات ، و زارت تعلیم‌وتربیه ترانسپورت ز مینی ، گمر کات ، مستوفیت، وزارت تجارت ، شفا خانه نور و بر خی موسسات دیگر نام گرفت .

ناتمام

پیوسته بگذشته

ترجمهٔ ز،ن

انقلاب کبیر اکتوبر و جنگ داخلی

بلشویك ها انقلاب سو سیالستی را تدارك می بینند :

در شام سو م اپریل ۱۹۱۷ کار گران پطرو گراد لنین را در خانه اش ملاقات کردند . او بعد از تبعید ده ساله در خارج به وطن برگشته بود . ستو ن های کارگران سپاهیان ودریانور دان در حالیکه سرود انقلاب را می خواندند مارش کنان در امتدادخیابان های پایین شهر به طرف استیشن راه آهن فنلند حرکت می کردند بیر قهای سرخ سر* بلند وبا افتخار به اهتزاز در آورده می شدند با آنکه میدان پیش رو ی استیشن قبلا مسدود گردیده بود باوجود آنهم افواج مردم پشت سر هم می‌آمدند سپس دو موتر مسلح بداخل خیابان شدند و صدای بوق‌دوامدار ماشین ریل که به‌آهستگی به‌ایستگاه نزدیك می شد شنیده شد .

چند دقیقه بعد تر لنین داخل خیابان شد که با کشیدن هورا بدرقه گردید کار گران لنین رابر سر یکی از موتر های زرهی بالا کردند . لنین طی یك بیانیهٔ مختصر خود شعار داد :

((زنده‌باد انقلاب سوسیالیستی!))

فقط یکماه از انقلاب فبروری گذشته بود . هنوز بسیاری مردم به حکومت موقت اعتماد داشتند و ازو می بردند که این حکومت آزادی را به نفع مردم انجام‌خواهد داد به مردم زمین توزیع‌خواهدکرد به قحطی وجنگ پایان خواهدداد در صورتیکه حکومت موقت از منافع ملاکان وسرمایه داران حمایت می کرد ، هیچ کاری انجام نداد و اصلا نمی خواست برای مردم کار کند . جنگ تباه کن ادامه داشت ومردم از گرسنگی می مردند ملاکان هنوز زمین ها را وسرمایه داران فابریکات را در اختیار داشتند . هیچ تغییری به نفع هیچ یك از گروپ های ملی وملیت های ساکن روسیه بوجود نیامد ، او کراینی ها ، روسیه‌سفید

لنین هنگام سخنرانی درشهر پترو گراد (۱۹۱۷)

اوزبك ها ودیگر مردم هنوز مثل گذشته در تحت ظلم و ستم روس ها وارباباں روسی بودند فقط حکومت کار گران و دهقانان می توانست تمام نیاز های مردم را برآورده سازد مگر تاسیس چنین‌یك حکومت مستلزم یك‌انقلاب سوسیالستی بود .

بلشویك ها به تبلیغات خود در بین طبقهٔ کارگر و در میان سربازان ادامه میدادند . در روز نامه های شان واز طریق اورا ق تبلیغاتی به کارگران وسربازان توصیه می نمودند تا اتحادیه های خود را بسازند ، قدرت را بدست گیرند وزمین هارا از ملاکان بگیرند و جنگ رایکباره توقف دهند .

لنین از طریق روز نامه های حزب بلشویك کارگران ،سربازان ودهقانان رابرای انجام وبه‌پیروزی رساندن انقلاب سوسیالستی دعوت می کرد . او همیشه در اجتماع بزرگ کار گران و سربازان صحبت می کرد . حزب بلشویك روز تا روز قوی تر می‌شد چنانچه شش ماه بعد اعضای آن ده چند گردید .

حکومت موقت متوجه گردید که لنین خطرناکترین دشمن او است بنا عنر مان صادر کرد که اورا دستگیر نمایند و حتی‌دستور قتل وی را طور مخفی داده بود . اگر چه حزب بلشویك به خاطر نجات جان رهبر شان ترتیبات لازم راگرفت بانهم‌لنین‌مجبورشد بار دیگر مانند دورانتزار ها خود را مخفی سازد . او در کنار در رازلف که از پطرو گراد فا کمی داشت بسر برد و در کارش را ادامه داد او در یك چوبی زندگی می کرد و هنگ شب بداخل یك چپر ی استرا می نمود .

اگر چه او در یك سا خشك در یا زندگی می کرد میچو جه دور وجدا از حزب گرا ن نبود ، هرروز رفقا ی از پطرو گراد برا ی لنین روز تازه ونا مه های رفقا یش رابر می آوردند .

در ماه آگست کمیته مر ک حزب فیصله کرد لنین بایدبه‌نر برود زیرا اختفا ی بیشتر درنز پطرو گراد برایش خطر نا ك در آنجا لنین مستقیما تدا انقلاب سو سیا لستی را گر بدستور و ی دسته ها ی گارد در فابریکه ها تشکیل گردید آگاه تر ین وانقلابی تر ین کار به دسته ها ی قشون‌سرخ‌پیرو لنین‌تشکیل‌قشون سر خ رابه ه انتخاب قو ماندانان شا یسته گارد سر خ یعنی کسا نیکه نه قوای ضربتی می باشند بلکه‌هم لیاقت ومهارت تنظیم جنگ خیابانی را داشته باشند خیلی و ارزنده خواند .

بلشویك ها کار بزرگ تبلیغ را در میان اردو ادامه دادند بازان ودر یا داران از جنگ خ ومریض شده بودند . در تحت رهنمایی بلشویك ها سر باز از افسران خود رو گردان‌شد به عقب بلشویك ها آمدند این پیوستن سر بازان به بلشویك ها بیشتر و بیشتر گردیده‌وفزو گرفت .

نظر به بدستور بلشویك دهاقین زمین های ملاکین رانه نمودند . تقریبا همه کار گر فابریکات روسیه اعتصاب راش کردند وطی آن تقاضای واگذ قدرت رابه شورا ها می نمودند

وصلح می خوا ستند .دهقانان
تکشا ن ستمدیده ملیت های
روسیه یکجا با کارگرا ن و
ا ن روسی ، به خا طر بدست
ن آزاد ی شا ن قیا م نمودند..
ها ی انقلاب سو سیا لستی
ک ونزدیکتر می شد .
یته مر کزی حز ب بلشو یک
ه کرد تا لنین در اوا یل ماه
ر مخفیا نه به پطرو گراد بر
نین تو سط ریل به و طن بر
چند روز بعد تر کمیته‌مرکزی
بلشویك لنین را ملاقا ت‌نموده
منظور شرو ع قیا م مسلحا نه
ر داد تا به پطرو گرادبرود.
وقت کار گرا ن ـ دهقانا ن و
ازا ن آماده بودند تا درمبارزه
ر برانداختن حکومت مؤقت و

انقلاب کبیر سو سیا لستی‌اکتوبر (که قبلا آغاز گردیده بود)می‌باشد.

درین هنگا م دسته ها ی گارد سر خ ، سر بازا ن و دریا نوردان به طر ف سمو لنی مار ش نمودند. در میدان پیش روی موترها ـ موتر سایکل ها و موتر ها ی زرهی و اسپ های زین زده ایستاده شدند.

قبلا هیچگا هی چنین ازدحام مرد م بداخل اطا قها و کریدور ها ی سمو لنی بوجود نیامده بوده است. در ینجاپژواك‌صدا ها و شر نگس اسلحه بگو ش می رسید زنگ قو مانده صریح نظا می به صدا در آمد . در میا ن بلشویك ها ی سمو لنی ، در ژ ینسکی ، سورد لو ف ، استا لین و پود وا

تیلگرا ف ـمرکز تیلفو ن استیشن های راه آهن وفابر یکا ت بر ق‌برای آنها اهمیت حیا تی داشت تا آنها بتوانند به آنو سیله اعما ل قدر ت نمایند .

چونکه این نقاط اساسی‌دراختیار کارگران و سر بازان انقلابی بود حکومت مو قت در قصر زمستانی اش در انزوا ی کامل مانده وارتباط اش باسایر نقا ط کشور قطع‌گردید وقادر نبود که قطعا ت نظا می رابه کمك خود بخوا هد . حتی درپطروگراد هم این مجا ل را ندا شت که فرما نی صادر نما ید زیرا دستگاه تیلفون و تیلگراف در اختیار انقلابیون قرار داشت .

دسته های سربازا ن ـکار گرا ن ودریانوردان انقلابی در حا لیکه

حکو مت موقت را مصئو ن نگهدارد مگر آنها به حیث آخر ین امکا نات از آن استفاده می کردند . گرو ه های سربازا ن ودر یا نوردا ن‌قصر زمستانی را از چهار طرف محاصره کردند . وحوالی سا عت ده شب بیست‌و پنج اکتو بر با شرو ع‌فیر ماشیندار دسته ها ی گارد سر خ استحکاما ت پیش رو ی قصر را شکستند وبه محو طهٔ قصر هجو م بردند اگر چه بلافا صله در وازه غولپیکر آهنی قصر بسته شد مگر دوباره بزود ی آنرا باز کرد ه وبه داخل قصر سرا زیر گر دیدند . افسران داخل قصر مقاو مت می کردند واز فراز پته زینه ها وازعقب پایه ها وستو ن ها ی سنگی قصر فیر می نمودند دسته ها ی قشو ن

درین تابلو یورش انقلابیون بر قصر زمستانی نشان داده‌است

قرار حا کمیت شورا هابدنبال ویك ها حر کت نما یند .

انقلاب کبیر سو سیا لستی اکتوبر :

ولنی ، مرکز رهبری انقلاب :

سمو لنی (دفاتر کمیته مر کزی ب بلشویك) به حیث ادارهٔ کزی قیا م تعیین گردید ، واین ست هما ن جا یی بود که لنین راه با یك بلشویك و فادار ش در م ۲٤ اکتوبر از مخفی گاه خودبه جا رفت آنها تایك قسمت راه عهٔ ترا موا ی آمدند و بقیهٔ راه‌را کوچه ها ی تاریك عبور نمو دند درین «در کوچه ها» هر گز نمی ستند تصور کنند کسی را که‌با کوچك و کلاه ساده کار گر ی ر به طرف شان می‌آید ، رهبر

یسکی حضور داشتند .

درین وقت لنین به‌سمولنی‌رسیدو لیدر شیپ قیا م را عهده دارگردیده وآنرا تاسر حد پیروز ی رهبر ی کرد .

طبق پلان مر تبه نخستین کار ی راکه لنین با رفقا ی همکار ش‌انجام داد عبار ت از اشغا ل پل ها ی‌بالای دریای نیوا بود این پلها که‌به آسانی از رو ی دریا برداشته شده می توانست یکا نه و سیلهٔارتباطی بود که بدانو سیله حکو مت مو قت می توانست قسمت پا یین شهر پطرو گراد را از قسمت محلات کار گری خار ج شهر قطع نما ید مگر انقلابیو ن کنترو ل عا م و تا م‌این پل ها را تاشا م ۲٤ اکتو بربدست گرفتند . همچنا ن اشغا ل اداره

سرود ها ی انقلابی را زمز مه می کردند بدا خل شهر مار ش کردند وتاشا م ۲۵ اکتو بر تما م شهر در اختیار آنها قرار گرفت فقط قصر زمستا نی هنو زدر تصر ف حکو مت مو قت باقیمانده بود .

تصرف قصر زمستا نی :

حکو مت مو قت استحکا ما ت شانرا در قصر زمستا نی بو جود آورد . دهلیز های فراخ ، اطاق ها ی گشاد و راهرو ها ی آن‌توسط دسته های افسرا ن و گروه ها ی وفادار به بورژواز ی‌حفا ظت ومراقبت می شد همچنا ن آنها میدا ن پیش رو ی قصر را توسط سد ها بسته بودند باوجود یکه‌این‌استحکامات بیهوده بوده ونمی توا نست

سر خ به پیش رو ی ادامه دادندتا اینکه سر انجا م داخل تعمیرشدند جایی که در آن چند تن از ترس‌خود را در گوشه یی گر فته بودند- آنها عبارت بودند از وزرا ی حکو مت موقت .

در حوالی سا عت دو بجهٔ شب‌و اوایل ساعا ت صبح حکو مت‌موقت بورژوا ها سقو ط کرد و کارگران ودهقانا ن قدر ت را بدست خود گرفتند . انقلاب سو سیا لستی به پیروز ی رسید روز بیست‌وپنج اکتوبر ۱۹۱۷ (مطابق تقو یم جد ید مصاد ف به هفت نوا مبر) به‌مثابهٔ روز ی که در آن انقلاب کبیراکتوبر به پیروز ی رسید ثبت‌تاریخ‌گردید.

بقیه درصفحه ۳۵

د څرگند وی لیکنه

د فلسطین له خلکو سره د پیوستون نړیواله ورځ

دنړی ټول خلك د فلسطین داتلو خلکو له نه ستړی کیدو و نکو هلو ځلو او مبا رزو څخه پوره خبر دی او په دغه هکله تل له دو ی سره خپل پیو ستون او ملا تړ څرگندوی، دنړی متر قی ډلی او حکومتو نه د نوا مبر ۲۹ نیټه چی د قو س لـــه ۸نیټی سره سمون خوری د ۱۹۷۷ کال څخه راپه دیخوا ددغو اتلـــو خلکو د پیو ستون په ویاړ لمانځی له دغی ورځی څخه د نمانځلـــو ستر هدف د نړیوا لو متر قـــی ځواکو نو لایو مو ټی کیدل‌او دامپر- یالیزم په ضددگډسنگر نیول دی تر څو چی د نړی مظلوم خلك دداړه- مارانو له نا ولو منگو لو او شومو غرضونو څخه وژغور ل شی .

د فلسطین قهرمان ملت چی د صهیو نیزم او نړ یوال امپریا لیزم دناوړه او شو مو غرضو نو لـــه مخی له خپلو رواحقو قو او پلر نی وطن څخه په زور ، ظلم سره بی- برخی‌اوایستل‌شوی دوی‌په‌پوره‌میړانه او بر یا لیتو ب سره خپلی د بریا- لیتوب په لوړ مبارزی ته په ویاړ لی تو گه دوام ورکوی ، د دغو جنگیالیو اوباتورانو څه نا څه یو نسل له‌خپل پلر نی کوړ (فلسطین) څخه بهر د دښمن سره د تودو جگړو په سنگرو نو کی زیږید لی او را لوی شویدی .

امپریا لیستی صهیو نیستا نو د خپلو شومو غر ضو نو د سر تـــه رسو لو له پاره د یو تیری کوونکی دو لت د را منځ ته کو لو پلا نونه جوړ او عملی کړل ، له همد غـــی خیا نت نه په ډکی ورځی دغوداړمارو ځواکو نو په ۱۹۱۷ کال کی د بالفور دمعا هدی له مخی د فلسطینیا نو په پلر نی مینه کی یو تیری کوو نکی دو لت په دی تو گه چی له اروپا یی هیواد و نو څخه یی د یهـــو دی صهیو نیستا نو ډلی را ټو لی کړی او د اسرا ئیلی گوډا گیا نو تش په نوم دو لت یی جوړ کړ .

دفلسطینیا نو پلر نی وطن څه‌نا څه پنځه څلو یښت پیړی لر غو نی تاریخ لری چی په او سنی تاریـــخ کی د ستری تر اژیدی ستونزی په څیر د سیمی له پاره ډیره کړکیچنه مسا له ده ځکه چی امپریا لیستا نو په دغه لر غو نی سیمه کی دخپلو گوډاگیا نو په وسیله د فلسطینی عربو څه ناڅه‌دوه‌ملیو نه اوسیدونکی په کده کو لو اخته کړیدی .

فلسطینی مبا رزین د خپلو روا حقو قو د تر لاسه کو لو له پاره دغه خاوره په خپلو وینو خړوبوی او نه پریږدی چی خپله دغه لر غو نی‌مینه دامپریا لیستی صهیو نیستا نو غوړه گو له شی دوی په پوره ویاړسره‌د خپل انسا نی کرا مت ، شها مت، پت او نا موس د سا تنو له پاره بی شمیره سر ښند نی کړیدی چـــی دنړی امپریالستانواو صهیونیستانو ته کلك غاښ ما توونکی گوزا ر گڼل کیږی .

اسرا ئیلی گو ډا گی دو لت د رامنځ ته کیدو له امله په ۱۹۴۸ کال کی ددغو اجیرا نو او فلسطینـــی مبارزینو تر منځ خو نړی جگړه‌پیښه شوه ، ور پسی په دغه لړ کی د ۱۹۶۷ کال خو نړ یو پیښو له امله داشغال شویو سیمو څخه دنیما یی فلسطینی او سیدو نکو دکډه کولو تراژیدی را منځ ته شوه خو په‌خواکی دفلسطینی مبارزینو وینی د خپلـــو حقو قو په تر لاسه کو لو کی لاپه جوش را غلی او خپلی نه ستړی کیدو نکی هلی ځلی یی د پوره بریا- لیتوب په لور لاپسی زیا تی کړی او ددوی د مبارزو طو فا ن ورځ په‌ورځ په پیاوړی تو گه پر مخ روا ن شو چی اوس د نړی ټول سو له خو ښه- ونکی او سو کا لی غو ښتو نکـــی ځواکو نه د دوی ملاتړ او مر ستی ته ور دا نگی .

د ۱۹۶۷ کال جگړه‌دامپریا لیستی ځواکونو د پلانونو د عملی کو لو بل گام ؤپه دی جگړه کی اسرا ئیلی گوډا گیا نو د یو رشلم په غصبولو سر بیره د عربی هیوادونو یوه برخه هم ونیوله دغه پرا ختیاغو ښتو نکی جگړی د ۱۹۰۵ کال‌دصهیو نیستانو اوومی کنگری پلانو نه او پر یکړی پر مخ بیا یی .

د فلسطین خلك د دغو لو ټمارو په ټو لو سړی وژو نکو او خا وری نیوونکو عملو نو ښه پو هید لی او دهغو ی مبارزه په هر ډول چی وی دجگړه غو ښتو نکو داړه مارو پـــه مقا بل کی‌دکډوالو او نورو فلسطینی مبارزینو درواحقوقواود خپلی‌خپلواکی او پلر نی وطن او مینی د تر لا کو لو له پاره تل روا نه ده .

دا څرگنده ده‌چی دفلسطین خلکو روا دا عیه‌په‌نړی کی دخپلو غوښتو نکو غورځنگونو لپاره د حیثیت لری او د نړی دخلکو دح دتامینو لو له پاره د مبارزی د ستون او یووا لی کړی ده نو ل همدغه‌امله‌دټولی‌نړی‌سوله‌غوښتو غورځنگو نه ، ځواکو نه او خـ ځښتو نه د دغی ستری ستونزی حل کولو له پاره خپل پیو س څرگند وی .

که چیری وویل شی چی په سیمه کی پر ته له فلسطین څخ سو له منځ ته نه را ځی سمه به ځکه چی دسو لی بنسټو نه ایجا چی د فلسطین د خلکو حقو ق خپلواك دولت دی تضمین او ج شی . فلسطینی مبارزین‌په دغه ه وایی :

پریږدی امپریا لیزم هر څه کوی هغه وکړی خو موږ په خپله اراده دیوالی له سنگر څخه د انقلاب له پاره را پورته شوی

ای دفلسطین خلکو ! تا سی فلسطین دانقلاب بنسټ یا ست

ای د فلسطین خلکـــو ! تا فلسطین دانقلاب سرلیك اوعن یاست .

ستا سی ملگر ی تر اوسه له سنگره دامپریا لیزم او صهیو په ضد جنگیږی ، موږ به د خ پاکی خاوری خپلوا کی حتما تر لا کوو او په مبارزه کی د بر یا لیت په لور مخ‌په وړاندی روان یو.

دافغانستان دمو کراتیك جمهور دو لت د افغا نستان د خلك‌د کراتیك گو ند تر سمی او سا لارښوو نی لاندی دافغانستان آزادو او خپلوا کو خلکو په نماینـ تل د نړی په هر گوټ کی له متر ځواکو نو او د هغوی له مبارزو هراړخیز ملاتړ کړی او کـوی څرگنده ده چی افغا نستان زړ خلك د خپلو فلسطینی ورونو د او رښتینی غورځنگ سره پوره لری او تل له دو ی سره خپل ماتیدو نکی ملاتړ او پیو ستـــ څرگند وی .

ارسلان

درخشش ادبدری در عصر ظهیر

قرن ششم عصر یست که در آن
عر بلند آوازه و سخن سرا ی
ور ظهیر فار یا بی با توانا یی
و یحه تابنا کش در دنیا یی‌شعر
ب ،زندگی داشت .
روز گار بو قلمو ن این عصر در
ای سروده ها ی ظهیر منعکس
دیده واور گا نیز م اجتما عی ،
یاسی واخلاقی جامعه آنروزدر
ساید ، تغز لا ت‌وربا عیا ت‌شاعر
ن ششم چهره میکشا ید و فر-
رده ها ی شعر ی واد بی این عصر
همه روز گار یست که ما آنرا
م عصر سلجو قیا ن مینما ییم‌و
عصربادگر گونی‌هایی که‌داردقرن
و ل ادبی نیز نا میده میشود .و
را ی شنا خت افکار و اندیشه
ی شاعر خود را به شنا خت‌اوضاع
جماعی و چگونگی وضع شعر و
ب در ین قر ن نا گزیر می یابیم،
یست گفت عصر ظهیر یکی از
وار متبارز ادب در ی است این
ره در تاریخ ادبیا ت شا مل‌زمانی
گردد که از اواسط قر ن پنجم
جری آغاز وبا اوایل قرن ششم
م میشود . قر ن ششم از حیث
عی وتو جه به شعر واد ب ازقرون
شته برتری حاصل میکند وورود
لاطین سلا جقه بار دیگر بزم
عر ارا گر م وبا زیب و زینت
ساخت تحو ل در شعر واد ب و
ر خشا نی و ضع شعر و شاعری
حصو ل عوا مل چو ن کو ششی
عرا و نویسنده گان در خرا سان
ما ورا نهر و سیستا ن برای‌فراهم
ورد ن زمینه ها ی وسیع مقدما ت
فی ومعنو ی و هم تشو یق‌شعرا
ریعه امیرا ن ودود ما ن مستعدبود
ه همگام با عوا ملی چون ترو یج
بان در ی در سر زمین ها ومناطق

دور دست براثر کشور کشا یی ها
و لشکر کشی ها ی غز .نو یا ن و
سلجو قیا ن دامنه و توسعه پذیرفت
که در اثر آن شعر واد ب از دربار
بیرو ن آمد ودر بین عا مه مرد م‌راه
باز نمود ومرا کز ادبی جدید جهت
تربیت شعر ا در بین توده ها و
مراکز بود وبا ش مرد م در شهر
های چو ن آذر بایجا ن و عرا ق
اساس گذاشته شد این تغیر ودگر
گونی ها در پذیرش وجوه شا عران
وادیبا ن رنگ خا صی به ادب دری
بخشیده گشا یش راه شعروشاعری
دربین جهت ها با عث شد که عده
زیاد ی از لغا ت ، اصطلا حا ت ،
جملات وکلما ت غیر د ی و تر-
کیبا ت و تغیرا ت تازه در زبا ن
شعر واد ب وارد زبا ن در ی با
دستیا بی شاعرا ن به زبا ن واندو-
خته تاز ی و ورود لغا ت‌وکلما ت
ترکی این ها همه مضا مین تا زه و
افکار نو و کلما ت بیشتر ی رابرای
بیان مطلب و شرح وقایع و حالات
به شاعرا ن عصر بار آورد که در
نتیجه زبان و شعر دری در ین
دوره وارد مر حله نو ینی گر دید
عوامل جدید آهسته آهسته اثر
خود را در شعر واد ب وارد ساخت
وسبك‌سخن ور ی در آستا نه‌تحول
قرار گر فت سبك معمو ل وشیوه
سخن سرا یی عصر غز نو یا ن‌عوض
شد اگر چه به خا طر حفظ ونگهداری
سبك قدیم کوشش هایی شده‌امادرین
جا شعر واد ب در آستا نه یك‌مرحله
تغییر پذیر ی وتحو ل قرار داشت
وباگذ شت نیمه او ل قر ن ششم
این تحو ل کاملا محسو س گردید.
رسالت مند ی این تحو ل ودیگر-
گونی با گو یندگی انور ی نقش
بزرگ را بعهده و ی میگذرد که بعد

ها تعداد زیاد ی از شا عرا ن زما ن
رابه تقلید از شیوه خود وا داشته
است . ساد گی کلام واستخدا م
معا نی و مضا مین دقیق انوری با
آغاز وادامه پیرا وانش‌وافراط بیش
از حد وضع را به جایی کشید که
شعر بدو ن شر ح و تفسیر نامفهوم
گردید بر عکس عده دیگر ی افکار
باریك ، اصطلا حا ت و مطا لب‌علمی
را وارد دنیا ی شعر واد ب ساختند
که سر انجا م دشوار ی وناهمواری
شعر دری را مو جب گشت تغیرات
وتحو لا تی که دا منگیر انوا ع‌شعر
گردید تشبیها ت تازه مصرا ع و
ادبیات عر بی را وارد اشعار دری
ساخت چه در ین عصر شا عرا ن
ونو یسند گا ن دستر سی به‌زبا ن
تاز ی را ما یه کما ل و معیا ردانش
خود میدانستند واز آن در اندیشه
بودند که اگر زبا ن در ی را درادب
دوباره زنده سازند شاید آنا رشان
در خور ارز ش نبا شد و بتا سی
ازین گونه طر ز تلقی واند یشه ها
از ما یه ها ی اد بی زبا ن خودکمتر
استفاده و در عو ض به تتبعات و
تحقیقا ت در زبا ن عر بی پرداختند
خصو صیا ت و برازند گی ها ی
دیگر این عصر همانا او ج گیر ی
غزل وغزل سرا یی است البته با
راه یابی مضا مین دقیق و لطیف،
غزل‌از حالت ساد گی اولی برآمدتا
آنجا که در قر ن هفتم باو ج‌زیبایی
وبلو غ رسید . اما ربا عی بازار
دیگر ی داشت چه در اواسط قر ن
پنجم مضا مین فلسفی و عر فا نی‌در
قالب ربا عی سروده شد . شاعران
گاهی مو ضوعا ت سیاسی، عشقی
وانتقاد ی وگا هی هم مد ح رادرین
قالب بیا ن میکردند.
شاعرا نی که در ین دوره در حوزه

ادبی عرا ق تربیت وپرور ش‌یافتند
در تجدید سبك و تغیر شیوه جدید
شعر نقش ها ی موثر ی را با ز ی
کردند وایشا ن بیشتر کسانی‌بودند
که در اثر ناآرا می ونا امنی‌خراسان
دیار خویش را تر ك گفته بودند .
امادر ین میا ن آخر ین شخص که
توانست شعر را تحت تا ثیراندیشه
های ادبی ومعنو ی خود قرار دهد
ظهیر فار یابی است .

درین دوره شا عرا ن از حما یت
ومعاشر ت سلاطین بر خور دار بوده
درشعا ر طبقا ت محتر م ج امعه
به حسا ب می آمدند وبه اصطلاح
از زند گی خو ب ونا ن وافر برخور
دار بودند شعرا که سر مایه معنوی
شاها ن روز به حسا ب می آمد ند
کار اصلی شا ن مد ح و تبلیغ بودهر
چند مد ح غرا و مبالغه آمیز مینمود
مورد لطف و مر غو ب خا طر ممدوح
قرار میگر فت .

استفاده جو یی ها ی فرما ن
روایا ن از کار شعر و شا عری‌زمینه
راآماده پیکار ها ی شا عرا نه‌ساخته
بود چنانچه کشا کش ها ی قز مل
ارسلان جهان پهلوان و تا بك
ابو بکر نمو نه ایست از ین پیکا ر
های شاعرا نه در قر ن ششم‌چنانچه
مدح وتبلیغ رسا و پر مبا لغه‌شاعری
را قر ین بخشش والطا ف ممدو ح
قرار میداد کار شاعر ی خود درین
عصر التزا م سر ما یه سنگینی را
مینمودوشا عر یکه در کسب دانش
وتحصیل فنون زبان مشقا ت عظیم
رابر خود هموار نمیسا خت نا ممکن
بود به جایی برسد . اند یشه
موقف یابی ورسا لت مند ی اکثر
شاعرا ن این دوره را مر دا ن‌فاضل
وزبا ن دا ن وآگاه واند یشمند از

بقیه در صفحه ٥٤

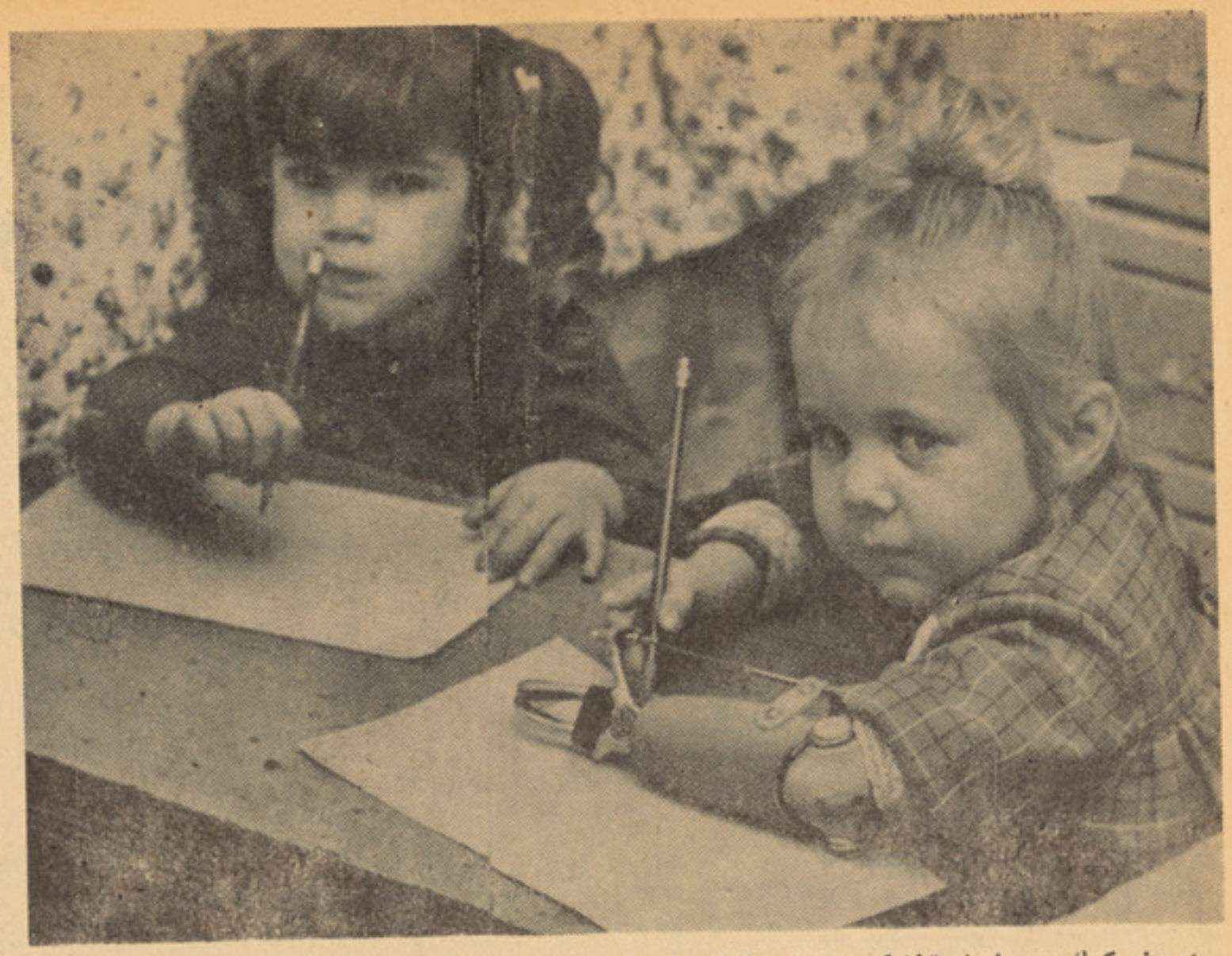

امروز بکمك و سا یل تخنیکی‌می‌توان اطفال معیـوب را در ردیـف‌اعضای فعال جامعه بشری‌قرار دارد

آیامعیوبیت‌های دوره‌طفولیت قابل تداوی است؟

عضو یونیسف ، تعین وسا یـــل وذرایع پروگرا مها ی قابل تطبیق تهیه وسایل تربیو ی و معلو ما تی بشمو ل ارسا ل مشاور ین تخنیکی

...

احیا ی مجدد بین المللی مختلط از یك عده موسسا ت ار تبا طـــی وقایه واحیا ی مجدد معیو بین در سرتا سر جها ن میباشد و یـــك پروگرام کمك تخنیکی را پی ریزی نموده اند تا یو نیسف را درتطبیق ستراتیژی جدید استعا نت به‌اطفال معیوب کمك نمایند .

اهدا ف عمده این ستراتیـــژ ی برای وقایه وارجا ع معیو بیت های دوره طفولیت ذیلا تو ضیـــح مـی گردد:

ـ توسعه و تقو یه پرو گرا مهای صحی ـ تغذی ـ تربیو ی و رفا ه اجتماعی اطفا ل و فامیلها ی شا ن تاآنها بتوانند از اخلال ناتوا نـــی مولده جلوگیر ی نموده معیو بیتها رادر قد م اول تشخیص ـ تدا و ی واحیا ی مجدد مناسب رابه وسیع ترین ساحا ت ممکن در جا معـــه توسط فامیل تامین نماید .

ـ تامین احتیاجا ت مجمو عی‌طفل تااهمیت پرورش ونموی‌طفل‌رانسبت به ترمیم تشوشا ت وناتوا نی شان تبارز دهد .

ـ تنویر ذهنیت واستحـــکا م توانا یی فامیل وجامعه در جهـــت وقایه معیو بیت وکمك به اطفا لیکه معیو ب گردیده اند احیا ی مجـدد بین‌المللی جهت برآورد ن اهدا ف متذکره معاو نتها ی تخنیکی را به یونیسف از طر ق ذیل تهیه‌میدارد:

ـ همکاری در جهت تطبیق پروگرامها ی اطفا ل در مما لـــك

که در سا حه پروگرا مها ی مل وقایه معیو بیتها ی دوره طفو ل واحیای مجدد اطفال معیوب همکا بتوانند .

تهیه خطو ط رهنما یـی کـ پروگرا مها واعضا ی توجیهی یونیسف از آن استفاده بتوا ن وهمچنا ن آمرین مسئو ل ملی ز فعا ل ساختن ستراتیژی های جد یاری دهد .

احیای مجدد بین‌المللی در انط سیمینار های گرو پهای محدود اکناف مختلف جها ن به شمـو نمایندگا ن حکو ما ت ـ مشاور وپرسونل یونیسف همکار ی م نماید .

ـ تهیه مواد معلو ما تی درسا اساسی ستراتیزی از قبیل اشک اسبا ب ووقا یه نا توا نی هـــا تشخیص معیو بیت هـا وو سای جلوگیر ی از ین حوادث در بیـــ اجتما ع وفا میلها وتهیه‌موادتربیو برای کار گران ملی .

ـمطالعه واقعا ت و بر رســـ پروگرا مها ی معمو ل در مما لـــ مختلف که بتواند در اجرا ی‌ستر تیژی مجوزه مفید ثابت گردد.

پروگرا م مختلط معاو نت‌تخنیک یونیسف واحیا ی مجدد بین المل از طریق موسسا ت غیر دو لتی اورگانها ی ملل متحد تو ســـ متخصصین متبحر در فعا لیتها متذ کره همکار ی میکند . ایـــ پروگرا م معاو نت تخنیکی یك منـ

اشخاص معیوب هم استعداد دارندباید استعداد شانـرا رشد داد و جهت مطلوب ازآن استفاده کرد

معیو بین مانند اشخاص عـادی‌دارای عین ضروریات و احتیاجـات ... باید به آنها احتـرام گـذاشت‌وآنها را کمك کرد

...کی مرکزی مهم برای کلیه مراجع ... در امر وقایه ـ ارجا ع معیوبیت ... دورا ن طفلی سرو کار دارند ...رده میشود .

طرز العمل یونیسف معیوبیتهای ...وران طفولیت

...یونیسف یك پروگرا م و سیـع ...در جهت وقا یه واحیا ی مجـدد ...یو بیتها ی دورا ن طفو لیت پیاده ...وده‌است . این پروگرا م ازنتیجه ...ك مطالعه که توسط احیا ی مجدد ...ین‌المللی که یك موسسه غیردولتی ...ت ودر مورد حل مشکل اشخاص ...یو ب تخصص وتجر به دارد وازین ...یق به یونیسف معاو نت میکند ...میا ن آمده‌است .

...فعالیتها ی یونیسف در مـورد ...حتیاجا ت اطفا ل معیو ب وفامیل ...ی شان توجه بخصو صی مبذول ...دارد ، واز طریق طر ح ستراتیژی ...ی فعال وقایو ی ـ معیو بیتها ی ...وران طفولیت و تنقیص اثرا ت ما ...عدآنراکه به‌تصویب مجمع اجرائیوی ...یونیسف رسیده میتوا ن به آن‌عده ...ممالکی که در طر ح پروگرا مها و ...تقاضای معیو بیتها ی دورا ن‌طفولیت ...نیاز مند کمك باشند رهنما یی های ...قابل ملاحظه نماید . به اینصور ت ...کمکا نات،تازه همکار ی یو نیسـف ...وسایر موسسا ت مربو ط رابداخل ...پروگرا ت کمك های صحی وسا یر ...خدما ت اجتما عی ممالك رو بـه ...انکشا ف میسر میسازد .

...یی برد به واقعیا ت ذیل سبب به میان آمد ن طرز العمل جدیـد گردیده‌است :

۱ ـ معیو بیتها ی و خیم ملیون ها طفل قابل جلوگیر ی است .

۲ ـ کمکها ی اساسی به اطفا ل مصاب تشو شات فزیکی ، دماغـی وحسی وانگیزه های که بـرا ی‌ـ انکشا ف ونمو ی طفل ضـرور ی پنداشته میشود اکثرا اغما ضـ گردیده است .

۳ ـ عدم توجه به پرو سه های معمو لی که برای انکشا ف ونموی طفل اهمیت به خصو ص دارد سبب معیوبیتها ی قابل ذکر با مقا یسه توجه به تداوی تشو شات‌و ظیفو ی طفل شده‌است .

٤ ـ اسبا ب عمده تـو لـید تشوشا ت و معیو بیتها ی طفـل را تغذی ناکا فی ، اشکا ل‌ولاد ت، امراض قابل وقا یهٔ انتـانا ت و تصادما ت تشکیل مید هد که این عوامل بیشتر مرد م کم بضا عـت وآنها یی راکه به عرضه خدمات‌بشر خواهانه کمتر دستر سی دار نـد معلو ل میسازد .

۵ ـ ولادت یك طفل معلو ل ویا تولید معیو بیتها ، یك بار اضا فی رابدوش فامیل ها میگذارد که ایـن حوادث توان مالی فا میلها رابیشتر واژگون نموده سبب تضعیف مزید بی بضاعتی دریك‌حلقه‌بسته‌میگردد.

٦ ـ تنها تعمیل پرو گرا مها ی مجوزه است که بهبود حیا ت طفل وفامیل رادر جهت تامین صحت ، تغذی ، تعلیما ت اساسی ،رهنما ی خانواده وامور خیر ی اجتما عـی تضمین نموده ویك رو ل حیا تی را در امر وقایه و ارجا ع معیو بیتها بازی میکند .

۷ ـ عمو ما اسبا ب اصلی‌معیو ـ بیتها ، طرز جلوگیر ی وامکـا ن احیای مجدد و پا یین بودن سطح دانش وجهالت تشکیل مید هـد و همین فامیلها وجوامع اند که‌اطفا ل معیوب بار می آرند .

واقعیتها ی معیو بیـت دورا ن طفولیت

امروز بیشتر از ۵۰۰ ملیو ن‌نفوس جهان در فعالیتها ی عادی روزا نه سهم کافی گرفته نمیتوا نند . کـه اقلا یك ربع شانرا اطفا ل تشکیـل میدهد . این اشخا ص مصـا ب تشوشا ت فزیکی ، دما غی وحسی اندکه یا نا قص الا عضا بوده و یـا اینکه یك قسمت بد ن خود را از دست داده‌اند . اینها یافلج اند ویا اینکه‌قدرت‌محدود‌شنوایی ، بینا یی‌و دماغی دارند . یك عده شا ن هـم تشوشا ت احساسی دارند . ایـن گروه میتوانند که به طر ف معیوبیت سوق یابند یعنی ممکن است بـه اخلال حرکی ، خورا کی ، بینا یی تکلم ، شنوا یی وآموزش مبتـلا شوند . این محدود یتها ست کـه مانع کار شا ن در فامیل و اجتماع میشوند . به این دسته اشخا ص کلمه معیو ب اطلاق میشود . یك‌دهم اطفال یا معیو ب به دنیا می آیند و یامعیوبیت راکسب میکنند . ایـن اطفال کور ، کر ودیوانه اند ویـا اینکه فعالیت فزیکی محدود دارند. اکثر این اطفا ل مانند اکثر کاهلان معیوب به احیا ی مجدد ، تدا و ی تعلیم وتربیه ای که توانا یی شا ن را به حد اعظمی ترمیم نمایددستر ـ سی ندارند . این حقیقت در مـورد یکصدو بیست ملیو ن اطفا ل‌معیوب که امروز در ممالك روبه انکشا ف زندگی میکنند صد ق میکنند .

تاسال دو هزار عیسو ی یا اخیر قرن بیست تعداد اشخا ص معیوب اقلا به ششصد ملیو ن در جها ن ارتقاء خواهد نمود یك ثلث نفو س جها ن کمتر از پانزده سا ل دارند که باین حسا ب یکصدو پنجـاه ملیو ن طفل معیو ب در مما لـك روبه انکشا ف عر ض اندام خواهد نمود. اگر حکو ما ت با همکار ی مردم موقف موجود را تعدیل نکنند بیم آن میرود که این ها از کمـك ودسترسی بدور مانند .

احیا ی مجدد بین‌المللی متشکل از یکصدو پانزده موسسـه و در شصت‌و چهار مملکت نمایند گـی دارد .

اهدا ف احیا ی مجدد بین‌المللی همکار ی به تاسیس مو سسا ت و طرح پرو گرامها ی در جهت وقایه واحیا ی مجدد معیو بین میبا شدتا

بقیه درصفحه ۵۵

اشخاص معیوب هم می توانندبه‌نوبهٔ خود درامور اجتماعی‌سهم‌گیرند

گزارش از: ر . جرمی

موج دیگری از همبستگی با انقلاب و مردم ا فغانستان

خوانندگان محترم ما اطلاع دارندکه‌چهارمین جلسه‌ی نوبتی هیات انجمن اجرائیه‌ی انجمن نویسندگان آ سیا وافریقا اخیرا باشکوهمندی خاصی در شهر زیبای کابل ایـن گهواره پر افتخار انقلاب نجات بخش ثور دایر گردید.

در ارتباط بدین رو یداد باعظمت که‌برای او لین بار در کشور محبوب ما بو قوع‌می‌پیوندد راپور تر مجله باچندتن از اشتراك ـ کنندگان این جلسه باشکوه گفت و شنودهایی بعمل آورده‌است که بعد از شرح مختصر ی پیرامون انجمن نو یسندگان آ سیا و ا فریقا شما را بخواندن آن دعوت می نمائیم .

انجمن نویسندگان آ سیا وافریقاسازمان جهانی نویسندگان است و بر پایهٔ عضویت جمعی و انفرادی نویسندگانی که با آثار و فعالیت های ادبی خود تلاش می و رزنـد فرهنگ و ادبیات ملـی خلقهـا را تحکیم بخشند، همبستگی نو یسندگان وهمه نیرو های مترقی را مستحکمتر سازند، با آثارخود پیروزی تمام د ست آورد های جنبش آزادی بخش خلقها را گسترش د هند و یـاری رسانند بمیان آمده است .

این انجمن از همان آ وان تاسیس خویش تاکنون از بزرگترین ساز مان های حامـی صلح و تشنج زدائی بوده بر نامهٔ متـرقی ضد استعماری و ضد امپریالیستی را در کار خود تعقیب نموده است .

این انجمن در جریان کار وفعالیت خود از مبارزات عادلانه مردم فلسطین ، از مبارزات قهر مانانه مردم و یتنام واز مبارزات برحق مرد افغانستان در برابر ار تجاع، هژمونیزم وامپریالیزم عملا دفاع بعمل آورده‌است.

انجمن نویسندگان آ سیا وافریقا تاکنون شش کنفرانس دایر نموده است و نخستین کنفرانس مو سس آن در ماه ا کتوبر سال ۱۹۵۸ در تاشکند بر گزار گردیده است .

از سال ۱۹٦۸ به بعد انجمن هفته نامه ((لوتس)) را منتشر می سازد ، جایزه ادبی انجمن نویسنده گان آ سیا وافریقا «لوتس» در سال ۱۹٦۹ اساس گذاشته شد که بـه آثار بر جسته ادبیات آ سیاوافریقا وفعالیت های بزرگ ا جتماعی داده می شود .

قرار است انجمن نویسندگان آ سیـاو افریقا بیستمین سالگرد تاسیس خودرادرسال ۱۹۸۳ تجلیل نماید .

باتقدیم مقد مه مختصر اکنون شما را در جریان گفت و شنود ی که باچند تن‌ازاعضای اشتراك کنند گان چهارمین جـلسهٔ نو بتی هیات اجرائیه‌ی انجمن نو یسندگان‌آ سیا و افریقا صورت پذیرفته است قرار می دهیم :

معین توفیق بسیسو شاعر، نویسنده‌وچهره مردمی فلسطین مستشار فرهنگی یا سرعرفات عضو هیات رئیسه اتحادیهٔ ژورنالیست هـا ونویسندگان فلسطین و معاون سر محررمجله لوتس یکی از اشتراك کنندگان چهار میـن جلسه نوبتی هیات اجرائیه انجمن‌نویسندگان آسیا وافریقا می باشد که با اغتنام فر صت بپای صحبت او می نشینیم ود رآ غازاین‌گفت وشنود مو صوف ضمن معرفی خود درمورد فعالیت های ادبی خویش چنین روشنی می‌اندازد :

من درسال ۱۹۲۸ چشم بجهان گشودم‌واز دیرزمانی بدین سو فعالیت های ادبی‌وفرهنگی را به پیش می برم ، اشعار من به چهل‌لسان از لسان های مروج اتحاد جما هیر شو روی ترجمه شده است و سه ملیون نسخهٔ آن در اتحاد شوروی بفروش ر سیده است، همچنان اشعار من بزبان های آلمانی ، انگلیسی ، ترکی، ایطالوی ، ایرانی و غیره تر جـمه شده است . بهمین قسم من در دوران‌فعالیت ادبی خویش چهار بیتی های را نیز به‌رشتهٔ تحریر در آورده‌ام واین چهار بیتی هارا به مناسبت انقلاب « زنج) که در قرن‌چـها ر م هجری اسلامی در بصره بو قوع پیوسته‌است برشته تحریر در آورده‌ام و فعلا مصرو ف نوشتن کتابی در بارهٔ کشور دوست ا تحاد شوروی هستم که قرار است درسال ۱۹۸۳ به انجام برسد .

من درسال ۱۹۸۱ همرای سلیمان لایق‌در شهر دوشنبه به دریافت جایزه میرزاتورسون زاده موفق گردیدم .

وی در برابر سوال دیگری در موردنقش سیاسی واجتماعی انجمن نو یسندگان آ سیا وافریقا در تحکیم ا منیت وصلح وسعـادت مردمان گیتی چنین گفت :

انجمن نو یسندگان آ سیاوافریقا یکی‌از اتحادیه هایی است که همواره جهت‌ایجـاد وحدت و همبستگی میان نو یسندگان و خلق آسیا وافریقا کار ارزنده و پر ثمر خویش‌را به جلو می برد و بر ضد امپر یالیزم‌جهانی، ار تجاع ، صهیونیزم و دیگر قدرت هـای عقب گرا که می خواهند ثقافت و فر هنگ ملل جهان را از بین ببرند مبارزه می‌نماید.

وی در مورد سفـر خـویش به کشور ما افغانستان انقلابی چنین گفت : این ا و لین باری است که من به افغانستان می آیم وما بدین جهت به افغانستان سفر نمودیم کـه شعرا و نویسندگان همرزم خودرا در این جا ملاقات نمائیم و باهم معرفت حاصل نائیم. مااکنون بالای ادب‌افغانستان مصروف کـار می باشیم ودر راه کسب شهرت آن‌ازهیچگونه سعی و کوشش دریغ نمی‌ورزیم . مجلـه «لوتس» ارگان نشراتی انجمن نویسندگـان آسیا وافریقا می خوا هد ب لشماره خودرا در باره شعر وادب افغانستان انقلا بـی اختصاص بد هد و به نشر برساند .

مادرین مورد نیز با دوکتور اسدالله‌حبیب رئیس اتحادیه نویسندگان افغانستان صحبت نمودیم وبه توافق رسیدیم .

معین توفیق بسیسودرموردنقش نویسندگان وشعرا در امر بیداری توده ها چنین ابـراز نظر نمود : زمانیکه در میان مبارزین‌وانقلا ـ بیون فلسطین که در جریان مقابله باصهیو ـ نست هامی باشند برویم مشاهده خواهیم‌نمود که همه مبارزین فلسطین شعرا و نویسندگان

معین تـوفیق بسیسو شاعـر و نویسنده انقلابی فلسطین .

فلسطین را دوست می دارند بدین جهت ایشان بخاطر ایجاد و تحکیم صلح می نمایند اکنون شعرا و نویسندگان‌فلس باخون خود برای مردم فلسطین می‌نو وتعداد ز یادی از آن ها در این راه ج شهادت به لب کشیدند . بادرنظر دا تکات فوق واضح می‌گردد که شعراونویس گان در امربیداری توده ها نقش بزرگ بدوش دارند .

موصوف در مورد این سوال که در د اقامت خود در کابل بدر یافت چه حقا راجع به انقلاب ومردم افغانستان موفق آیـا حقیقت اوضـاع کنـونی جـامعـ با پرو گند هایی که رادیو های دروغ‌پرا امپریالیستی در این مورد براه انداخته چه تفاوتی دارد ؟ چنین گفت :

درارتباط به سوال شما باید تذکر بد که این اولین باری است که من به‌شهر آمدم و در دوران اقا مت خود در این ش او ضاع آن رابطور نار ملی در یافتم، بکار و بار روزمره خود بطور عادی ادامه دهند و مصئو نیت کامل درشهر وجود وهیچگونه عدم مصئونیتی احساس نمی ش

وی گفت : ما مردم افغـانستان را دو داریم و با احساس امنیت در کابل بسـ خرسند گردیدیم و دانستیم که رادیو دروغ پراگنی غربی حقایق مربوط به وانقلاب افغانستان را به‌شکل وارونه انعکاس می‌دهند و بر ضدمردم افغا نـ پروپاگند براه می اندازند .

او گفت: مامردم فلسطین با شما هست پیروزی های هر چه مزید را برای مر انقلاب شما خوا هانیم و پیروزی ا نقلا افغانستان در حقیقت امر پیروزی ا نقلا فلسطین است و انقلاب کشور ما با انقلا کشور شما از اول یکی بود .

وی‌افزود : من وقتی که بکابل می آ مدم
ز طرف یاسر عرفات ر ئیس ساز مان‌آزادی
بخش فلسطین پیا می را عنوانی ببرك كارمل
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك
خلق افغانستان و رئیس شورای انقـلابـی
جمهوری دمو کراتیك افغانستان باخود آوردم
که در آن چنین آمده است :

هردانه زیتون تان مرمی و هر دانه مالتهٔ
تان به بمی تبدیل شود و در راه محو ونابود
ساختن دشمنان مردم و انقلاب تان بکار رود.

او راجع به آینده اتحادیه نـویسندگـان
جمهوری دمو کراتیك افغانستان چنین ابراز
نظر نمود :

اتحادیه نویسندگان و شعرای جمهو ر ی
دمو کراتیك افغانستان جزء انقلاب افغانستان
است . ازآن جاییکه پیروزی کـامل انقـلاب
نور مردم افغانستان امری است حتمی بنابر
آن مابه آینده خوب اتحادیه شعراونویسند ـ
گان جمهوری دمو کراتیك افغانستان ا عتقاد
کامل داریم .

مامادوتراوری دیـوپ شاعـر و نمایشنامه‌ـ
نویس کشور سنیگال رئیس اتحادیه شاعران
ونویسندگان سنیگال و معاون سردبیر مـجلهٔ
«خاطرهٔ نفوس» ، « ترانهٔ د لکین»، نمایش‌ـ
نامه‌ی « پورتگالی ها خارج شوید»، « فلم
نامه بیك» و «دکین» و یاد داشت های زیر
عنوان « در سر زمین لنین» بچاپ ر سیده
اند یکی دیگری از اعضای اشتراك کنندگان
چهار مین جسه‌ی نو بتی انجمن نویسندگان
آسیاو افریقا است که در مورد نقش شعرا
ونویسندگان درامر بهبود بخشایی به زندگی
اقتصادی واجتماعی مردمان جهان چنین‌ابراز
نظرمی نماید :

به‌نظرمن یك نویسنده در مقابل مردم‌خود
وظایف بس بزرگی را بدوش دارد کشور ما
که برای چندی در تحت تسلط استعمارقرار
داشت در این مدت ضربات بزرگی به‌فرهنگ
و تمدن جا معهٔ ما وارد آمد بدین اساس مـا
نقش یك‌نفر نویسنده را بدرستی درك نموده
می‌توانیم و ظیفه اساسی واولی نویسنده‌این
است که از آ زادی و شرافت مـردم واز
حاکمیت ملی مردمان جهان دفاع بعمل آورد
وهمین خوبی ازتاریخ جوامع بشری بشمارآید.

نویسندم باید در معرفی هویت فر هنگی
مردم سهم بگیرد و برای اتحاد و همبستگی
هرچه مزید میان توده ها کوشش بخرج دهد
وبدین جهت است‌که مردم ، نویسندگان را
دوست دارند ونویسنده فرزند مردم ، مدافع
وطن و سمبول ارزش های اجتماعی بشمارمی‌ـ
رود .

وی گفت : من مجموعهٔ اشعاری هم دارم
ویك‌نمایشنامه تیاتر بنام « وطن یا مرگ»
برشته تحریر در آورده ام و کتابی هم تحت
عنوان « یاد داشت های سفر درسر ز مین
لنین» تالیف نموده‌ام .

وی دراخیر پیام خویش را به شعرا و
نویسندگان جمهوری دموکراتیك ا فغانستان
چنین ابراز داشت :

من از همهٔ شعرا و نویسندگان افغانستان
تمنا دارم تا با متانت واستواری در پهلوی
انقلاب ملی و دمو کراتیك خود به ایستندو
بطور قطع از انقلاب ثور ودست آورد هـای
دو ران ساز آن دفاع نمایند تا بزودی هرچه
تمامتر شاهد مقصود را به آ غوش کشند .

اوتوهوای نثر نویس و چهره مردمـی
ویتنامی منشی عمومی انجمن ادبیات و هنر
ویتنام ، معاون سر منشی اتحادیه‌نویسندگان
ویتنام و عضو دارالانشاء انجمن نویسندگان
آسیا وافریقا پیرامون فعالیت های‌ادبی خویش
چنین روشنی انداخت :

من در سال ۱۹٤۰ بـه نـویسندگـی آغاز
نمودم وبعدا بجـر م و طنپـر ستـی
به زندان افتیدم . تا کنون صد اثر برشتهٔ
تحریر درآورده ام ودر داستـان نـویسی و
سناریو نویسی د سترس کامل دارم. آثارمن
جایزه لوتس انجمن نویسندگان آسیاوافریقا
را حایز گردیده است و بهمین تر تیب بـه
دریافت جایزه دو لتی مو فق گردیده‌ام .

آثار من بچند ز بان خارجی چون ز بان
های اتحاد شوروی ودیگر کشور هـا ی
سوسیالیستی، جاپانی ، فرانسوی، هندی،
کیوبایی ودیگر زبان هاترجمه شده است .

مشهور ترین کتاب من که خوانندگان‌وافری
دارد ودر باره اطفال برشتهٔ تحریردر آمده
است « ما جرا های مردمان و ملخ»نام‌دارد

وبهمین تر تیب داستان «منطقه غرب» کـه
جایزه لوتس را هم بدست آورده است اثر
این جانب می باشد و موضوع آن را اعمار
سوسیالیزم در جنوب غرب ویتنام در بـر
می گیرد .

موصوف پیامش رابه مردم و نویسندگان
افغانستان اینطور ابراز نمود :

من از صمیم قلب به انقلاب ثور و مـردم
افغانستان احترام دارم ، برای اینکه مردم
ویتنام ومردم جمهوری دمو کراتیك افغانستان
در کشور های انقلابی خویش برای ا عمار
جامعهٔ نوینی مبارزه می نمایند .

وی در مورد نقش شعرا و نویسند گان‌در
امر بیداری توده ها نظر خویش را چنین بیان
داشت :

به‌نظر من بیدار نمودن توده ها و ظـیفه
مشترك نویسندگان و تمام مردم آگاه است ،
بطور مثال در مر حلهٔ کنونی تمام مردم‌ویتنام
درجهت اعمار سوسیالیزم و دفاع از وطـن
درمقابل هژمونیزم مبارزه می‌نمایند این وظیفه
هرویتنامی است که این امر را همراه بـا
نویسندگان و یتنامی انجام بد هد و باآن‌ها
مبارزه مشترکی را به جلو ببرد .

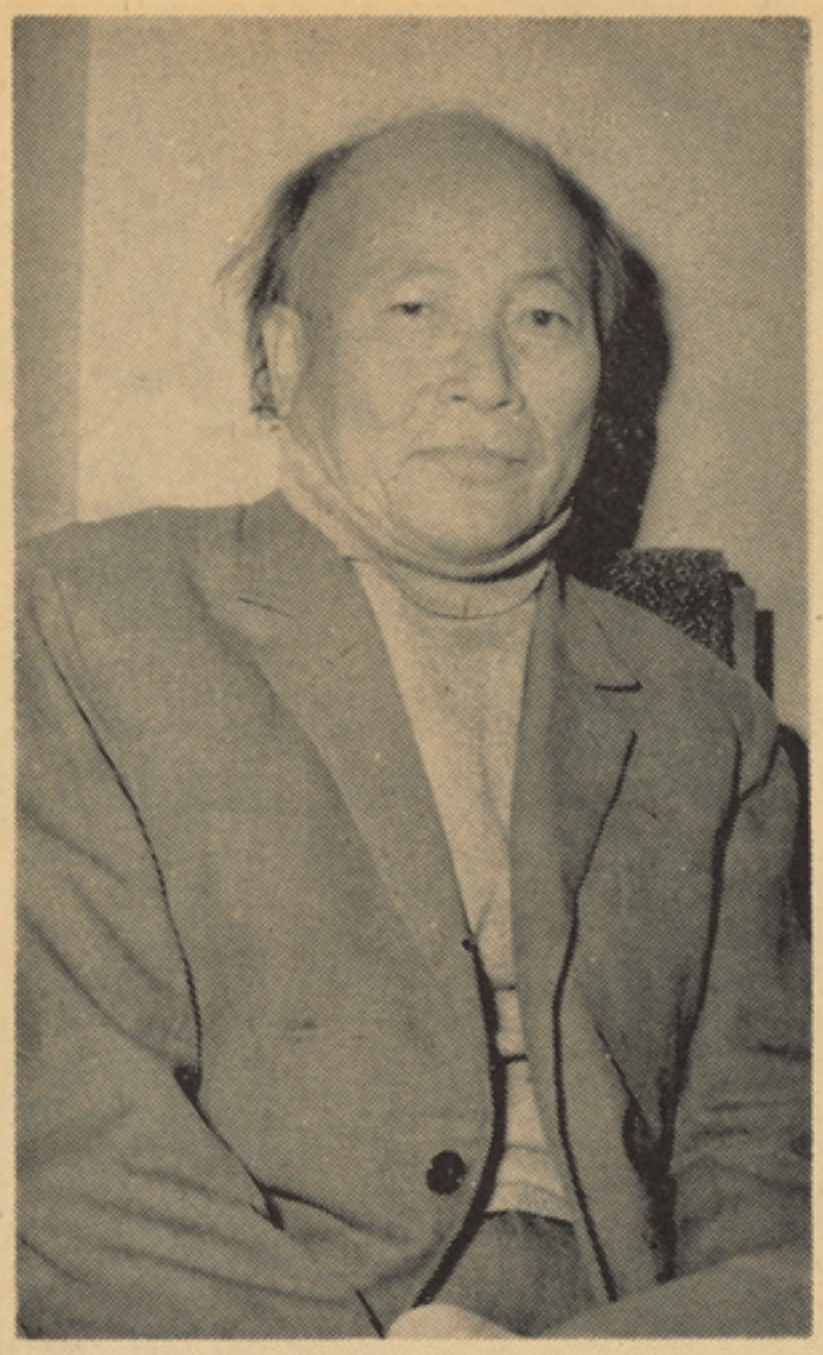

اتوهوای نویسنده انقلابی جمهوریت سو سیالیستی ویتنام

مامادوتراوری دیوپ نویسندهٔ مشهور کشور سنیگـال .

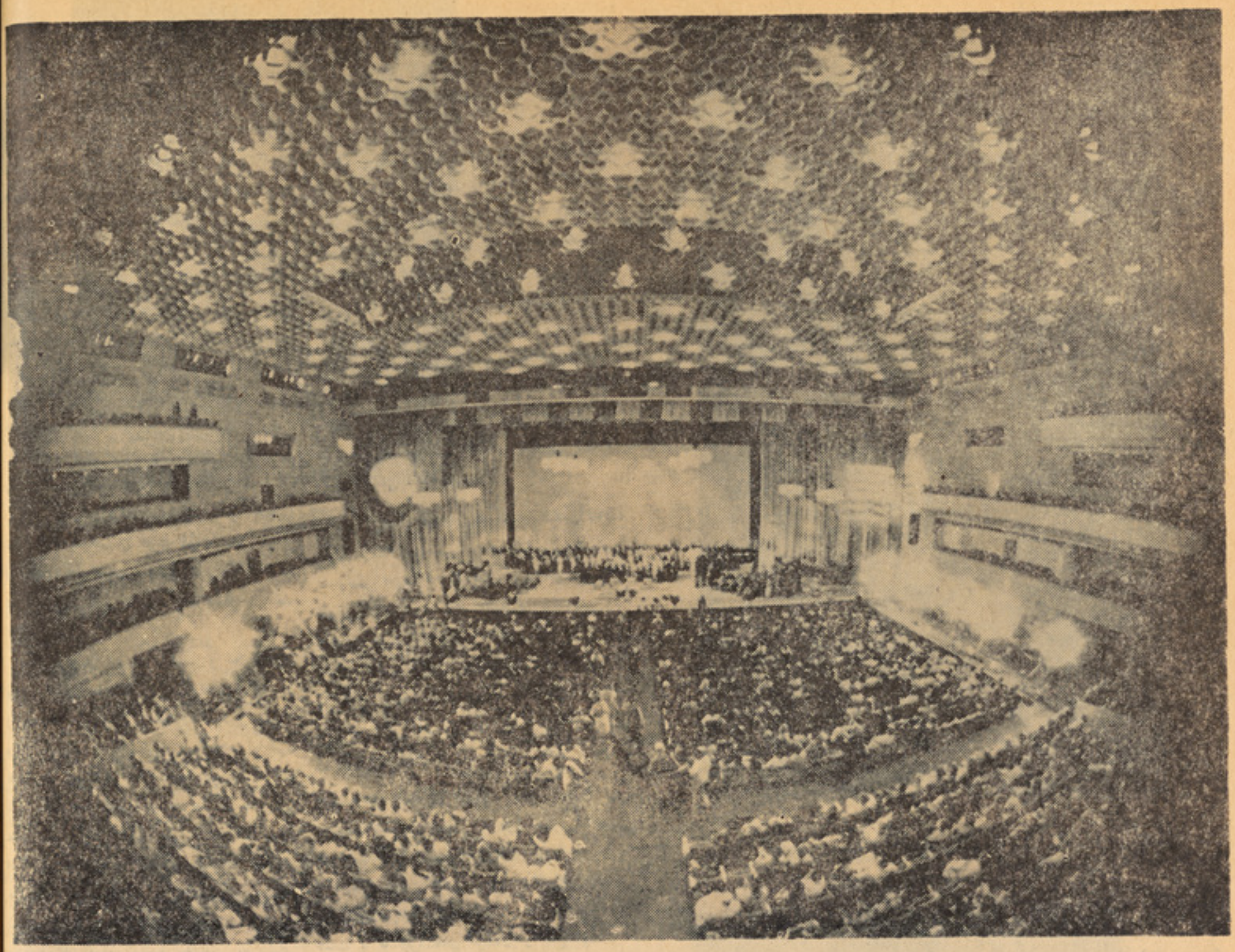

سالون کنسرت روسیا در مسکوکه در آن فستیوال اخیر بین‌المللی‌فلم دایر شد و فلم ها یی به نمایش‌گذاشته شد .

ترجمه : یوسفزی

دوازدهمین فستیوال بین المللی فلم در مسکو

تحت شعار صلح و دوستی میان ملل

برگزار شد

ضدیت با نیو فاشیزم و جنگ طلبی

موضوعات خاص فلم های

فستیوال را تشکیل میداد

سینما مقام خاصی رادر جهان امروزی اجرا ز کرده است ، زیرا فلم ها به چنا ن زبا ن بین‌المللی صحبت می کنند که همه میتوا نند باندازه توا ن فکر ی شا ن از ان استفاده میکنند .

بنابر همین دلیل است که سینما به پیمانه بزرگی در تشکل فکر و دید اخلاقی شخص تاثیر افگنده و باید هم نفو ذ مثبتی در زمینه‌بنماید

فستیوا ل ها ی بین‌المللی فلم مسکو خیلی مرد می و آمو زنده‌بوده زیرا هد ف آن مبارزه علیه بیعدالتی وتبعیض در جهان است . فستیوال اخیر فلم در مسکو تحت شعار ((انسا نیت در هنر سینما وسینما برای صلح و دوستی میا ن ملل)) دایر شد .

فستیوا ل بین‌المللی فلم مسکو که سابقه تاریخی آن به بیست‌سال قبل میرسد به حیث یك‌فستیوال‌مهم فلم خودش را تبارز داد .

یکصد کشور مختلف و چهار موسسه بین‌المللی نما یند گا ن

صحنه از فلم های برنده جوایز

ویش را جهت شر کت درفستیوال
کور به مسکو فرستادند .
میران جوا ن وکار گر دانا ن
ر از قاره های آسیا ،افریقا و
ر یکـا ی لاتین در یـن فستیوال
رکت کردند .

درین فستیوا ل فلم ها ی تهیـه
ده توسط تهیه‌کنندگان‌جوان و تو
ردازکشورهای کامرون ، کمپوچیا
سایر ملل در حا ل رشد یکجابافلم
ای تهیه شده تو سط افراد مجرب
معرو ف به نمایش گذاشته شد .
درین فستیوال(۵۰۰) فلم مختلف
شامل موضوعات فیچر ی ،هنـــری
م ها ی کوتاه ، فلم ها ی اطفا ل
فلم ها ی مستند وتار یخی بـــه
مایش گذاشته نکته مهم ومشترك
ر مورد این فلم ها آن بود که همه
لم ها ارتبا ط زیاد در مورد سر –
وشت کره خاکی ما داشته و علیه
ستغال جنگ وتهدید ا ت جنـگی
بودند که از طر ف امپر یا لـیز م
حت بهانه و عنا و ین مختلف به
منظور اعمار روز افزو ن نظا می و
داخله در امور داخلی سایر ملل،
صور ت می گیرد .

منقدین ،این فستیوا ل رافرصتی
مساعد برا ی تبادله تجار ب ونظر –
ات در مورد انکشا ف هر چـــه
بیشتر هنر سینما و قرار داد ن‌آن
ر خدمت انسا ن و مبارزه علیه‌ظلم
وبیعدالتی خواندند .

اکثر فلم ها ی شامل فستیوا ل
برحوادث تاریخی متمر کز بود واز
انسان ،ساختما ن فزیکی وروانی‌او

پرشد سریع مرد می و انسا نی‌خود
ادامه مید هد پیو سته در صددابراز
پیام والهاما تی برای انسان ها در
مبارزه آنها بر ضد جنگ ، عقـب
ماند گی ، خرا فا ت و سلطه ها ی
استعمار ی وامپر یا لستی است ،
فلم ساخت اتحاد شورو ی که در
فستیوا ل اخیر مسکو به نما یش
گذاشته شد همچو الها ما ت وپیام
های عالی رابرای انسان های‌سراسر
جهان دربر داشت .

الهاما ت وآرزو ها ی آنهابـــرا ی
تامین عـدالت و ریشه کـن کردن
مشکلات چون فقر جهل ،مریضی ،
جنگ وسلطه‌جویی بردیگران صحبت
می کرد .

تعداد زیاد ی فلم ها ی آن‌فستیوال
صحنه ها ی تراژدیك را از جنگ
ها ی تجاوز گرا ن فاشیستی ارا ئه
کردند و در عین حا ل علیه نیوفا –
شیزم واشتغال جنگ در جها ن‌که
در قبا ل تسریع روز افزو ن مسا –
بقا ت تسلیحا تی به شمو لمسا –
بقا ت تسلیحا تی ذرو ی وتو لیـد
بم نیوترو ن این سلاح کشنده‌جمعی
از طر ف امپر یالیز م‌امریکاومتحدین
نا تو ی‌آن به شکل خطر جد ی علیه
صلح‌و امنیت جها نی ظهورنموده،
اخطار دادند .

که فستیوال بین المللی فلم‌مسکو
دو هفته رادر بر گر فت با انجا م
کنفرانس ها ی مطبو عا تی وصحبت
ها ی سود مند طی مراسمی با اهدای
جوا یز به برندگا ن پایا ن یافت .

درین فستیوا ل مدا ل ها ی طلا
نصیب فلم ویتنا می مو ســـو م به
ساحه و حشی و فلم روسی موسوم
به تهران ۴۳ گردید .

مدا ل ها ی نقره نصیب فلم ها یی‌از
نارو ی و جاپا ن شد. همچنان سایر
شرکت کنندگا ن نیز باخذ جوا یـز
مناسب نایل آمدند .

هنر سینما در اتحاد شورو ی که
باپیروز ی انقلاب کبیر سوسیا لستی
اکتوبر مانند سایر پدیده ها ی‌هنری

صحنه‌هایی ازفلم‌هایی شرکت‌کننده‌فستیوال بین المللی اخیر فلـم در مسکو

هر هفته یک داستان برگزیده:

از ادبیات جهان

این هفته از ادبیات شوروی

شاگرد تابوت ساز

این قصه از میان بیش از یکصد داستان چخوف برای شما برگزیده شده است

قسمت دوم

وقتی آفتا ب در آسما ن بالاآمد یعقو ب یك گار ی از همسا یه اش به امانت گرفت ومار فارا به‌شفاخانه برد ، مریض ها آنروز زیاد نبودند وخوشبختانه او سه سا عت بیشتر معطل نگردید ، تا اینکه نو بت به او رسید وزنش را به ((ماکسیم نیکلا ویچ)) معا و ن داکتر که‌مردی بود پیر و عصبی وامابه قو ل مردم فهمیده از داکتر ، نشـــا ن داد و گفت :

ـ انشاء الله که حا ل شماخوب باشد ،ماکسیم نیکلاویچ مراببخشید که‌برای مریضی ها ی کم اهمیـــت شمارا زحمت مید هم ، اما خودتان ملاحظه میفر مایید متعلقه مریضـــ است وآنطور که همه میگویندشریك عمر، این تعبیر را ببخشید .

معاو ن داکتر ابرو ها را بهـــم نزدیك کرد وبرو ت ها یش رادستی کشیدو بعد به معا ینه پیر ز ن پر- داخت ، مریض رو ی یك چهار پایه نشسته بود ، خمیده بود و پوستی واستخوا نی ، بینی اش نو ك‌تیزو دهانش باز بود ، شبا هت به مرغی داشت که آب بنو شد.

معاو ن داکتر آهسته گفت :((که اینطور !)) وآهی کشید و ادا مـــه داد :

ـ انفلوانزا ست و شاید کمی‌هم تب داشته باشد ، تیفو س این‌روز هادر شهر زیاد است از دست من چه ساخته است ؟ پیر است خدارا شکر ....

ـ چند سال عمر دارد ؟

ـ ماکسیم نیکلا ویچ شصت و نه سا ل .

ـ پیر ز ن است دیگر ، بو ی حلوا یش میاید .

یعقوب بانها یت اد ب‌تبسمی‌کرد وگفت:

ـ البته حق باشما ست و مـــن از لطف تان متشکر م ، اما اجا زه بدهید عر ض کنم که هر حشره یی به زند گی خود علاقمند است .

معاون داکتر با چنا ن آهنگـــی جواب داد که انگار مر گ وزند گی آن زن فقط در دست اوست .

ـ دوست عزیز م به تو میگو یم چکار باید بکنی ، بکدستما ل آ ب سرد رو ی سرش بگزار واز ایـــن گرد هاروز ی دوبار به اوبده وخدا حافظ شما .

از خطوط قیا فه معا و ن‌داکـــتر یعقو ب فهمید که حا ل زنش‌خطر- ناك است و هیچ گرد ی نخوا هد توانست آنرا بهتر کند ، برا ی‌او کاملا واضیح بود که شفا ی ما رفا امکان ندارد وحتما خوا هد مرد ، بازو ی معاو ن داکتر را گر فت و چشمایش را بهم زد و آهسته‌گفت:

ـ بلی ماکسیم نیکلا ویچ ، امـــا خو نش رابگیر ید .

ـ من وقت ندار م ، هیچ و قـــت ندارم ، زن پیر ت رابردار و ببر و دست حق هم به همراهت .

یعقوب به التماس افتاد :

ـ این محبت را در حق من‌بکنید شما خود تا ن میدانید که اگرقبض میبود ویایك عضو داخلی اش ازکار میا فتاد باد و او گرد خو ب میشد، اما او سر ما خورده است ودرموارد سر ماخورد گی او لین علاج‌این‌است که از بیمار خو ن بگیر ند .

معاو ن داکتر فریاد زد : ((برو بیرون)) یعقو ب هم با آزرد گی زیر بازو ی مارفا را گرفت واورا ازاتاق بیرو ن برد وهمینکه در گـــار ی نشستند با عصبیت ونفر ت نگاهی به شفاخانه اندا خت وگفت :

ـعجب مرد باکما ل ! اگر آد م پولداری میبود خونش را میگر فتی امابرا ی بیچاره ها حتی‌از یك رگ زد ن هم دریغ میکنی ، پهلوا ن‌پنبه بد جنس .

وقتی به خانه رسید ند و دا خل کلبه شدند ما رفا لحظه یی خودرا به بخار ی گر فت و سرپا ایستاد از ترس اینکه مبادا اگربخوا بـــد یعقو ب دوباره از ضرر ها یشـــ شکایت کند و به او دشنا م دهدکه همیشه میخوا بد ودست به سیاه وسفید نمیزند .

یعقوب باخستگی و کسا لت‌نگا- هی به مارفا انداخت وبه یاد آورد که فردا روز تولد یو حنا ی‌تعمید

روز بخار ی را روشن میکرده ، می پخته ، می جوشا نیده ، آب میاورده خمیر میکرده هیزم میشکسته وروی یك تخت پهلو یش می خوابیـــده است وشب ها یی که یعقو ب مست وخراب از جشن های عروسی با ز میگشته ، مار فا با احترا م سازش رااز او میگر فته وبه دقت به‌دیوار میاویخته‌وخودش را هم به‌رختخواب میبرده و میخوا با نیده است وتمام این کار هارا با آرامی انجام میداده وهمیشه اثر ی از شر م وحـــیا و حجب بر صور تش دیده‌میشده‌است واکنون یعقوب در برابر این همه مهربا نی ورو یه خشنی که خودبا اوداشت احسا س گناه میکرد .

در راه گورستا ن تا کلبه روچیلد تعظیم کنا ن وخندا ن به ســـو ی یعقوب آمد و گفت :

ـ من دنبا ل شما میگشتم،موسی سلام میرساند و عر ض میکند کـه همین اکنو ن تشریف بیا ور ید ، پیش او .

یعقوب احساس کرد که دلش می خواهد گریه کند ، براه خودادا مه داد وفریاد زد :

. ((برو)) رو چیلد پشت سر ش دوید وباو حشت فریاد زد :

ـ عجب فرما یشی میفر ما یید، موسی میر نجد ،او میخوا هد همین اکنون شمارا ببینند .

طرز حر ف زد ن رو چیلد و خا ل های متعدد سر خر نگی کـــه در صورتش جا ی سوز ن انداز نگذاشته بود در یعقو ب حس نفر ت عمیقی برانگیخت ،فریاد زد :

ـ یعنی چه ؟ چرا دنبا ل مـــن میایی ، برو گمشو احمق .

رو چیلد هم بر آشفت ودادزد:

ـ اگر متو جه نباشی که کمـــی مود بتر رفتار کنی به آسما ن پر واز ت مید هم وبه جهنم میـــفر ـ ستمت .

بقیه در صفحه ۴۱

چند لحظه بعد کشیش آمد کـه را سم تقد یس و تد هین مذ هبی به جابیاورد ومار فا چیز نامفهومی مزمه کرد ودم صبح نیز باآرا مش کامل مرد .

پیرزن های همسا یه اوراشستند ودز ملافه یی‌پراز چرو کی پیچید ند وبیرو ن گذاشتند ، یعقو ب برای اینکه پو ل برا ی کشیش ند هـد خودش انجیل خواند ویك صر فه جویی دیگر هم در گورستا ن کرد و از اینکه نگهبا ن آنجا پدرتعمیدیش بود. چهار نفر دها تی تابو ت رابر دوش گرفتند و یك عده پیر ز ن، چند تاگداو ده‌نفر چلاق آنـــرا را مشایعت کردند .

دهاتی ها ی سنز راه از سر دل‌سوزی صلیب میکشید ند و یعقو ب خیلی راضی بود که تشر یفا ت در نهایت احترا م ،به ارزا نی وبدون رنجش کسی خاتمه مییابد .

وقتی برا ی آخرین دفعه از مار فا خدا حا فظی میکرد باانگشتهایش به تابو ت زدو فکر کرد :((عجب تابوت خوبی)) اما و قتی ازگورستان باز میگشت خستگی شدید ی و به براو چهره شده بوداحساس‌ناراحتی میکرد تنفس تبا دار وسنگین‌بودوبه سختی رو ی پای خود ایستادشده میتوانست ، مغزش از افکار غـیر عادی انباشته بود ، دوباره به یاد آورد که هر گز از مار فا دلجو یی نکرده و هیچ گاه تو جـــهی به او نموده است ، پنجاه و دوسا ل که آنها در این کلبه‌با هم زند گی کرده بودند به ابد یت می پیو ست امادر خلال این ابد یت او هر گز به فکر مار فا نبوده وبا او مثل سگ یـــا اسب رفتار کرده است ، اما اوهر

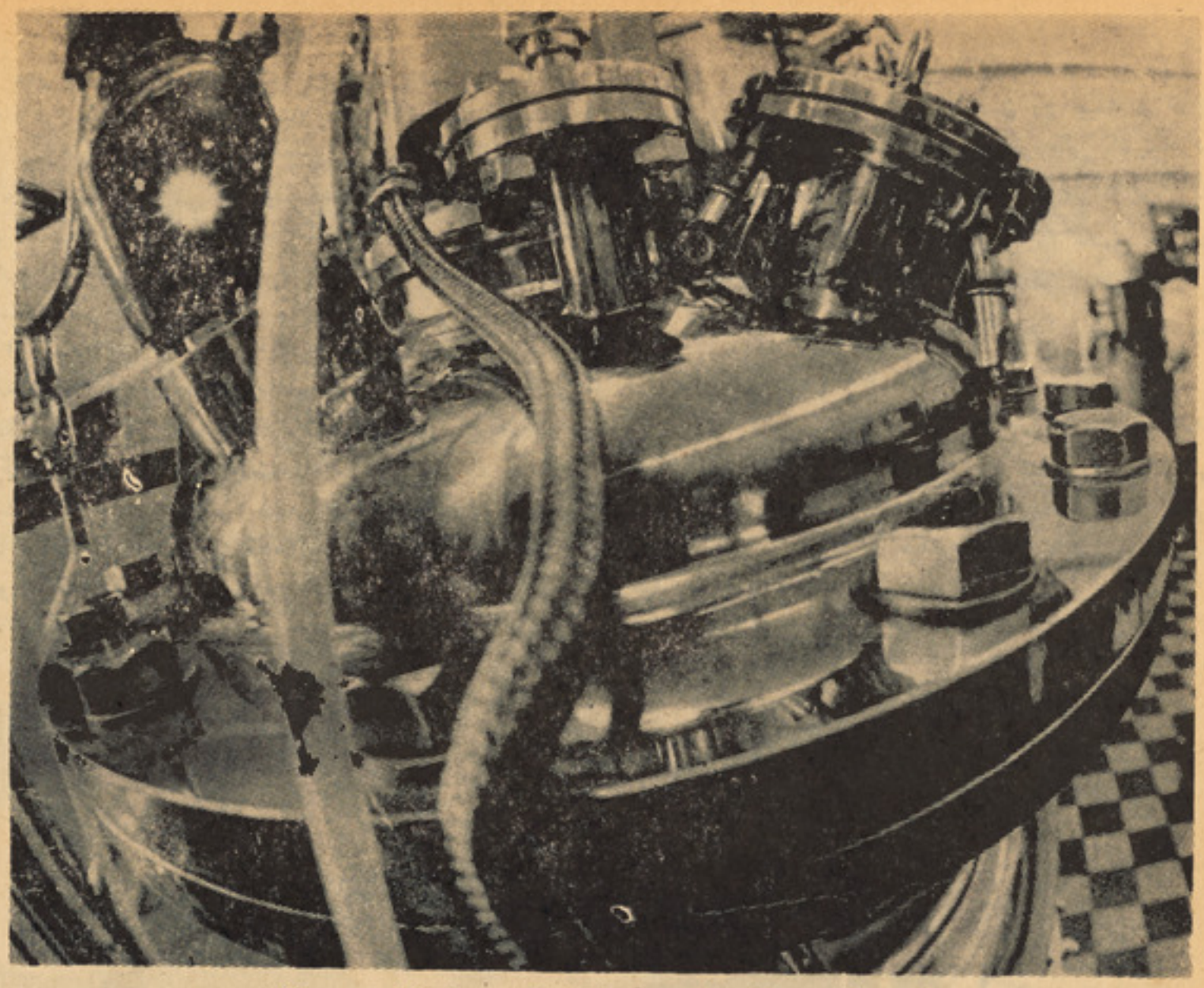

درین عکس یك دستگاه تخمردهنده‌لابرا توارى را مشاهده مى كنيد.

از مجله سوو يت يو نين

مترجم: بريالى على زاد

اين يك اشتباه است كه:

مكروبها را خطرناكترين دشمنان صحت و سلامت خود بدانيم!

اين موجودا ت جسما كو چك رافقط زمان بروز امراض به خا طـــر داشته اند در حاليكه ....

• • •

آيـــا ميكرو بيـــو لـــوژى‌خواهد توانست كليه نياز منـــد ى هاى بشر را از نظر غذا يى جوا ب‌گويد ؟

• • •

درين اوآخر انكشا ف سريـــع معضله عد م دستر سى به منا بـــع كافى مواد غذايى بيش از هر و قت ديگر حادتر گرديده و اين معضلـــه بيش از همه متو جه فقدا ن سبزى‌ـ يجات وپرو تين ها ى حيوا نى (كه جز عمده واساسى غذا ى عاد ى و روز مره مارا تشكيل مى دهند) مى باشد .

هم اكنو ن صد ها ميليو ن‌انسان در سراسر جها ن با فقدا ن مـــواد غذايى دست بگريبا ن اند ، كمبود پروتين وفقدا ن و يتا مينهاى‌مختلفه باعث رشد وانكشا ف نا قصـــــ جسمى ، رو حى ودما غى اطفا ل گرديده وامرا ض گوناگو ن ووفيات ميليونها طفل رابا عث ميشـــود. همچنان سالانه ده ها هزار نـــفـــر از اثر قحطى حيا ت شير ين شان را از دست مى دهند كه اين ار قام ياس آور با انكشا ف روز افزو ن استعداد ها ى علمى و تخنيكى عالم بشر تضاد كامل دارد . درسا حـــه افزايش تو ليدا ت مواد غذا يى‌فعا ـ ليتهاى گسترده يى متو جه‌تكنالوژى بيو شيمى بوده است .

يك شعبه جديد كه اثرا ت بس ارزندهٔ از خود در جهت حل اين‌همه معضلات به جا خواهد گذا شت طى پانزده تابيست سا ل گذ شته راه رشد سريع رادر پيش گر فته ودر عده از كشور ها به شمو ل اتحـاد شوروى شعبا ت آن تاسيس و به فعا ليت گسترده يى آغاز كرده‌اند. اينك فشرد ه يى آ نچه را كـــه اوستيلاو ايچكو ف آمر ديپار تمنت ميكرو بيو لوژى ضمن مصا حبه يى در زمينه بيا ن داشته پيشكش‌شما خوانندگا ن گرا مى مينما ييم .

مردم باكمبود پروتين هاى حيوا نى ونباتى دست بگريبا ن اند .طوريكـ اگر تما مى محصو لات پرو تينـ جهان به طور مساو ى به هر فى نفـ سكنه روى زمين تقسيم گر ددبرا هر نفر پنجاه و هشت گرا مدرو روز (دو مر تبه كمتر از انداز ه‌مورـ نيازش) خوا هد رسيد كه اينهـ فقط در صور ت تقسيما ت عادلا و مساويانه مواد پرو تينى حاصلـ درجهان امكا ن پذير بوده ميتوانـ

ساکنان کشور های در حـــا ل
شد روزانه فقط بیست و پنـــج
سی گرام پروتین که آنهم اساس
یاتی داشته صر ف میکنند .
برای اینکه درسا ل دو هـزا ر
سیو ی ستندرد غذا یی جها نبـه
ل کنو نی اش باقی بما ند لاز م
ینماید تا محصو لا تکنونی‌غذایی
جهان چهار تا هفت مر تبه وغذاهای
رای منابع حیوانی نه مر تبه افزا-
ش یابد . که یگانه راه حل ایـــن
سئله همانا افزایش محصو لا ت
روتینی از اثر انکشا ف هر چـــه
یشتر مکیروبیو لوژی می باشد.
آیا این بدان معنی است که‌باید
وض نان، برنج ، مسکه، گوشت
خیره خورد ن قر ص ها، پودرها،
آنها یلی و غیره خوراکه باب صنعتـی
واج داده شود ؟
تا کنون از امکانا ت کامل‌محصو-
ن بـــا کـترو یو لـوژ یکـی در
جهت بلند برد ن سطح محصو لات
حیوانی ونبا تی استفاده نشـده ،
چنان تاکنو ن فقط بخشی ازمنابع
حیوانی در زمینه مورد استفاده‌قرار
رفته و اقداما ت نا چیز ی درجهت
یو کامل حشرا ت مضره حیوانی
باتی وبیمار یها ی حیوا نـــی و
باتی بعمل آمده‌است .
میکرو بیو لو ژی مـودرن
جهت حل این همه معضـــلا ت
خاص کمکها ی لازم مینما ید با ید
که این علم ا نبار های خـو-
که های صنعتی را نی بلکه درهای
نابع طبیعی آنها را بررخ‌مامیگشاید
طواهر بسی ارزشمند میکروبیو-
زی است که اساسا اندازهٔ معیار
ر را تقلیل بخشیده و تو لیـــد
وشت ، شیر ، تخم ، وسا یـــر
حصو لات دیگر را افزایش میدهد.
سایر کشور ها ی جها ن تحقیقات
ی در جهت دریا فت منابع کاملا
ید پرو تینی رو ی دست گر فته
ده است فا بر یکات مـختلفه‌در
شور های خار جی از متخصصین،
سامان آلا ت ، مسا عد تها ی بی -
ائبه تخنیکی و رهنما یی های‌علمی
وروی در جهت ایجاد تو لیدا ت
پیمانه های وسیع استفاده نموده
ینما یند .
طبیعیست که یك تصاد ف‌نیست
وریکه صنعت هیدر و لیز و ئیست
میر مایه» غذا یی قبل از جنگ
م جهانی در اتحاد شورو ی پا به
رصه وجود گذاشت .

صنعت هیدرو لیتیك کشور های خارجی در لست محصولات خـود ئیست غذایی نداشته و ندارد.این ئیست از نظر ترکیب وار زش‌غذایی خود نه تنها به مقایسه سبزیجـات غنی تراند بلکه شبا هت قر یـب باشیر دارد .

که این ((شیر)) مز یت دیگر ی هم دارد وآن عبار ت از پو تنسیل رشد است برعلاوه ئیست پرو تین غنی از کالوری بسرعت سر سام آور رشد مینما یند که بعد از خشك شدن یك مر کب غنی وسر شار از پروتین وو یتا مینها ی مختلفه بوده که میتوا ن از آن بخوبی در تغذ ی حیوانا ت استفاده نمود .

سال گذشته صنعت میکرو بیو - لوژیکی اتحاد جما هیر شورو ی در حدود یك میلیو ن تن ئیست خشك مغذی تولید نموده که شا مل‌تو لید

نمایی از کلچر «ئیست» راکه‌درزیر مکرو سکوپ الکترونیك عکس-برداری شده مشاهده می کنید .

هارا به مقایسه نباتا ت پنجصـــد مرتبه و نسبت به حیوانا تهـزار مرتبه زیاد تر ذخیره میکند .

اینهم قابل یاد آور ی مینما یدکه از مواد فا ضله بسا ن مواد خـام در تولید آن استفاده میشود .کتان وپو ست گل آفتا ب پر ست ،کاه گندم ، بوره اره وغیره .

سلـولوز به شکر مبد ل‌گردیده ومیکرو اور گا نیز م ها در ین‌زمینه صنعت هیدر و لیتیك و ئیست به دست آمده از تغذی میکرو بها بـا پارافین خاص حاصله از نفت مـی باشد . که مباد ی این روش نیـــم قرن قبل از امروز انکشا ف دا ده شده وبعد برا ی او لین مر تبه در اتحاد شوروی به آن جا مه عـمل پوشا نیده شد ، اینرا هم با یدخاطر نشان نمود که توده های پرو تیـن همچنان در گـاز طبیعی ، میتایـل الکو ل وآب عاد ی نیز میرو ید : چنانچه هم اکنو ن زرع یك نـو ع الجی غنی از ویتا مینهای مختلفـه در اطـراف مسکو در منـطـقـه کرا سنو دا ر در جمهور یتـــها ی بالتیك ها و منا طق آسیا ی میا نه شورو ی معمو ل است . تما می‌آنچه گفته آمد بیانگر این حقیقت غـیـر قابل انکار اند که ترو یـــج‌ئیست مغذی نقش بس مهمی را درجهت حل معضلات گونا گو ن نا شی‌از فقدا ن غذایی در جها ن و او لتراز همه در کشور های در حا ل رشـد بازی خواهد نمود .

ممکن خوانند گا ن محتـــر م‌در مورد بیضرر بود ن محصو لا ت که از ینطر یق بدست می آید متردد باشند . مگر دانشمندا ن شورو ی مدتها قبل از اخذ تصمیم در جهت بلند برد ن سطح تو لیدا ت ایـــن محصو لات ((سو یه بازر گا نی)) در جهت حل این معضله اقدا ما ت مقتضی نمودند . ویك سلسلـــه پژو هشها ی دقیق وجا مع را بـه منظور تطبیق ار زش بیولو ژ یکی وبیضرر بود ن ئیست از محصو لات میکرو بیو لو ژ یکی رو ید ســت گرفتند . که در ین مطالعا ت آنهـا بیش ازچهل‌سازمان به‌شمول‌وزارت های صحت عامه وزرا عت اتحـاد شورو ی نیز اشترا ك داشتند . که بالاخره آنها فیصله نمودند که از نگاه کمیت وکیفیت گو شـــت حیوانا ت تجربو ی از گو شـــت حیوانا ت تحت مشا هده هیچ‌تفاوتی ندارد .

همچنا ن انتی بیو تیکها ی که به مقاصد غیر طبی از آنها استفا ده میشود انکشا ف یافته اند((طوریکه انتی بیو تیکها ی که در تـدا و ی امراض انسا نی از آنها استفاده‌می شود همه اساس میکروبی دارند.))

برعلاوه عدهٔ از ادویه جا ت ضد ویروسی و حشره کش ها ی با - کتر یایی نیز کشف گردیده کـــه کوچکتر ین ضرر ی به‌صحت‌وسلا-مت انسان وحیوانا ت ندارند و از همین است که در پارکها منا ز ل مسکو نی و تفرجگاه ها به مقا دیر کافی قابل تطبیق اند .

استفاده از کود ها ی معد نی و کیمیاوی جهت بلند برد ن سطـح تولیدا ت زراعتی نیز جاو دا نـــی نخوا هد بود . در اتحاد جما هـیر شوروی افزایش تولید کود هـا ی

بقیه درصفحه ٤٥

معرفی وبررسی یك کتاب

«انتقا م جویان جگد لک» اثـــر ار زنده و تحقیقی مورخ دانشمنـد نفتولا خالفین که بوسیلهٔ متر جـــم آگاه و محقق گرانما یه بر ید جنرال گل آقا به در ی برگردا ن گشته و پیش از این فصل ها یی از آن به صورت پاور قی در جریدهٔ «حقیقت سرباز)) به دست نشر سپرده‌شده بود ، اخیرا به سلسلهٔ انتشارا ت ریاست نشرات وزارت دفاع ملـــی به شکل کتا ب چا پ وبد ستر س علاقمندا ن گذاشته شده اســـت . کتا ب دارا ی ۲۴۰ صفحه است‌که باپیشگفتار ی از برید جنرا ل‌محمد رفیع وزیر دفا ع ملی آرا ســـته گشته ، در بخشی از این پیشگفتار آمده : ((از نفتو لا خالفین تا کنون کتا ب ها ی ارزنده ای ما نند ـ ((انگلستا ن بر ضد افغانستا ن)) و«شیپور های پیـرزوی میو نـد» چا پ شده است که دید گاه های مشخص نویسنده و دلبستگی عمیق مردم شورو ی را نسبت به مرد م افغانستا ن ، مبارزا ت بی امان‌شان رابرا ی حصول استقلال و پیکـار های عادلانه و رها یی بخش شا ن‌می رساند . خالفین در کتا ب ارزنده‌ی «انگلستان برضد افغا نستان»نشان می دهد که در درازنا ی تاریـــخ استعمار ، انگلستان غارتگرومتجاوز چشم طمع واز مند ی در سر زمین ما دو خته است ، همیشه رو یاهای نامقد س را در سر پرورا نده است تامگر بتواند از خا ك آزادگا ن و کشور عقابـان مستعمره ای بسازد وپایگا هی ، تابد ین سا ن علیهٔ‌کشور صلح، آزاد ی ، ترقی اجتما عی و سر زمین انقلاب کبیر اکـــتو بر ، توطئه بچیند ودسیسه سازی نماید. نقشه ها ی تخر یبی و غارتگرا نه‌ی خودرا در عمل پیاده کند . درحالیکه به گوا هی تاریخ ،اتحاد شورو ی همیشه دوست قابل اعتماد مـرد م افغانستا ن بوده و ماریشه ها ی‌این دوستی رادر تاریخ می توا نیـــم جستجو کنیم .

مردم شورو ی در طو ل تاریخ دوستان‌صدیق مابوده‌اند،پاس‌برادری رانگاهدا شته اند ، به یار ی وکمك ما شتافته اند . مر زهای میا ن‌افغا ـ نستان وشورو ی همیشه مر ز صلح وآشتی و دوستی وبرادر ی بـــوده است .))

فصل ها و بخش های کـتا ب چنین رده بند ی می شود ـ ((کلکته از گور نر جنرال جدید پذیرایی‌می کند .)) ، ((زما ن تغییر می کند و مابا آن در تغییریم)) ، ((ما موریت بر نس در بخارا)) ، ((جگرن رولین سان و نفر خفیهٔ روسی))، ((مذا ـ کرا ت دلچسپ))،((اسپ دوا نی باموانع)) مذاکرا ت ادا مه دارد))، ((شیرپنجا ب))،((رنجیت سنگ و مکناتن))، «معاهده‌ی سه جانبه »، ((بالاتر از سطح بحر))،((قشون در فیروز پور تجمع می کنند)) ، ((به سو ی قند هار)) ،((تاجگذاری عرو سك)) ،« سقو ط غـــز نـــی»، دخول به پاینخت «تیز یین» مبا رزه «ادامه میبا بد» انجام سکندر کمی‌به طر ف غر ب ((دوازده روز سرو ـ یلیام)) ، ((از طریق جگدلک .))

درین بخش ها و عنوا ن هـا ی ۲۳ گا نه ، نفتو لا خالفین به‌آگا هی یك مور خ مسوو ل ، وقا یع ،رویداد ها وحوادثی را باز گو یی می کندکه در آنها سیما ی سیاه کـــارا ن ، استعمار گرا ن انگلیس ، رنگها ، نیرنگها وتر فند ها ی خاینا نه ی شان نشا ن داده می شود .خالفین مور خی است که وقایع رابا تخیل تند خود در می آمیزد وبد ین‌سا ن است که کتاب های او جا لب توجه است . وقتی خواننده کتا ب ه خالفین راور ق می زند در می ی که‌بایك مورخ رسمی روبرو نیس در نوشته ها ویاد داشت ها ی مایه هاو رگه هایی از تخیلات عرانه رامی توا ن یافت . تاجا ی بسیار ی از کتا ب های خالفین رویداد های تاریخی را باز تا ب دهند ، رنگ رما ن ها ی‌ادبی،ه رابخود می گیرد وکتا ب ها یی ((انگلستا ن بر ضدافغانستا ن ((شیپور ها ی پیروز ی میوند این گونه اند . خالفین بیشتر مطالعا ت و فعا لیت ها ی قلمی را در باره ی افغانستان شنا متمر کز ساخته است .

او با علا قمند ی خا ص که مردم وکشور افغانســـتا ن دار بسیار ی از زاویه ها ی ، مبه تاریخ معاصر مارا روشن کرده‌اس افغانستا ن همیشه با موقعیت‌وی استراتیژیك و جغرا فیا یی که مورد توجه دانشمندا ن‌شرق وغ بوده است . اماتاریخ نگارا ن غر خاور شناسا نی که‌به محا فـــ وگروه های ارتجا عی تعلق دا اند ودارند حقایق مربو ط به‌افغا نستان راتحریف کرده اند . آنچ واقعیت بوده آنرا به یکسو نه اند، درو غ راجا یگزین را ســـ کرده اند وبه این وسیله به‌حلقه امپریا لیستی واستعما ر ی خد کرده اند . اما خاور شنا س وا نستان شناس شوروی نفتـــو خالفین ، تاریخ افغا نستا ن‌مبارز مردم این مر ز وبو م راباو جدا بیدار و با آگا هی یك پژوهنده مورخ برسی مـی کند . خا نفین کتاب ها یی مانند ((انگلستا ن ضد افغانستان)) و ((شیپور ها پیروز ی میوند)) وبسیاری ازر لات و مقا لات دیگر مر بو ط بـ افغانستا ن حقا یق مربو ط به س زمین مارا باز گو یی کرده است‌بد آنکه در بیا ن واقعیت ها تصر کرده باشد . خالفین در کتا ب‌جا وارزنده ((انگلستان بر ضد افغا نستان)) با اتکاء به حقا یق ،ار واسنادنشا ن می دهد که استعما انگلیس آن گونه که در بسیار ی قلمرو ها وسر زمین ها دست تار دراز کرده است ، همیشه او ضا واحوا ل افغانستا ن رادر نظر دا است وبیشتر ین تو جه خـــود معطو ف کشور ماسا خته است

ستا ن با پندا شت اینکه
گاه بتواند در افغانستا ن دست
وپایگاه شیطا نی خو یش را
تحکم سازد . آن گاه به آسا نی
تواند علیه کشور انقلاب‌اکتو بر
طه چینی نماید وبه این وسیله
وزش نسیم انقلاب در سر زمین
ی دیگر جلو گیر ی نما ید . اما
فقط یك پندار تاریك و وا هی
ده‌است . یك آرزو ی با طل که
گز به تحقق نتواند رسید . مردم
غانستا ن رو حیه ی سر شا ر از
میهن پرستی دارند . خو ن آزاد ی
وا هی در رگ رگ مرد م آزاده و
لاور افغانستا ن مو ج می زند وباین
صل اند ك تر ین تردید ی نمی‌توان
وا داشت .

خالفین در کتا ب ((شیپو ر های
یروزی میو ند)) نیز خط قهر مانی
ها، دلاور ی ها وپایمرد ی ها ی
ردم افغانستا ن را دنبا ل می کنند
ر این کتا ب خالفین نشا ن می‌دهد
که مرد م پیکار جو ی افغا نستا ن
جسان علیهٔ استعمار انگلیس به پا
یخیزند ، با مبارزا تی دا غ سنگر
های نا مقدس استعمار را فرومی‌
ریزند . در کتا ب ((شیپور ها ی
پیروز ی میوند)) خالفین‌این‌واقعیت
مشهود را بیا ن می دارد که خا ك
افغانستان مانند دژی اســتوا ر ،
خارایین و تسخیر نا پذیر و همه‌ی
رویا های دو لت های امپریالیستی
استعمار ی نمی تواند به جا یی‌برسد
وکار گر واقع شود . مرد م افغا ـ
نستا ن بر علیهٔ پایگاه ها ی نفرین
شده وارتجا عی انگلیس ، شیپور
هایی را به صد ادرآوردندکه‌پیروزی
آفرید . نیرو های غاصب وتاراجگر
عقب نشینی کردند .

واما ، اینك ما سو مین کتا ب‌از
خالفین را که در باره ی تاریخ افغا ـ
نستان نگاشته ((انتقام جــویا ن
جگدلگ)) را در دست دار یــم ،
خالفین در این اثر مطالعا ت ،تجارب
وکوشش ها ی خود را در زمینه ی
افغانستا ن شنا سی ادا مه وتکامل
می دهد . این اثر می تواند ،دنبا لهٔ
کتاب ها یی مانند ((انگلستا ن بر
ضد افغانستا ن)) ، ((شیپور های
پیروز ی میوند)) به حسا ب آید .

به این مفهوم که خالفین در این
اثر نیز سیما ی سپاه ، دو دژده و
غار تگر انگلیس ها را نشا ن مــی
دهد وپرده از رو ی یك سلسلــه
حقایق برمی دارد . خالفین درکتا ب
«انتقام جویان‌جگدلگ» که باسبکی
دلپذیر و شا عرانه نو شته شــده
است تابلو یی تر سیم می کند ،
خواننده می بیند استعما ر سیطره
جو ی انگلیس چسا ن قیا فه ها یی
مزدور را به افغانستا ن گسیل می
دارد وبه این وسیله زمینه ی فریب
توده ها رافرا هم می آورد . دراین
کتا ب سیما ی پادشا ها نی کــه
دست نشا نده‌ی انگلیس ها بوده‌اند
نیز نمایا نده می شود . کسا نی‌که
بااستعمار انگلیس در زدو بنــد
های سیاسی بودند وباطنی سیاه
داشتند اما در ظا هر سخن ازخدمت
به مردم و میهن پر ستی می‌زدند
توده هارا می فریفتند وهد ف های
غارتگرا نه ی خود را دنبا ل مــی
کردند .

همچنان در این کتا ب سیما ی
سیا هکارا ن انگلیس نیز نشا ن
داده می شود که به نام های‌گو ـ
ناگون به فعا لیت ها ی ارتجا عی
درخاك افغانستا ن پر داخته اند ،از
اعتقادا ت، در یا فت ها وصدا قت
صمیما نه‌ی توده ها سو ء استفاده
کرده‌اند . برای آنکه بتوانندگردونه
سیاست خرابکارانه ی خویش را
بچر خا نند در میان مردم تفرقــه
انداخته اند . اختلاف های زبا نی
وقو می ومذهبی راپدید آورده اندو
این یکی از سیاست ها ی شنا خته
شده وکهنه کارا نه ی استعــمار
انگلیس بوده که از نیا ت پا ك و
اعتقادا ت . مقد سا ت تو ده هــا
استفاده کرده اند .

فرهنگ بو می ملتی را تحــقیر
کرده اند . ار زش های آنــا ن را
تخطهٔ نموده اند و بی فرو غ جلوه
داده اند .

از اثرا ت سیاست خرابکارا نه
وتبلیغا ت زهرا گین استعمار گران
بوده است که تا اکنو ن در کشور
مابسیار ی از حر فه ها و پیشه‌ها
که بازند گی مرد م در ارتبا طنزدیك
بوده واست تحقیر می شود . از آن
شمار است بافند گی ، نجار ی ،
سلما نی و گلکار ی ،ندا فی‌وبسیاری
ازپیشه هاو حرفه ها ی دیگر ،باری
خالفین با دید ی آگا ها نه وقایــع
افغانستا ن را به رشته ی نگار ش
درمی آورد . در کتا ب ((انتــقا م
جویان جگدلگ)) به صراحت‌نشان
داده می شود استعمار انگلیســی
هرگز و هیچگاه دو ست افغا نستان
نبوده واگر گا هی دست دوستی‌به
سوی کشور ما دراز کرده است‌برای
آن بوده که بتواند نقشه های خیانت
کارانه وارتجا عی خویشتن رادنبال
کند و زمینه ی اسار ت میهن ومردم
مارا نشا ن دهد اما مردم افغانستان
در طو ل تاریخ ، از خود مقاو مت
ورزمند گی وشهما مت نشا ن داده
اند . ننگ شکست و گــر یز را
نپذیر فته اند . در کار زار ها ی
رهایی بخش ووطن پر ستا نه‌سهمی
شایسته گرفته اند . خو نها ی‌شان
سنگر ها را رنگین کرده است اما
عقب نشینی نکرده اند واین واقعیت
تاریخی طی سه جنگ افغان‌وانگلیس
به اثبا ت رسیده است و اکــنون
حتی دشمنا ن افغا نستا ن به ایــن
حقیقت اعترا ف دارند . خون فر ـ
زندان افغانستا ن کو هپا یه ها و
کار زار هارا رنگین کرده‌است و در
فرجام خورشید آزاد ی در خشنده
مردم مرگ راپذیرفته‌وبه پیشوازآن
شتافته اما به زبو نی واسار ت تن
در نداده اند . این مضمو ن‌درادبیات
میهنی مانیز تجلی وتابند گی‌داشته
است درکتاب«انتقام جویان‌جگدلگ»
خالفین همه ی حا لت ها ی روا نی
مردم مارا نشان می دهد . نفر ت
عمیق وانز جار شا ن را علیه نیرو
های غاصب تاجا یی که احساسا ت
وطن پرستا نه ی مرد م ما حتی در
اثار ادبی بیگانگا ن نیز باز تــا ب
یافته است .

• • •

آنها یی که شمشیر بر زمیــــن
می اندازند .
ومانند برده ها در مد فن می‌خزند
بهتر است زنده نبا شند .
بگذار آنها یی در صف ما قرار
داشته باشند . که به خا طر میهن
خود میخواهندبرز مند وزندگی‌کنند
ومردانه قهره مانی کنند و حما سه
افرینند
جنگ در پا ی دیوار ها ی مــا
جریان دارد
غرور و افتخار ما را به انتقا م
فرا می خواند
تاستمگرا ن را از سر راه خود
برداریم .
ودر پیکار بی اما ن خود را،راحت
سازیم.
یامرگ یا آزادی !

ترجمه‌ی کتاب ، روان ، سا ده
وعام فهم است . در بســیار ی از
بخش ها از لهجه ها وگو یش های
عامیا نه سود جسته شده کــه به
گیرایی و لطا فت اثر می افزا ید .
طرح . دیزاین و صفحه بست کتاب
نیز در خور تقدیر است . تصو یر
صفحه اول پشتی متناسب‌باروحیه‌ی
متن کتاب است و می تواند بیا نگر
واقعیت هایی باشد که در سطرهای
کتاب میگذرد . صفحا ت سو م و
چهار م پشتی کتا ب با زند گینا مهٔ
کوتاه وعکس مترجم و مولف‌اراسته
شده که برای خواننده در شنا خت
مترجم ومولف آراسته شده که‌برای
خواننده در شناخت متر جم ومولف
یار ی می رساند . این سنــت در
گذشته در کشور ما کمتر سا بقــه
داشته است . بسیار ی از کتا ب
ها تالیف وتر جمه شده‌اند اماخوا ـ
ننده نمی تواند در باره ی‌پردازنده‌ی
کتاب اطلا عی بدست آورد . به‌امید
پیروز ی های درخشا ن متر جم‌آگاه
وپژو هنده‌ی ار زنده بر ید جنرال
گل آقا ومو فقیت‌های‌روز افــزو ن
ریاست نشرا ت در پخش وچا پ
آثار متر قی وروشن کننده .

اطفال امروز

پو هنمل دکتور دو ست محمد پروا نی

تربیت و تا ثیر آن در اطفال

ـ تربیت اطفا ل ار زش واهمیت اجتما عی دارد . این صفا ت تر بیتی انسا ن در طو ل زند گی پرور ش می یابد . تربیت در دورا ن طفولیت ارزش ونقش تعیین کننده دارد .

درین هنگا م اطفا ل اکثرا نـزد والدین می باشند وبه آنها نیـا ز دارند .

ساختما ن بد ن نوزاد طوریست که برا ی ادامه زند گی نا چـار است، وابسته به دیگرا ن با شد . اطفال احتیا ج به تو جهٔ دیگرا ن دارنداگر نیاز مندَ ی ها ی او لی‌آن ها توسط دیگران بر آورده نـشود زندگی را دوا م داده نخوا هـند توانست .

تربیت از اوا ن کود کی یعـنی از لحظه ای تو لد شرو ع وخصوـ صیت سیستما تیك را دارا میباشد حس شنوا یی و بینا یی طفـل‌به شکل تدریجی رشد وانکشا ف می یابد تا بو سیلهٔ آن اشیا ء و محیط ماحو ل راتشخیص بدهد .

ـ طفل در دو الی سه‌ما هگـی عکس العمل ها ی از خود نشا ن‌می دهد که مشابه به بزرگسا لان‌است.

برای اطفال باید بعد از تولد رژیم معینی به منزله عوا مل ظاهری وخار جی یاد داده شود تا بو قـت معیین بخوا بند ـ بیدار شو ند و تغذیه شوند .

درین دوره اطفا ل با ید بزیبایی ها جلب وجذب شو ند . یعنی در کنار بستر طفل سامان آلات‌مختلف بـازی که دا رای ر نگهای آبـی‌ـ رزد ـ گلابی ـ سر خ وغیر ه‌باشد قرار داده شود محققین معتقد اندکه برای اطفال زمینه مساعد شود.

تادر سالها ی او ل زند گی نغمه های موزون بشنو ند تاحس زیبا‌ـ یی وخوشی را در زند گـی آنا ن پرورش دهد .

وا کنش ها ی او لیه طـفل در برابر اشخا ص مثبت است یعـنی هنگا می که شخصی با او حر ف‌می زند . به او نگر یسته و آگاهانـه تبسم می کند .

ـمسلما طفل قبل از همه به‌ما در که نزدیکتر ین فرد به او سـت عکس العمل نشان میدهد.

ـحالت روا نی ما در در تغییر حالت روا نی طفل مستقیما دخالت دارد .

بدین لحا ظ اطفا ل دَر سا لهای اول زند گی باید طرز بر خـوردبا دیگرا ن را فرا گیرد محبت ،نوازش وسخاو ت را بیا موزند . د قـت و توجه نه تنها به وا لد ین بلکـه به دیگرا ن نیز داشته باشند .

ـ اطفا ل در ین دوره بسـیا ر مقلد بوده آنچه بزرگ سا لا ن‌انجام مید هند آنها نیز تقلید مینما یند .

درین مر حله اطفا ل در حا لـت آموزش می باشند پس وا لد یـن باید در همین هنگا م آداب غـذا ـ خوردن نشستن وغیره رابه اطفا ل بیا مو زا نند و سپس مهارت پو شید ن لبا س وبو ت رابه آنها یا بدهند .

آموز گاران عالم فن تربیت‌م گویند که از اطفا ل یکنیم الی د ساله تقا ضا ی جد ی باید شود دستور ها ی والد ین را اجـرا نمایند .

ـ اطفال تقر یبا تا سن سه‌سالگ تلقین پذیر هستند با ید سعی‌شو ز ا به راه ها ی مثبت تلقین شو ند ـمثلا علیه گر یه ی او از همـیـ سن مبارزه صور ت گر فته و کو شیده شود تا طفل بخندد ویـا هنگا می که آسیبی به او میر سـ باید گفته شود مهم نیست زیـا افکار نشده است .

ـ فعا لیت اساسی اطفا ل قبـل از سنین مکتب عبار ت از باز ی‌های مختلف النو ع می باشد . اطفـا ل آنچه را می بینند و می شنوند.د باز ی های خود از آن الها م میگیرند واین در شخصیت ساز ی آیـنـد آنها رو ل عمده ی دارد .

طفل در ین دوره ممکن با همسا لان خود باز ی کند ویابه تنها یی که باز ی تنها یی نیز برا ی طفل مفید است . زیرا ذهن طفل‌راانکشاف میدهد.

در صور تی که تقا ضا ی مسلسل وپیگیر و ضمنا واحد از طر ف تما اعضا ی فامیل مخصو صا پدرومادر و دیگر بزرگان صورت گیرد طفل انضباط پذیر می گردد .

ناتمام

تعلیم و تربیه و نقش آن در حقوق طفل

تعلیم و تربیهٔ همکا نی و آماده ساختن نسل جوا ن به کار ها ی فعالانه آگا هانه و خلا قا نه که هدف آن رشد اقتصاد ـ فر هنگ وارتقاء سطح زند گی مرد م با شد یکی از مسا یل نهایت مهم و طن ماست .

از آنجاییکه اعمار جا معه دمو ـ کراتیك بدو ن تحو لات عمیق‌بنیادی درسا حه کلتور و دیگر سا حه های حیا ت معنو ی کشور غیر ممکن است . بناء در مر حله کنو نی انکشا ف کشور ما بنیاد یك سیستم جدید تعلیم و تربیه که باز ما ن و آرمانها ی زحمتکشا ن افغا نستا ن توافق داشته باشد نها یت ضرور است . تا اینکه سیستم جدید به نسل جوان ما نه تنها معلو ما ت عمو می بلکه معلو ما ت مسلکی حیا تی نیز داده بتواند . تجدید سیستم تعلیم و تربیه ایجا ب می کند که ساختما ن تعلیمی مکتب ـ حتو ی تعلیم وتربیه میتود ها ی تدریس تغیر نموده و سطح آگا هی کادر ها ی معلما ن ارتقا عداده‌شود.

از آرمانها ی مابوده که :

جوانا ن کشور عزیز ما سازندگان جامعهٔ نوین دمو کراتیك‌باشند ودر تحو لات انقلابی واجتما عی و رفع عقب ماند گی اجتما عی ـ اقتصاد ی وانکشا ف فر هنگ ملی حصه بگیر ند به زبا ن ما در ی مطابق به استعداد ها ی خو یش آزادا نه تحصیل نما یند . تعلیم و تربیه حق ووجیبهٔ هر فرد بوده و همه میتوانند از تحصیل بهره مند شوند .

از آرما نها ی‌دیر ینهٔ ما بو ده است که تبعیض ـ بیسواد ی ـ جهل و امرا ض ستم ملی و همه مظا هر عقب ما ند گی ازکشور نابود گردد و جا ی آنرا امید و خوشبختی ـ تر قی ورفاه صلح وآرامش بگیر د .

هو یداست که از حقو ق طفل نمیتوا ن به صور ت مجرد وانتزاعی بدو ن درنظر گر فتن شرا یط ومراحل اجتماعی ـ اقتصادی ـ سیاسی وفر هنگی صحبت کرد طفل در آغو ش ما ـ در جامعهٔ عقب نگهداشته شده ما ـ در پرتو اقتصاد ضعیف ما است و هیچگا ه از ذهنیت ما جدا نیست . وا ضح است که اکثریت عظیم اطفا ل کشور ما از نعمت تعلیم وتربیه وسواد محرومند . چطور امکا ن دارد که حقوق اطفا ل راجدا از همه ملاحظات مورد مطالعه قرار داد !

خوشبختانه با انقلاب پیروز مند ثور این همه آرما نها ی ما رنگ حقیقت بخود میگیرد ومارا در کا ر وپیکار به خاطر آرما نها ی مشترك مردم دلگر می میدهد .

پرواضح است که حما یت از اطفا ل ونو جوانا ن وایجاد شرا یط مساعد به خاطر انکشا ف معنو ی وجسمی آنا ن از وظایف مبرم دولت جمهور ی دمو کرا تیك‌افغا نستان است .

اصو ل اسا سی جمهور ی‌دمو ـ کراتیك افغانستا ن فرا مین شماره (۲۶) و شماره (۲۸) شورا ی‌انقلابی بیانیه ها ورهنما یی ها ی‌رهبران حزبی ودولتی همه مو ید اینست که حزب دمو کراتیك و دو لت جمهور ی دمو کراتیك افغا نستا ن باتما م ارگانها ی خویش در تلا ش انکشا ف معنو ی وجسمی اطفا ل وجوانا ن کشور میباشند .

چنانکه ماده (۳۶) اصول‌اساسی جمهور ی دمو کراتیك افغا نستا ن که یکی از بزرگتر ین دست آور د های مر حلهٔ نو ین و تکا ملی‌انقلاب شکو همند ثور است چنین تصریح مینماید :

((خانواده ـ مادر و طفل تحت حمایت خا ص دو لت قرار می‌گیرد دولت در مورد صحت مادر و طفل توجه خاصی مبذول میدارد و جهت ایجاد شرا یط مسا عد تحصیل در مسلك وتدار ك کار تدا بیر لازم اتخاذ مینماید .

ار گا نها ی دو لتی ـ سا زما ن ها ی اجتما عی ومکاتب مو ظف اند در تربیه اطفا ل خانواده هاکمك کنند .

دولت مواظبت جوانا ن را بعهده می گیرد برا ی آنا ن امکا نات تعلیم وآموزش مسلکی را فرا هم میسازد جهت تامین کار به‌آنان‌ایجاد شرایط مساعد جهت تربیه معنو ی واخلاقی رشد جسمانی واشترا ك و سیع خلاق در اعمار جامعهٔ نو ین‌مساعدت میکند .))

بسیار ی از فیصله ها ی شورای انقلابی وتصا میم کمیته مر کز ی گواه انند که مسئله حقو ق طفل در جمهور ی دمو کراتیك افغانستان موضو ع مبر م وحیا تی شمرده‌شده ووزار ت تعلیم وتربیه هموا ره با تلاش خستگی ناپذیر در تطبیق آن از خود مسا عی به خر ج داده است موضوعا ت انتخا ب لسا ن برا ی تحصیل طفل ـ حق تعلیم وتر بیه برای تمام اطفا ل کشور ـ حقو ق ومسئولیت های والد ین درامر تعلیم وتربیه مد ت تحصیل اطفا ل در مکاتب و همچنا ن تعلیما ت‌مسلکی وکودکستا ن ها که امروز درجهان معاصر از جملهٔ حقو ق طفل مورد بحث قرار می گیر ند .

چنانکه یکی از ین فرا مین که همه مسایل مربو ط به حقو ق طفل رادر بر می گیرد به ما ذیلا تکلیف وظیفه مینما ید :

۱ ـ برابر ی تما م اتبا ع افغانستان در برابر تعلیم و تر بیه صر ف نظر از ملیت ـ جنس ـ اعتقاد ومقا م اجتما عی.

۲ ـ تعلیم وتربیهٔ اجبار ی و رایگان برا ی تمام اطفا ل کشورکه قابلیت سن شمو ل به مکتب را داشته باشند .

۳ ـ فرا گرفتن تعلیم وتر بیه به زبا ن ها ی مادر ی .

٤ ـ رایگا ن بود ن تما م انوا ع تعلیم وتربیه وتدا و ی شاگردا ن مکاتب .

۵ ـ یکسان بودن سیستم تعلیم وتربیه در تما م کشور .

٦ ـ ارتبا ط مستقیم تعلیم اطفا ل با مسایل تر بیتی وانسجام آن با زند گی وکار های علمی .

۷ ـ دادن جنبهٔ علمی و عملی به محتوا ی تعلیم وتربیه وبهبود انکشا ف دایمی بر مبنا ی علم ـ تخنیك ـ کلتور وهنر معا صر .

تمام مواد فوق‌الذکر به صرا حت از حقو ق طفل ـ تعلیم و تر بیهٔ رایگا ن باشرایط مناسب تعلیمی و جسمی وانکشا ف آنها تذکرمیدهد.

امحاء بیسواد ی در سر تا سر کشور که وظیفهٔ مبر م وزار ت‌تعلیم وتربیه راتشکیل مید هد و حتما تنویر اذهان والد ین رابار می‌آورد در انکشا ف تعلیم و تربیه و حقوق اطفال نقش بسیار مو ثردارد .

در جمهور ی دمو کرا تیك افغانستا ن تعلیم وتر بیه تنها حق نه بلکه وجیبه اطفا ل شمرده شده است .))

لت وکو ب و مجا زا ت جسمانی شاگردا ن جدا منع گردیده است ـ

از حقو ق والد ین است که بهر زبانیکه خواسته باشند طفل شا ن تحصیل نمایند .

زنان در پروسه انقلاب

زن در فراخنای پر خم و پیچ‌تاریخ ضربه کوبنده و مرگباری بر پیکر هیولای هول انگیز امپر یا لیزم وارد کرده و فعا لانه در مبارزه‌علیه اژدها ی سه سر ارتجا ع ، استبداد واستعمار شرکت ورزیده ا ست.

زن که در رو ند تاریخ در زیر غل و زنجیر سهمگین ز ندگی بـه وحشیا نه تر ین شکلی در تحـــت استبداد طبقا ت حاکم ستمگر بر ده دار ودر حصار کار وپیکارخانوادهو جامعه غذاب میکشید سر انجام توا نست در جریا ن پیکار خونین و زنجیر گسل باشها مت وقهر ما نی بدیوار پولادین استبداد شـــکا ف عظیمی را ایجاد نما ید و حما سـه توانا یی و قدر ت پیکار خود رابرای سازند گی زند گی نوین به اثـبا ت رساند .

زن نقش زنجیر شکن و حما سه ساز خودرا در کنار همه پیـروا ن آزاد ی ، صلح وتر قی علیه دو لت های دکتا تور و خون آشام گیتی، علیه دولت ها ی سیاه امپر یالیستی در راه رها یی انسا ن زحمتکش به وجه قابل قدر ی انجا م مید هد .

در اوضا ع واحوا ل کنو نی پیکار پرتلاش جها ن جهت نیل به‌هد ف واحیا ی حقو ق شان در امر تشکل هر چه بیشتر زنا ن و مبارزه علیه امپریا لیز م جنگ افرو ز در دستور روز مبارزه آنا ن قرار دارد .گنجینه تئوریك مارکسیز م لیننیز م . به سا ن مشعل در خشندهٔ رهنما ی عمل کوره راه ها ی بر خم و پیچ‌این رزم ظفر مند است . شر کت عظیم زنان در مبارزه طبقا تی در جنبش های ضد امپر یالیستی وازجمله‌در نبرد به خا طر صلح یکی از صفا ت بارز دوران ماست .

اندیشه ها ی خلاق مار کس ، انگلس ، لنین نه تنها پرو سه رشد وتکامل جامعه وجها ن را صمیما نه

رجوع درصفحه مقابل

زنان پیروز می‌شوند

سه سال و چندماه از پیروزی‌انقلاب شکو همند و ظفر آفر یـــن ثور در کشور ما میگذرد .

این انقلاب که در اثر یك‌جهش ملی وبه خا طر تحقق همه آرما ن‌های انسا نی مرد م ما ، به خا طرپایا ن بخشید ن به روابط و ضوابط غـیر انسا نی بهره کشی انسا ن ازانسان وبه خا طر خاتمه داد ن به همـــه انگیزه های بیمار ی ، فقر وبیسوادی درمیا ن توده های وسیع زحمـــت‌کش مردم میهن ما به پیروز ی‌رسا نیده شد از هما ن آغا ز علیه همه نما ها ی زور و زور گویی استثمار گران ، غاصبان و چپا و لگران، علیه هر گونه انار شیزم وبی‌عدالتی در سطح ملی و جها نی و علیه همه انوا ع مظالم و ستم به پا خواست واینك خواست ملی بود که از نهاد ملت بر خواسته بود، فریاد ی بود که خا ستگاه آن گلو ی همه ملت بود و قیا می بود که در آن زن‌ومرد وپیر وجوا ن همه یکسا ن در یـك ردیف بپا خواسته بودند .

این فریاد و این قیا م پشـــت امپریا لیزم جها نخوا ر را لر زاند دست خونین اورا برای دروانسان و پشته ساز ی از کشته ها ی‌انسانی از آستین بدر آورد .

همه نیرو ها ی ضد ملـــی و اهر یمنی ـ همه آنا نیکه دشمـــن این وطن و مردم این میهن ودشمن آزاد ی و آزاد گی و صلح‌وبرابری بودند در این اتحاد نا مقد س سهم گرفتند تاپایه ها ی نظا م مرد می تازه استقرار یا فته در کشورمارا فرو ریزانند .

آنها این شیطا ن منش های‌آلوده دست به اسلحه بر دند ، مکا تـب وکتابخانه هارا به آتش کشید ند جوانا ن مارا در خو ن ها ی گر م شان آغشته ساختند . مادرا ن را به سو ك عزیزان شان نشا ندند و فاجعه یی رابه وجود آوردندکـهٔ از شما ل تا جنو ب واز شر ق تاغرب کشور هیچ مادری هیچ پدر ی‌وهیچ خوا هر وبرادری رابی دا غ‌نگذاشت.

وتاکنو ن همه این عزا و عزادار ی ادامه دارد .

خوا هرا ن رزمنده و قهر ما ن‌من برای پایا ن بخشید ن به این‌درامه ها ی غیر انسا نی برا ی به دست آور ی وتا مین صلح وآزاد ی‌برادری وبرابر ی و برای اینکه انقلاب‌نجات بخش ما بتواند هر چه پیروز مندتر و شکو همند تر به پیش رودوارزش ها ی انقلابی یعنی کار برا ی همه‌و نان برا ی همه و لبا س برا ی همه را موفقانه پخش و پیاده نمایدباید در فکر ایجاد جبهه وا حد ملی‌بود جبهه وا حد ملی یعنی استقرا رگاه همه نیرو های انقلا بی در راه دفاع از انقلاب و تازما نی که دیگرگر سنگی در میا ن مرد م ما نبا شد و قحطی انسا ن را بلع نکند و فقر و بیسواد ی انگیزه ساز مصا یـــب اجتما عی نگردد با این دفـــا ع از دست آورد ها ی انقلاب میتـــوان سپا هی خو ب انقلاب محسو ب‌شد.

ما زنا ن و مادرا ن افغا نستا ن انقلابی : در این دورا ن خو نو‌آتش به مشابه نیمی‌از پیکر جامعه خود نمیتوا نیم در برابر منا فع ما دروطن بی تفاو ت باشیم .

مادر این فر صت از حساس‌ترین زمان تاریخی سو گند یاد می‌کنیم که برا ی ایجاد یك جا معه مر فع تاآخر ین فطره خو ن خود از انقلاب مرد می خود پاسدار ی نموده و با خون خود ریشه آنرا آبیار ی مـی نماییم .

مابه همه ی زنا ن کشور به همه آنانیکه احسا س مادر ی دارند وبه همـه آ نا نـیکه مـی خـوا هند خـــا نـو ا د ه هـــا ی آن هاکانو ن آمو زش و پرورش‌بهترین فرزندا ن کشور باشد و به زنا نیکه سالها ی سا ل زنجیر ها ی فرسوده برده‌گی بدست و پای شان‌سنگینی می کرد . اعلام میداریم که در این جبهه مقد س با ما یکجا شو ند ودر

بقیه درصفحه ۳۵

ت تاثیر خود آورد بلکه عمده‌ترین
رابلمهای جهانی یعنی آزادی‌زن،
رکت زنا ن و جنبش ها ی انقلابی
ق مبارزه برا ی زنا ن جهت‌کسب
قو ق مسا وی با مر دان‌درخانواده
جامعه تحکیم امر صلح و نیرومندی
یکار ظفر نمو ن آزاد ی بخش‌مالی
دمو کرا تیك را عمیقا نه بررسی
اساسی ترین راه های حل رابرای
نها ارائه‌نموده اند ولی ایدیولوگ
های طبقات حا کم ستم گر
یشر مانه تلاش ور زیدند تا
دیشه ها ی میان تهی خود را
ارتباط عدم تساوی حقوق زن‌شکل
انو نی بد هند و مذ بو حانه سعی
ینمایندتابرخورد غیر انسانی‌طبقات
حاکم را در جوا مع استثمار گر و
ر زیر پرده عوامل چو ن نا توا نی
ساختما ن جسما نی و فز یو لوژیکی
دا شته وانشا عه مینما یند که‌گویا
نان قادر به انجا م وظا یف‌بزرگ
ستند .

مارکس وانگلس بنیا ن گذارا ن
ور ی علمی برا ی او لین بارسر
م بند ی ها ی ار تجاعی‌رادر
ورد علل بی حقو ق زن در هم
وبیده و قاطعا نه به اثبا ت‌رسا-
دند که به‌اسار ت کشید ن ز ن
رهمه شئون زندگی عوامل‌اقتصادی
جتما عی دارد نه بیو لو ژ یکی.
را ظهور ما لکیت خصو صی بر
سایل تولید و تقسیم جا معه به
طبقات متخاصم عا مل اصلی، به
سار ت کشید ن زنا ن محسو ب
یگردد.

پیدا یش طبقا ت متضاد در جامعه
ز یکسو زنا ن را از لحا ظ اقتصادی
شو هر وپدر وابسته سا خته
استقلال اقتصاد ی زنا ن را ازبین
رد واز جا نب دیگر زن به حیث
هقان و کار گر به ا سارت
ستثمار گرا ن در آمد .

ازهمین لحاظ است که مارکس
انگلس . در اولین سند بر نا مه
ر کسیزم «ما نیفست» حزب
مو نیست نوشتند فقط بر قراری

مالکیت اجتما عی بروسا یل تولید میتواند از مقا م و پرستیز و سیلهٔ معمو لی تولید بود ن را رفع نما ید.

همچنا ن مار کس و انگلس دراثر مشتر ك خود (خانواده مقد س) بر خورد بیر حما نه بورژوا ز ی را دربرابر مقا م زن همه جا نبه تحلیل و بررسی‌مینما ید وآشکار میسازند که رنج و بد بختی فقر و گر سنگی رادر جوامع طبقا تی بیشتر ازهمه زنان ومادرا ن احسا س مینما یند لینن رهبر گرا می خلقها ی جها ن باطر ح این مسئله که (هیچ جنبشی بدون دخالت زن توده ای نیست) خدمت ارزشمند و قابل قدر ی را جهت احیا ی حقو ق زن در همه عرصه ها ی زند گی انجا م میدهد.

لینن اندیشه ها ی خلا ق ، مارکس وانگلس را در ارتبا ط مسئله ز ن مطابق به‌شرایط رشد یا بنده کنونی بسط و توسعه داده درپیش از پنجاه اثر لینن تو ضیحا ت‌مربوط به پرابلم ها ی مسئله زن را می یابیم که در مورد وضع زن واطفال در جامعه سر ما یه دار ی در باره نقش ارزنده جنبش زنا ن وشرکت شا ن در مبارزه دوران سا ز طبقه کار گر سهم زنا ن رادر امرانقلاب مفید یت شا ن در سا ختما ن‌جامعه نوین وبالاخره در مورد جنبش بین- المللی زنان را بـا ا ر ز ش ارائه نموده است . لینن دراکثریت آثارش بر خورد جابرا نه‌وغیرانسانی جوامع طبقا تی را در برابر زنا ن افشا ء مینما ید . وضع رقتبارزنان دهقان را که عمق زمین رامیشگافند وتحمیل کار ها ی توا ن فر سابالای کار گر زنا ن واطفا ل را شدیدامورد انتقاد قرار مید هد ومتذکر میگردد که این بیعدالتی در برابر زنا ن با شرایط نامسا عد بهدا شتی وادامهٔ نامحدود وقت کار در برابر مزدنا چیز پیوند ناگزیر دارد لینن درعین زما نیکه ا ستثمار ظا لما نه زنان‌را توسط بورژوازی تقبیح مینمود و لی شمرکت آنا ن را در تو لید مثبت و مفید میدا ند زیرا سهم درتولید زن را از حلقهٔ محدود خـانواد ه و مطبخ بیرو ن میکشد . شعورطبقاتی وآگا هی سیاسی را در زنا ن‌بیدار میسازد وبرا ی آنا ن زمینهٔ آشنایی باجنبش را مساعد می سازدلینن‌به کرا ت ضرورت شرکت فعا ل زنان رادر جنبش انقلا بی ثابت مینویسد تکامل انقلاب سو سیا لیستی‌امکان پذیر نیست اگر عده بزرگی‌اززنان زحمتکش در ان شرکت فعا ل وقابل ملاحظه ای نداشته باشد لینن‌کلیات جلد (۳۷) صفحه (۸۵) .

لینن رو ی این مو ضو ع همیشه تاکید میکرد که جنبش زنا ن با ید توده ای باشد و میگفت که درجوامع طبقاتی زنا ن زحمتکش بار استثمار دوگانه‌راروی‌دوش خود احساس‌می کند از یکطر ف به حیث زنان کارگر ودهقان مورد ستم وحشیا نه قرا ر میگیر ند وازسو ی دیگر نه تنهااز لحاظ قانونی ازتساوی حقوق بهره نمیبرنددرهمه‌عرصه های‌زندگی‌اعم‌از سیاسی،اقتصادی واجتما عی‌بی بهره اند بلکه به اسا س رسو م‌منحط و خرافی عملا با مثا به بـر دگـا ن منحصر به خانواده به خا نه با قـی مانده‌اند .

نباید فرا موش کرد که همه زنان وابسته به طبقا ت دیگر وضع رقت اور عد م تساو ی حقو ق را متحمـل میگردند از اینرو علاقمند پیرو ز ی مبارزه زنا ن برا ی کسب حقـوق مساو ی در همه جها ت زند گی‌اند. لنین همیشه تلاش داشت تافر یب واغوای جهان سر ما یه را دربرابر زنا ن افشاء نما ید وزمینه ها ی توجه وعلا قمند ی آنان رابه جنبش انقلابی معطو ف نما ید واز همه‌امکا- نات جهت تربیه کادر ها ی فعا ل پرو فیشنل که علاوه بر دیگرمسایل فعالیتها ی تبلیغا تی را جهت‌آگاهی شعور طبقاتی بین زنا ن سا زما ن دهند. عمیقا بذل توجه مینمود.

بعد از پیروز ی انقلاب کبیر اکتوبر نه تنها مسئله آزاد ی زنا ن‌تضمین گردید بلکه حکومت شوروی‌باصدور فرمانهای قاطع، تساوی حقوق‌زنان را در سا حه عمل پیاده نمود لنین درسا ل ۱۹۱۹ با افتخار چنیـن گفت : حکو مت شورو ی به مثا به قدر ت زحمتکشا ن در اولـین روز های استقرار خود با هرآنچه که‌بهٔ اسار ت و حقار ت زن منتج مـی گردید مقاطعه نمود و گام های وسیعی جهت تا مین حقو ق زنا ن بر داشت . حزب کمو نیست‌اتحاد شورو ی تنها به مساوا ت زنا ن‌در چوکا ت قانو ن اکتفا ء نکرد بلکـه برای تا مین در همه عر صه ها ی زندگی عملا پیکار نموده است.

لینن یا داورمیشود که جنبش کارگر ی فقط برا ی تساو ی ظاهری نه بلکه هد ف اصلی آن تسا و ی حقو ق زنا ن درسا حا ت اجتما عی واقتصاد ی میباشد . چنانچه سو- سیالیزم زمینه ها ی‌گ سترده برای همه زنا ن جهت استفاده از حق‌کار را میسها نمود که این واقعیت‌انکار، پذیر ارمغان آور تا مین حقوق‌مساوی زنان بامردان‌بود. لینن به شرکت زنان در امر تولید اجتماعی اهمیت زیاد ی قایل بود و متذکر میگردید که . برای آزاد ی کامل زنا ن‌وبرای تساوی حقو ق زنا ن بامردا ن باید که اقتصاد شکل اجتما عی به خود بگیرد ونقش ارزنده زن در کـا ر بهره دهی متبارز گردد . این یگانه شرط برای تامین تساو ی حقو ق زنان بامردا ن به حسا ب میـرود (کلیا ت جلد ۱۵ صفحه ۳۰) .

شرکت زنا ن در تولید اجتما عی بعد از انقلاب عمده ترین عا مـل رشد محتو ی وارتقا ی شعو رسیاسی زنان بشمار میرود .

باقیدارد

ترجمه از مصری احمدی

نقش زنان فلسطین در مبارزه علیه صیهونیزم

زنان فلسطین رول عمده و مهمی رادر راه مبارزه علیه اشغال صهیونیستی فلسطین بازی نموده اند ،آن ها از طریق ساز مان های مقاو مت‌بر ضد اسرا ئیل اشغا لگر به مبارزه پر داختند .

جنبش مقاومت زنان فلسطین در مبا رزات مخفی علیه دشمنان اشغالگر رول عمده و بارزی را بازی نموده اند .

در سال ۱۹۴۸ زنان فلسطین گروپی انقلابی ایرا تشکیل دادند و از طریق این گروپ به مبارزه پرداختند .

وظیفه این گروپ زنان انتقال اسلحه و تجهیزات به انقلا بیون بود بسیاری زنان فلسطین‌در این عملیات نظامی سهم ارزنده یی را ایفا نمودند .

زنان یك سلسله اعمالی را برای امحای صهیو نیست ها و افشای هر چه بیشتر اعمال ترور یستی و وحشیانه آنها که باعث قتل عام و کشتار هزار ها مرد ، زن و طفل شده بودند انجام دادند .

اگر ما در باره آنهمه جرایم ، تجاوزات ضد انسانی ، قتل های عمومی و مداوم صهیو نیست ها که بمردم مبارز فلسطین روا داشته‌اند چیزی بنو یسیم کتاب ضخیمی ازآن ترتیب خواهد شد .

مینا خیم بگین و مزدوران تروریست وی مرتکب بسیاری از این اعمال ترور یستی و دهشت افگنی در سر زمین فلسطین شده اند .

با رعایت این نکته باید متذ کر شد که بسیاری از کسانیکه از فلسطین اخراج شدند زنان بود ند که یازده فیصد آنها را زنان حامله تشکیل میداد .

در سال ۱۹۶۸ زنان فلسطین با پیوستن به صفوف قوای مسلح مبارزات پیگیر خود را علیه صیهو-نیست های اشغال گر آغاز نمودند این بدان معنی نیست که زنان قبل از این تاریخ در مبار زات سهم نمی گیرفتند ، اما بعد ازین تاریخ زنان مبارزات خود را علیه صهیو نیست ها ازدیاد بخشیدند .

بسیاری مادر ان فرزندان خود را هنگام پیوستن باسازمان آزاد یبخش فلسطین و مبارزه علیه اشغا لگر ان صهیو نیست از دست دادند .

زندانهای صهیو نیست ها مملو از دختران مبارز و زنانی می‌باشد که به وضع ر قت بار و طا قت فرسا فشار وشکنجه متحمل گردیده اند .

فدرا سیون عمومی زنان فلسطین به صورت منظم فعالیت های زنان را در ساحه سیاسی تنظیم نموده و نقش دایمی و عمده‌یی را در حیات اجتماعی زنان فلسطین بازی کرده است .

به همین ترتیب فدراسیون عمومی زنان فلسطین به اساس ارتبا طی که با بسیاری سازمان های جهانی‌زنان دارد ، مقام حیثیت و بعد مبارزه‌زنان فلسطین را به جها نیان شنا سیده است .

تا اکنون فدرا سیون عمومی زنان فلسطین در راه تربیه و پرورش‌زنان تلاش زیاد نموده است . تا آنها بتوانند از انقلاب و آزادی فلسطین دفاع نموده و علیه صهیو نیست‌های اشغا لگر به مبارزه پر داخته ونقش بر جسته یی را در ین راه بازی نمایند .

قابل‌یاد آوری‌است که‌زنان‌فلسطین در تمام ساحات مبا رزات سیا سی نظامی علیه صهیو نیست های اشغا لگر و تجا وزات شان سهم عمده داشته اند .

گروپ های گور یلایی زنان فلسطین بدشمنان درسهای فراموش ناشد نی داده و اعمال توحشی خصمانه آنها را در مقابل چشم جهانیان افشاء نموده اند .

زنان فلسطین همیشه به مقابل صهیو نیست‌های اشغالگر مقاو مت نموده اند و می خواهند در تحقق دست آورد های انقلاب و تامین‌آزادی سهم کامل بگیرند .

زنان مبارز فلسطین علیه صیهو نیست ها می جنگند .

به ادا مه گذشته

فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان

درسالو ن دوستی شهر پا ریس زنا ن با رنگها ی مختلف ، فرستا- دگا ن زنا ن امریکا ، هندو ستا ن چین ، مصر و دیگرا ن حا ضربودند وبا فریاد طو فا نزا ی خو یش‌صدای میلیو ن ها زن کار گر ، رنجبر دانشمند ، داکتر ، زنا ن‌خانه،دادگر فروشنده واهل کسبه را به گو ش جهانیا ن رسانیدند . اکثر شرکت کنندگا ن کنگره نشا نها ی فراوانی که سمبول تقدیر بشر یت ازشرکت حماسه آفرین آنا ن در جنبش‌مقاو- مت ورها یی بخش ضد فاشیستی است بر سینه داشتند .

او ژنی کو تون رئیس کمیته موقت تدار ك وتدویر کنگره جهانی زنا ن در حالیکه او لین کنگره بین- المللی زنا ن را می گشود چنین‌بیان داشت : شعله احسا س واحد ی سراپا ی همه مارا می سوزا ند .به یاد آور ید قربانیا ن مارا ،مجروحین ومعیو بین مارا ، آنا نی را که‌سعادت وآینده خویش را جا و یدا نه‌درپای بشریت ریخته اند .

بیایید دوستا ن تا به خا طربذر گذاشت قهر ما نی ها ی آنا ن به‌پا خیزیم وسکو ت اختیار نما ییم ،

بیایید دوستان تا به خاطر بزر- بشریت از چنگا ل فاشیز م سوگند یاد نماییم که به خا طر ایجاد واعمار دنیا ی جدید وزیبا مانند مشت‌پو- لادین یکپار چه می شو یم .

کلیه نما یند گا ن کنگره ازقهر- مانیها وحماسه آفر ینی های زنان کشور های شا ن سخن پر داختند ونقش پر ار ج آنان رادر شرا یط دا غ واستوا ر جبهه تر سیم‌نمودند از زن ، از رز مند گی ها ی او ،از احساس و عشق پر شور ش‌نسبت به کود ك و آینده کود کش از نیرو وتوانا یی او که همپا و همسنگر با مردا ن مو ضع دشمن را فرو ریخته بود سخن در میان بود .

زنان که با قلب فرا خ وتحمل مادر ی بیش از هر کسی‌دیگرمصیبت جنگ برشانه ها ی شا ن گرا نی میکرد شعارشان این بود ، اگرسلاح دست داشته برا ی تا ن کفا یت نمی کند اما انوا ع جدید آنرا در جنگ بی امان بادشمن ، در شیوه ها ی مرد ن به خا طر زند گی جستجو خواهیم کرد .)) در پیکار مر گ وزند گی‌در مبارزه بخا طر شکستن سنگر فاشیز م این هیو لای ننگین قرن ما، زنا ن کشور های مختلف نمونه ها ی شها مت و فداکار ی‌را بنا م انسا ن وزند گی ایجاد نمودند از گرا ن تا کرا ن ، اینجادرفرانسه ویوگوسلاو یا ، پو لند وایتا لیا ، دنمار ك وسر زمین وسیع کشور شورا ها زنا ن در جنبش مقاو مت پارتیزا نی فعا لانه شر کت داشتند آنا ن سلاح بردوش می جنگیدند، بارسانید ن آب ونا ن، تجهیزا ت نظا می واطلاعا ت دقیق از پلانهای دشمن ، نجا ت پراشوتستهاومخفی کرد ن پار تیزا نها افسا نه ها آفریده اند .

آنگاه که نینا پا پو فه رئیس کمیته ضد فاشستی زنان شورو ی عقب تربیو ن کنگره قرار گر فت و واقعیت ها ی افسا نو ی پیکار و شهامت ، وطنپرستی ورز مجو یی زنان کشورش رابیا ن داشت ، همه نمایندگا ن به پاخاسته و طنین هیجان انگیز کف زدنها ی شا ن احترا م بزرگی رادر برابر زنا ن قهرما ن شورو ی افاده می نمود .

نینا پاپو فه سا لها ی‌فرا وا نی از دلاور ی وشجا عت زنان‌شوروی رادر شرایط جبهه ودر عقب آن یاد آور گردید .

اواز اناپاو لوا دختر جوان‌لنینگرادی سخن زد که در نبرد دشوار رویا- روی بادشمن مجهز و کثیر العده شرکت ورزیده بود .

وقتی فر ماندار قو امورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت ، انا در پیشا پیش سپاهیا ن قرار گر فته آنانرا به عقب خویش تا فتح و غلبه بردشمن گشاند . ولی قلب آگنده از عشق او نسبت به مادر وطنش نشستگاه گلو له دشمن شدوازطپش ماند ، در یاد داشت ها ی که از انابجا مانده نوشته شده‌است :

((من به سر نوشت میهنم‌همواره می اندیشم ، تو گو یی که من وسر زمینم موجود واحد ی هستیم ، سعاد ت وتبسم خویش را درسعادت وطنم جستجو دار م ، آنگاه که‌صدای نفرین شده گلو له گوشم را می خراشد ویا نا زیبا که کا خها وخانه های لینگراد را ویرا ن می کنند چین می پندار م که گو یا قلبم‌رانشان قرار داده اند وفریاد و جدا نم رامی شنو م که میگو ید جسور وصاد ق باش ویکجا با سپاهیا ن و طن برزم)) این کلما ت ساده و لی با عظمت احساس واراده میلیو نهازن شورو ی را تجلی می دهد .

شرکت کنندگا ن کنگره مسا یل پراهمیت و در دستور روز حیا ت زنان را ارزیابی نمودند و در برابر جهانیا ن تعهد سپردند که علیه فاشیزم ، به خا طر صلح دوا مدار ودمو کراسی تاپا ی جا ن می رزمند وبه ار ما ن ها ی زنا ن وکود کا ن جهان وفادار اند و خوا هند بود ، به خاطر تا مین مساوا ت ز ن با مرد در همه عر صه ها وایجاد لاز م‌جهت رشد همه جانبه کودکا ن مبا رز ه می کنند در فضا ی کنگره همه نداها با هم آمیخته وغر ش‌توفانزای واحدی رابوجود آورده بود که‌بیانگر حکم وجدا ن شرکت کنندگان این گرد هم آیی‌بزرگ بود. آنانراعشق واحساس واحدی بهم پیوند داده‌بود نوای همکو ن قلب مادر و احساس نیرو مند مادرا نه این است زبا ن مشترك و سلیس زنا ن جها ن که بوسیله آن صر ف نظر از تفا و ت های رنگ ، پوست و فاصله ها ی جغرافیا یی عقا ید مذ هبی ،سیاسی ولسا نی همدیگر را عمیقا در ك می کنند .

تامین سعاد ت کودکا ن و آینده درخشا ن برا ی آنا ن انگیزه‌توانایی بودکه زنا ن را از گرانه های دور دست به پاریس فرا خوانده بود .

از تربیو ن او لین کنگره جها نی زنا ن سخنرا نی ها ی پر محبت ، صمیمانه وعینی در باره مسئله‌کودك وحل نها یی آن صور ت گر فت ، از رنجها و مصیبت ها ی کودکا ن از زنده بگور شد ن و سرازیر شدن شان‌به کوره های آدم سوز ی فا- شیز م سخن به میا ن آمد . نمایند- گان کنگره فاکتها وارقا می را به پیش کشیدند که نمو نه ها ی روشنی از تحقیر ، شکنجه ومحرو- میت اطفا ل بوده است .

در پیا م کنگره خطا ب به زنا ن جها ن آمده است تا زنا ن سراسر جهان همه نیرو ی خویش را درجهت دفا ع از صلح ، دمو کرا سی وعلیه وحشت استعمار تجهیز نما یند .

کنگره در برابر سازمانها نها ی‌دمو کراتیك ملی زنا ن کشور ها ی مختلف جها ن وظیفه گذا شت تابه خاطر رسید ن به حقو ق‌مساوی،حق تحصیل ، حق کار ، وا ستر ا حت کسب دست‌مزد مساوی در برا بر کار مساو ی با مرد و حق استفا ده از بیمه ها ی اجتما عی و تقا عد ،

بقیه در صفحه ۳۵

نورمحمد «فیضی» اسفنده یی

بگذشته ها گذشت

بگذشته ها گذشت ودگربازنیاید
چون رویا ی گمشده از دیده‌زمان
در خلو ت سکو ت
رفتست گو ییا
پنها ن شده بگور سیاه زوا ل
خویش

• • •

آن عصر ها بر فت‌وبسیر تحولات
پیمود راه خویش
خود را فرو کشید .
فرجام در پناه سیا هی قر نها

• • •

آن دوره ها گذشت و لی در
خیا لها
زان سر گذشت ها
زان رفته لحظه ها

از خود بیاد گار نهاده نشا نه
ها

• • •

تاریخ باز با ن ور ق ها بیانگر
است
از ظلم جابر ا ن
وز آه مظلو ما ن
گوید همیشه قصه حا ل‌گذشتگان

• • •

هر واقعه که در د ل‌تاریخ‌ثبت‌شد
در روز گار ها
زا ن گیر ودار ها

برر و ی صفحا ت هر آنچه نبشته
شد
آخر همه برو ی زبا نها کشیده
شد

• • •

اما کنو ن که از بی مر گ
گذشته ها
در سر زمین ما
خورشید با مداد سعاد ت‌دمیده
است
گرم ونو ید بخش
خندد برو ی توده زحمتکشا ن ما
با افتخا ر جنبش کاریگران ما

• • •

هشدار ای ! رفیق
وی ! همنبرد من
این روز ما و تست
ماوتو بهر مرد م خود کا رمیکنیم
این ملك را بسعی خود اعما ر

برزم‌ای! همنبرد

برزم ای ! همنبرد ای ! قهر مان
ای ! پیشتاز جنبش زحمتکشا ن
وی ! گرد رزم آور
برو مردا نه در سنگر
بکن بردشمنا ن محشر
که آن دزدا ن غارتگر
آن آدمکشا ن زشت بد گو هر
کنون بر میهنت بیبا ك میتا زند
به هر جا دست می یا زند
مکا تب را همی سو زندو
مردم زاهمه یکسر
به بیر حمی زو حشت میکشندو
مال ودارا یی آنان همی دزدند
برزم ای !همنبرد
در جبهه های گر م با دشمن
که آن نا بخر دان
آن نوکرا ن اجنبی
آن خود فروشا ن
روسپی خویا ن بد فر جام
همی خوا هند اهل کشور ما را
همه نابود گر دانند
به جرم خود سیاه کارا ن‌استثمار
راخو شنود گردانند

• • •

برزم ای ! همنبرد
ای ! قهر ما ن در سنگر دا غت
دلیر وبی امان پیکار کن با خصم
افسونگر
یقین میدار و کن باور
که حق باتست و پیروز ی‌ازان
تـــو
بزودی میسر سند آن جمع بد
کاران در کیفر
دیگر گم میشود آن سا یه های
شوم اهر یمن
زکوه و دره وا دی این میهن

از محمد عزیز ((رویش))

عشرت

عاقبت کر دی ز هجرا نت سیـــه‌پوشم دگر
کی شود چشما ن شهلا یت فـرامو شم دگر
عطر آغو شت بتا کی میرود ازبستر م
کاش آیی یکشبی ای مه به آغوشم دگر
یادم آنروز یکه بو سیـــد م‌دوچشما نت را زشو ق
بو سه ها دادی زلب ها وبـــرودو شم دگر
باز رفتی از کنار م ای بت زیباومست
از فرا قت خون دل هر لحظـــه‌می نوشم دگر
می پرستم چشم آهو را بیا دچشم‌تـــو
یك نگاه چشم مستت بـرده از هوشم دگر
کی بنو شم جر عه ای می رازهر بیما نه ای
نشه ی لب ها ی‌نابت‌کرد مد هوشم دگر
هر که را بینم که با عشر ت‌لبی‌تر می کند
چشم خود از دید ن این ما جراپوشم دگر
گرچه رفتی از کنار رو یشـــ‌رنجیده ات
در رهٔ عشقت غلام حلقه برگوشم‌دگـــر

بال عقاب

سلی دل غمدیدهٔ نا کام کنم
خون دل رابقد ح ریزم ومینا م کنم

بود خون جگرخوردن وقانع بودن
چند ، تاچند می از میکده هاوام کنم

نتوانم که بهر بزم زبهرجامی
دست دردامن ساقی زده ابرام کنم

روزمن تیره بسان شب دیجوربود
فرق نتوان که میان سحروشام کنم

غم آیدوگا هی الم وگه تشو یش
کوچنان فر صتی تایك نفس آرام کنم

ست مشکل که شودصید غزالی به کمند
آهوی وحشی چشم توچسان رام کنم

بال اگر وام بگیرم زعقا بی زیبد
عار باشد زمگس بال وپری وام کنم

طرف خیره گی چشم ودگر سوپیری
من چه سان حوصله با اینهمه الام کنم

تهی دست نیم نقدروانم بکف است
صرف آن رابه می وشاهد گلفام کنم

ل گوید که مکن عربده دربزم «نوید»
من کجا گوش بحرف خردخام کنم

دیده ودل

در جهان جا ن من جوشش تمنایی
جنگل وجودم را ، جاودانه دریایی
لاله های امیدم ، ازنمونمی ماند
دشت آرزویم را ، ابر رحمت افزایی

از زمین شو ق من گل چمن چمن روید
دربهار احساسم ، گلشن شگوفا یی
در قلمروهستی ، شبچراغ جاویدی
اوج عشق انسانی حسن عالم آرایی
درفضا ی دانشها درصفای بینشها

آفتاب اشرا قی ، صبح نوربخشایی
قامت رسای تو سینه صفای تو
عالم دگر دارد ، در لباس خارایی
دیده و دل مارا ، نیست تاب دیدارت
دربغل نمیگنجی ، در نظر نمیایی

شکوه ازعشق

نشاط زندگی ازمن ربودی
توای عشق، هم بلای عقل بودی
زدی آتش بجانم از غم دو ست
بجای مهر بردردم فزو دی
بتو تا آشنا شد این دل مـن
خوشی وعیش را ازوی زدودی
زیارم شکوه ها کردم دریغا !
کنون دانم که خصم من تو بودی
امید شادما نی داشتم از تو
به جز رنج و غم و دردم نبودی
زچشمم خواب وازدل بردی آرام
دیگر از بود نت ماراچه سودی
دراول مهر لیلا داد ی بر من
در آخر (فیضی)رامجنون نمودی

(زړه سواند)

دزړه بلبل

ستاد زلفو هر یو تار لکه سنبل دی
ورته سرمی په نغمو دزړه بلبل دی
را کوی مبارکی د آسمان ستوری
چی لید لی می داستاد رخسار گل دی
تلوسی زما دوصل پـکی زانـگی
چی خور کری تاپه مخ باندی کاکل دی
داچی سری وینی می خاخی نه بدن نـه
سوری شوی په هجران زما گوگل دی
چی سپوږمی ته شومه خیر په دواړو سترگو
ستاښایست ورباندی پو رته یوپه سل دی
د(زړه سواند) خیری گریوان ته حیران گوری
نه پوهیژم چی پردی او که می خپل دی

پدران ومادران بگذارید فرزندانتان خود زندگی کنند

نقشی راکه امروز خانواده درحیات اجتماعی دارد خیلی ها ارزشمند و با اهمیت است • از این رو روابط خانواده باید طوری عیار باشد که اعضای آن بدرستی و بخوبی‌بتوانند زندگی را دنبال نمایند . متاسفانه در بعضی از خانواده های ما روابط طوری است که به مشکل می توان درآن زندگی کرد و همین اختناق در روابط خانوادگی است که‌بسیاری از اعضای خانواده را گریزان از خا نواده می سازد .

مثلا جوانی با صد ها آرزو میل میکند برای‌خویش زندگی تازهٔ بسازد وشریکی برای این زندگی تازه بیابد . وقتی بعد از تعمق و تلاش زیاد بالاخره مو فق میشود که شریکی برای زندگیش بیابد ، ویا با هزار آرزو بخاطر زندگی ایده‌آل اقدام به ازدواج میکند و زمانی که عروس به خانهٔخود می آورد بعد از چند روز یا چند هفته متوجه میشود که پدر، مادر ، خواهر ودیگراعضای خانواده با همسرش بنای مخالفت و بد رویی را می گذارند . این وضع برای جوانی که می خواست زندگی آرام و ایده آلی داشته باشد سخت گران می نماید واین امر باعث میشود که او زود از این زندگی‌خسته گردد. پس چه باید کرد، و راه نجات از این‌وضع چیست ؟

به عقیدهٔ بسیاری از صاحب‌نظران‌اینست

که اگر امکان این باشد واگر اقتصادخانوادگی این اجازه را بد هد که زندگی مستقلی داشته باشند بهترین راه زندگی جداگانه‌و مستقل است . واگر از نظر اقتصادی این امکان موجود نباشد ، بهترین روش این است که اعضای دیگر خانواده نباید در امور زن و شوهر مداخله نمایند ، چه اگر قرار باشد که در هر موضوعی مداخله از طرف دیگران صورت بگیردزندگی خود و دیگران را تلخ میسازند و فضای آرام خانواده را مغشوش می سازند . بگو مگوهای در بسیاری از خانواده ها بلند می شود وباعث بروز اختلافات در بین اعضای‌خانواده می گردد که همه اش از باعث عدم هم آهنگی فکری و عدم سازش در بین‌اعضای خانواده می باشد . پس‌ای خانواده های

محترم ، مخصوصا روی سخن ما به آن پدران و مادران است که سعادت و خوشی خانوادهٔ خود را می خواهند از شما تقاضا میکنیم که در امور زندگی خصوصی فرزندان تان مداخله نکنید . حد اقل بگذارید آنها خود مسوول سر نوشت خود باشند ما نمی‌گوئیم که آنها را رهنمایی نکنید ، ما نمی‌گوئیم که از همکاری با آنها دریغ نمائید . خیر منظور ما این نیست ، شما با تجربه که از زندگی دارید، بهترین رهنمایی می‌توانید برای فرزندانتان باشید ولی خواهش از شما اینست که در امور خصوصی که خاص‌مربوط به خود جوانان وزندگی‌خصوصی آنها می‌شود مداخله نکنید . آن وقت است که شما می توانید با تفاهم کامل و باخوشی زیاد در پهلوی فرزندان زندگی سعادت باری را ادامه دهید .

اقتباس از آثار «احسان طبری»

برگردانندگی یاترجمه به‌مثابه‌فن دشوار

باپیروزی انقلاب ثور بویژه مرحلهٔنوین وتکاملی آن که بر حق مرحله نجات‌انقلاب ومردم است زمینه های عینی گسترش‌انقلابی در عرصه های مختلف حیات اجتماعی‌وسیاسی منجمله در عرصه فرهنگی ونویسندگی‌بمیان آمده است که فعالیت در زمینه ترجمه آثار سیاسی واجتماعی نیز ادامه و سیعی‌کسب نموده است ، ظهور این پدیده بخودی خود کار خوب وارزشمندی محسوب میگردد .

عواملی مختلفی مانند حس کنجکاوی ، علاقه مساعدت به خوانندگان ، اشتهای‌جلوه فروشی ، هوس وانگیزه های‌نیکوبد دیگر ، مترجمان را وا می دارد تا در عرصه ای گام گذارند که گاه برای آن تدارک لازم را فاقداند.

برگردانندگی بخودی خود کار ساده‌ای نیست ، هر ترجمه خوب به دو شرط اصلی نیازمند است .

دقت وسلاست با هم به نحوی درتضاداند، سلاست در بیان ترجمه .

هرگاه ما فقط دقت را مراعات کنیم ، تحت‌اللفظی و ناسلیس بر گردانده‌ایم هرگاه تنها به دنبال سلاست برویم ، برگرده ما عاری از دقت میشود .

یافتن‌بهترین پیوند بین این‌دوقطب‌متضاد کار ساده ای نیست و به تمرین طولانی نیاز دارد .

برگرداننده باید بر زبانیکه از آن ترجمه میکندمسلط باشد باموضوع‌ترجمه آشنا باشد ، مولف را بشناسد تابتواند دقت را مراعات کند .

برگردانده باید بر زبان خود مسلط باشد معادل لازم هر واژه ای را بداند ، ترجمه خودرا با وارسی مکرر وو سواس و صیقل کاری انجام دهد ، تابتواند سلاست‌را مراعات کند .

وای از آن زمان که گرداننده زبانی راکه می‌خواهد ازان ترجمه کند ناقص و محدود می‌داند با موضوع ترجمه آشنا نیست ، مولف کتاب رانه می شناسد در زبان خود تسلطی ندارد معادل هارا در طول زمان و تمرین نیافته و در عمل خود شتابکاروسطحی است متاسفانه این قواعد بدیهی مرا عات نمی شود حتی در مواردیکه ما با متر جمان باصلاحیت رو برو هستیم ، گاه عیب‌فقدان سلاست ، ثقیل ودشوار مطالب ترجمه

کاملا به چشم می خورد یعنی ترجمه درست است ، ولی نا هموار است . زیرا زبان اصل مهر نشان خودرا در جمله نگاری واصطلاحات درزبان ترجمه باقی گذاشته‌است ومترجم جرات نکرده است، قالب بیان اصل را بشکند وآنچنان که به دقت زبانی وارد نیاید و سلاست برد کند. اشکال مهم دراین جا است که دستگاه زبانی (پشتو ـ دری) از جهت ذخیره لغوی و بافت دستوری با دستگاه زبان های اروپائی فرق زیاد دارد

البته در اثر فعالیت مترجمان در سال های اخیر نزدیکی های بسیاری حاصل شده است ولی بااین حال وضع بین دری وزبان آلمانی‌یکی‌نیست. زبانهای اروپائی تقریباًعکس برداری از هم هستند و کار مترجم نسبتا کار سهلی است • مصطلحات علمی در این زبان ها از ریشه یونانی و لاتین و لاتین مشترک است در (پشتو و دری) وضع چنین نیست و معادل یابی امری است ناگذیر وجاده آن ناکوفته و ناروفته ودرآن معضلات حل نشده فراوان ، لذا عمل مترجم الفانی آفرینش است و به قریحه و تخیل نیاز مند

گاه مترجمان ما، از بیم دور شدن از متن ویابه قصد اثبات قدرت خود در ایجادبیان

نمونه از کار سکندری که به شیوه زیبای ترسیم شده .

هنر ها ، از همان آ غاز پیدایش وروز- گاران قدیم که ساده بود و بازندگی انسان ها و طبیعت نزدیکتر ، تا امروز که گفتـــه می‌توانیم بسیار متنوع و پیچیده گـــردیده است • در بعضی مواردی از عینیات دو ری گرفته ودر واقع بیان کنندهٔ ذهنیت ا نسان عصر نو شده است . ا ما در سراسر طول تغییر و تحول خو دهمیشه از وا قعیت‌ریشه گرفته اند و گلهای که بر آورده ا ست تـــا اندازهٔ کم و بیش رنگها و عطر های خیال داشته اند .

پس درین حال گفته می توانیم که هـــنر بطور کلی، همیش پایه بر واقعیت دارد و خیال آ نرا می آ فریند و پرورش مید هد واقعیت در هر هنری بر خیال مقدم است .

در قرن ۱۹ صنعتی بنام صنعت سینمابوجود آمد که در مجموع تمام هنر ها را از ر قص وموسیقی گرفته تا نقاشی و داستان نویسی وحتی بسیاری از حرفه های دیگر را نـــیز بخدمت گماشت . ا ما داستان یار مان اساس این صنعت را که هنر هفتم نیز نا میده می- شود ، تشکیل داده و هنر های دیگر بنوبهٔ خود قرار دارند .

یك فلم سینمائی تقریبا ر مانی است که از برابر دید حقیقت ما می گذرد و آنچه را که باید در رمان با تلاش ذهن خود مجسم کنیم. باتلاش کارگردان ، هنر پیشه هـــا، سازندگان صحنه فلمبر دار و دیگر کارکنان فنی فلم به بسیار و ضاحت آ ماده و مجسم شده است .

فلم ر مانی است که آنرا ما د رمدت‌زمانی کوتاهتر می بینیم و در رمان چیز های هست که نویسنده را برای تجسم آن گاهی بایـــد چندین صفحه بنو یسد ، حال آنکه در فلـم می توانیم آ نهارا در یـك لـحظه ببینیم . پس در آ خرین تحلیل ، ارزشی که برای رمان در زندگی قایلیم در فلم یا هنر سینما چندین برابر می‌گردد .

به این مناسبت وا قعیت ها در آن بسیار روشنتر و محسوستر است .

ماتوانیم با مشاهدهٔ عینی حیات انسا نهـــا زودتر و آسانتر به داخل جریان و قایـــع زندگی اجتماعی یك جا معه گردیم . و گاهی ترك ز ندگی و شباهت آن با واقعیت، تاثیری عمیق در جای می گذارد •

بقیه درصفحه ٤٥

سینماوجوانان

مصحیح متخصص در زبان دری یا پشتـــو داشته باشد تا مداخله سه تن ، کار را از نقص های عمده نجات دهد .

میگویند ابو علی سینا بلخی یکی از آ ثار فلاسفه یو نان را در تر جمه عربیش‌چهل‌بار خواند تا از مضمو نش (باحدت ذهنی که داشت) سر انجام سر در آورد . شا یـــد این افسانه باشد ، و لی بهر جهت گو یای آن است‌که چنین ترجمه های وجود داشته‌است.

مترجمان که در این کار تمرین طولا نـی دارند، درك می کنند که گام نهادن بی پروا در این وادی ، چه اندازه گستاخی ا ست البته به قصد تمرین در نزد خود بلا ما نـع است . ولی برای عرضه داشـت به خواننده باید خودرا مسوول دانست .

مترجم باید بتواند تر جمه را چنان ا رائه دهد که از عیب های مو لف بکا هد ونه‌بران بیفزاید مترجم باید سطح فهم و روح خواننده را در پیش چشم داشتـه بـاشـد و زمـــانی جملهٔ را تر جمه کند که آنرا در تمام ابعادش درك و لمس کرده باشد می خواهیم تـرجمه کنیم ، مانعی ندارد و لی ر نج سنگین مترجم خوب‌بودن را هم بر خود هموار سازیم .

سکندری :

اصالت‌هنرمیناتوری‌باید‌حفظ‌شود

میراحمد «سکندری»

معروفترین این مکتب ها، مکتب عراقی ، ایرانی ، کشمیری ، بخارایی و هرات است. وبنده از مکتب هرات ، سبك بهزاد، پروی می نمایم •

سکندری در مورد هنر میناتوری ونقا شی رئالیزم نظر انداخته میگوید :

من عقیده دارم که هنر میناتوری نباید از اصالت خود بیرون شود نو آوری دراین‌هنر، ممکن‌است آنرا به بیراهه بکشاند . ا لبته این نظر شخصی من است شاید من اشتباه کرده باشم و لی من چنین عقیدهٔ دارم که‌هنر میناتوری را نباید با دیگر شیوه های‌نقاشی امتزاج داد .

میراحمد «سکندری» جوانی است کـه تازه راه هنر نقاشی وآنهم هنرمیناتوری قـدم گذاشته، وی که توانسته باوجود مدت ز مان کوتاه در این هنر والا و مشکل راه خود را در اندیشه ها وگفته های دارد که از زبان آنان می شنویم .

هنرمیناتوری، از جمله هنرهای ز یبا ، پرنگار و ظریف می باشد . کلمه میناتوری از فرانسوی معرب شده که ظریف وریزه‌کاری را می رساند .

این هنر تاریخ کهن در کشور ما دارد، بخاطره اوج آن در کشور ما درزمان‌تیموریان هرات است . اما این هنر بعد ها دراثـــر یورشها ، غارت گری های چنگیز یان حالـت خود را بخود گرفت ، تا اینکـــه در اثـــر تلاشی هنر دوستان و هنرمندان کشور ما راه تکامل را دو باره در پیش گرفت که‌مامی ـ توانیم از کسانی مانند استاد مشعل، همایون فرشادی و بهزاد سلجوقی که دراین‌راه زیاد زحمت کشیده اند نام ببریم .

سکندری میگوید : هنر میناتوری مکتب های مختلفی را در طول ز مان تعقیب نموده وهر یك از هنر مندان نظر به ذوق و علاقه این‌راه را انتخاب نموده اند .

معضله انرژی در آینده

درسالها ی اخیر انر ژی و نیرو همواره در روز نا مه ها ، بیا نات، گرد همایی ها ی متعدد ،کنفرا نس های ملی و بین‌المللی و مجلات مورد بحث قرار گرفته است . درمطبوعات غربی مضامین متعد دی با عناوین اخطار دهنده چون ((چه و قت‌بحران انرژی جها نی آغا ز خوا هد شد؟)) ((تشنگی امریکا به‌نفت)) ،((بدبختی تهدیدکننده)) وغیره وغیره به نشر رسیده‌است .

دلیل این همه زنگ های خطر کاملا واضح است زیرا بحرا نانر- ژی مشکل در جه یك کنو نی‌اقتصاد سرمایدار ی را تشکیل میدهد .

این یك واقعیت مسلم است که پیشر فت تمد ن با مصر ف بیشتر انرژی وتو سل از یك منبع انر ژی به منبع د یگر چون از چوب‌به‌ذغال سنگ واز ذغا ل به نفت و گا ز طبیعی ، ارتبا ط داشته است .میزان مصر ف انر ژی از یك دهه نسبت به دهۀگذ شته بیشتر گردیده‌است.

البته این ازدیاد بار شداستثمار منابع ابتدا یی محرو قا ت چو ن نفت ، گاز و ذغا ل سنگ همراه بوده است .

متخصصین معتقد اند که ذخا یر نفت وگا ز طبیعی تاپا یا ن این‌قرن به اتمام خوا هد رسید . از جا نب دیگر باوجود یکه مقدار کا فی‌ذغال سنگ وجود دارد تابتواند نیاز چند قرن آینده رابر آورده بسا زد ،مگر بنابر بعضی علل به پیمانه وسیع ازآن استفاده صورت نخواهدگرفت.

خوشبختانه بشر به یك سر حد جدید پیشر فت دست یا فته است‌و چیزیکه تا اخیر این قر ن بزرگترین منبع انر ژی خوا هد شد عبار ت‌از نیرو ی هستو ی میبا شد . بشر قبلا نیز در عصر اتم قرار داردواز انر ژی اتمی استفاده نموده است . بیشتر از یکصدو هشتاد دستگاه نیرو ی هستو ی در جها ن درحا ل فعا لیت میبا شد وبا گذشت‌زما ن دستگاه ها ی جدید نیرو ی‌هستوی تاسیس گردیده و میگردد یك دهه قبل اکثر دانشمندا ن دور نما ی بیشر فت نیرو ی هستو ی را با خوشبینی ارزیا بی مینمودند . قبلا پیش بینی گردیده بود که تاختم‌این قرن‌کشور های‌صنعتی درحدودسی‌الی پنجاه‌فیصدانرژی شانراازدستگاه‌های اتمی بدست خوا هند آورد . مگر امروز در اکثر کشور ها این پیش بینی درنتیجۀ نظر یا ت ومبا حثات بد بینانه تحت شعا ع قرار گر فته است و اقتضا ی انکشا ف نیرو ی اتمی مورد تردید صور ت گرفته است . یك مبا حثه هیجان آمیز بالای استفا ده ممکن از انرژی هستو ی آغا ز گردیده است .بنابر مبارزه بر ضد تاسیس دستگاه‌های نیرو ی هستو ی در بر خی ازکشور عا، سی و دو دانشمند بر جستۀ امریکا یی که یك بر سو م شا ن برنده جایزه نوبل ، اند یك یاد - داشت رادر ماه مار چ ۱۹۷۵به‌نشر سپردند ودر آن خواستا ر گردیدند که انرژی هستو ی نبا ید عو ض گردد . این را نبا ید فرا مو ش‌کرد چیز یکه انر ژی هستو ی را وارد صحنه ساخت شرا یط وحا لا ت تراژید بود که در نظر اکثر ی بایك حس تر س و هیجا ن از ین‌منبع انرژی بروز نموده .

این‌نوع انر ژی جدید برا ی‌نخستین بار با انفجار دو بمب اتمی برا ی جهانیان پیش کش گردیده وبخا طر همین دلیل بودکه این نو ع انر ژی جدید ، به عو ض لذت امید وار ی یك احسا س تر س ونا امید ی‌را ایجاد نمود . برا ی مد ت سا ل ها اکثر مردم شا هد استعما ل انرژی اتمی برا ی مقا صد نظا می بوده‌اند پیشرفت تو لید نیرو ی ذرو ی توسعه ورشد قدر ت محصو لا ت دستگاه ها ی نیرو ی ذرو ی بیا نگر توقع در استعما ل انر ژی هستوی ودور نما ی آن میبا شد . مگر هنوز شك وتر س افکار بسیار ی هارا تحت تاثیر قرار داده وبر خی‌هاحتی این ترس را پرورش میدهند. چه کسا نی می کوشند استعما ل‌صلح آمیز انر ژی هستو ی را تحت‌تاثیر قرار داده و آنرا بی اعتبارسازند؟

این ها مهمتر از همه انحصارات نفتی اند که با مواد سو خت‌عضوی سرو کار دارند . این انحصارا ت با داشتن مواد سو خت عضو ی (درقدم اول نفت) درتحت کنترول شان سود فراوا ن بدست میا ورند آنها ادعا می کنند که موجودیت‌یك دستگاه نیرو ی هستو ی در یك منطقه نه تنها برا ی آنا نیکه‌درآن کار می کنند بلکه برا ی تما م مردمانیکه‌درآن‌منطقه زیست میکنند یك تهدید بزرگ شمرده شده ویك منبع مهلك انتشا را ت را دیو اکتیف محیطی به شمار می رود . برای مطبو عا ت غر بی عادیست‌که یك نقص جز یی دستگاه نیرو ی هستو ی رابه حیث یك مصیبت بزرگ به منظور تشدید تر س و بدگما نی در میا ن جها نیا ن تبارز دهند . چنانچه درسا ل ۱۹۷۹ به حادثه دستگاه نیرو ی هستو ی امریکا در (هر یس بر گ) تو جه زیاد معطو ف گردید .

رئیس اکاد می ساینس اتح شورو ی ای . الکسا ندرو ف ب ارتبا ط حادثۀ (هر یس برگ)اظ داشت که مطالب مطبوعا ت غر در مورد حادثه ریکتور هستوی‌م یس برگ که خیلی ها جز یی بز مبالغه آمیز میباشد واین به‌خا تشدید مبارزه بر ضد نیرو ی‌هستو است .

البته که انکشا ف نیرو ی‌هستو مسئله جلو گیر ی از کثیف شد محیط را توسط مواد رادیو اکتیب بوجود میاورد . نگرا نی عا مه مورد این مشکل قابل فهم است درعین زما ن تجار ب بیست و سا له‌اتحادشوروی‌درعملیات دست های نیرو ی هستو ی نشا ن میده که این امکا ن وجود دارد تاشر بی خطر را در آنها توسط استع بر خی از تکنا لو جی ایجاد نمو باید متذکر شد که اندازه حادث درین دستگاه ها نسبت به‌صنایع مدرن کمتر است . از جانب د یك مطالعۀ این حادثات واضحا داده است که علت اسا سی وتو این حادثات بنا بر تخلف ازتدا محافظو ی ویا دسا تیربی‌خطری تکنا لو جی بوده است . یك گر از دانشمندا ن وجود دارد که س اند که مواد سو خت عضوی‌به‌ان کافی وجود ندارد تا تقاضا ی انر بشر را در آینده بر آورده سا ز بر خی از ین دانشمندا ن براست از انر ژی آفتا ب تا کید می نم به عقیده آنها این انر ژ ی در دهه آینده سهم خو بی راد آورده ساختن تقا ضای انر ژ ی خواهد داشت .

یکتعداد دانشمندا ن دیگر ستار تمر کز داد ن تلاش ها جهت استفاده از انر ژی جیو ی می باشند .

بقیه درصفحه ۳۷

بقیه صفحه ۹

انقلاب کبیر...

به طور کلی قدر ت به شوراها، ین به دهقانا ن ، صلح بـــرا ی دم !

شا م ۲۵ اکتوبر هنگا میکه هنوز ها از خار ج وداخل‌قصرزمستانی وش میرسید ، دو مین جلســـهٔ ینـدگا ن شورا ها ی کار گرا ن ربازا ن درسالو ن‌بزرگ‌سمولنی ایش یافت .نما یندگان زحمـت ـا ن از سراسر کشور ، ازشهر و قصبا ت و همچنا ن از جبهات آمدند و خیلی هیجا نی و مملو از سا سا ت بودند . زما نیکه‌به‌آنها ه می شد که حکو مت مو قـــت و ط نموده است شور و هلهله میدادند کا نگرس حکو مـــت را ها ــ قدر ت کار گرا ن ودهقا قانا ن را اعـلام داشت .

به همین ترتیب در سا عت نه ــ ب بیست‌و شش اکتو بر کانگرس مین جلسه خودرا بر گزار کـرد ین در میا ن مو جی از شوروهلهله ستقبا ل شا ملین جلسه بیانیه‌اش ایراد کرد مرد م کـــلا ه‌ها ی‌شان بالاپر تا ب می کردند وبا لا ی لکین ها وچوکی ها می بر آمد ند لنین را ببینند .

او راجع به صلح گپ مـــی زد یز یکه پر ار زش تر ین پد یده ای مرد م بود وبرا ی مد ت سه ال طو لانی ودشوار انتظا رآنرا کشیدند . فقط همین دو لت‌جدید نی دو لت کار گرا ن و دهقانا ن د که در اولین روز ها ی‌گرفتن ر ت خواست تا صلح رابر قرار سازد بنا ء کانگر س فر ما ن‌صلح تصویب کرد .

بعدا لنین فر ما ن مربو ط به‌زمین اعلام کرد که به مو جب آن‌زمین های ملاکا ن تزار و کلیسا به حیث لکیت دولت شورا ها شنا خته‌شده به دهقانا ن تعلق می گرفت .

در پایان دو مین کانگر س نما ـ ندگا ن او لین حکو مت شورا هارا که در راس آن لنین قرار دا شـت انتخا ب نمودند . بزود ی قدر ت شورا ها در سراسر کشور تحکیم یافت . مگر حکو مت جدید شوراها در شرو ع کار خود به مشکـــلات فراوا نی مواجه بود . در کشـــور هنوز هر ج‌ومر ج وبی نظمی وجـود داشت بسیار ی فابریکا ت وراه‌های آهن کار را توقف داده بودند نـان بقدر کفا ف پیدا نمی شد .

سرمایه دارا ن فابریکا ت شانرا بستند ماشین ها ی آنرا منهد م و پول واشیا ی‌لو کس وارداتـــی را احتکار نمودند . اکثر ما مور ین نمی خواستند که برا ی دو لت جد ید کار کنند بورژوا ها وبورو کرا ت ها چنین می اندیشید ند که‌بـرای دولت شورا ها ممکن نیست تاچنین کشور پهناور را بدو ن مو جود یت کادر ها وپرسونل تحصیلکرده اداره کنند آنها سخت در اشتباه بودند.

لنین به طبقهٔ کار گر می گفت‌که حالا وظیفهٔ آنها است که دو لت‌را اداره کنند . به تدریج کار گرا ن دریا نور دا ن وسر بازا ن ادار ه امور را در دفا تر ، راه ها ی آهن ، پست وتیلگرا ف و تیلفو ن بد ست گرفتند وکار را سر از نو آغـــا ز کردند ، حکو مت شورا ها فرا مین دیگر ی رابه تصو یب رسا نید که به موجب آن فا بریکا ت‌بانك ها ، راه ها ی آهن و معاد ن در تـــحت کنترو ل دو لت قرار گرفت . کار ـ گران در فابریکا ت و دستگاه هابه حیث مینیجر ها ی جدید به کا ر آغاز کردند .

حزب بلشویك ، کار گرا ن ،سر بازا ن و دریا ییا ن رابه اطـرا ف کشور به کمك دهقانا ن فر ستاد تاآنها بتوانند زمین را از مـلاکان بزرگ بگیر ند .

دولت شوروی ستم ملی‌را از بین برده وهمهٔ مرد م که در شوروی زندگی می کردند از حقو ق مسا وی بر خور دار گردیدند . همهٔ قدر ت ودارایی ها اکنو ن در دست زحمت کشان قرار گرفته بود . کار گرا ن ودهقانان به اداره دولت‌واعمار یك زند گی نوین شرو ع به‌کارنمودند وآرما ن ها ی دیر ینه مردم‌زحمتکش بالاخره تحقق یافت .

انقلاب کبیر سوسیالستی‌اکتوبر نخستین انقلاب در جها ن بود که طی آن کار گرا ن و دهقانا ن بقدرت رسیدند و منبع الها م بخش برا ی همهٔ کار گرا ن جها ن در جهـــت رسید ن به یك زند گی مر فـــه و آبرو مند گردید .

بقیه صفحه ۲۶

زنان پیروز می‌شوند

سنگر گر م و آتش زا ی مبا رزه‌با امپریا لیز م که در راس امپریالیزم امریکا شو نیز م عظمت طلـــــب چین و گروه وابسته به آن و عما ل ارتجا ع سهم بگیر ند .

مایقین داریم واین را تاریخ به ما میا مو زاند که حق بربا طل غا لب وفایق است و آنجا که آهو رامزدا نیك پندار ی و نیك کر دار ی ونیك گفتار ی در برابر اهر یمن فشا رو آلود گی قرار می گیرد آن را بـــه نیستی میکشد و خود در قله‌شامخ پـیروزی و افتخار مـی ا یستـد شما خوا هران و همر زمان ! در این سه‌سال‌وچندماه چقدررنجبرده‌و شما مادرا ن هم میهن من در ایـن مدت چند فر زند تا ن را در قربا ن‌ـ گاههای دژخیمان ازدست داده‌اید.

شما که قلب های تان جراحت دارد وچون لاله‌ها ، داغ هایش‌غیر قابل التیا م است با ما بیا یید ، بگذارید جبهه ملی پدر وطن همه از شیفته گان راه آزاد ی را همه عشق ورزان به صلح وکرامت انسانـی‌را و همه دوستدارا ن این آب وخا ك ومیهن را یکجا گرد آورد ازنیروی آنها مشت آهنینی سا زد که پیکر ضد انقلاب را از هم بپاشدو دیگر کسی در کشور ما دشمن آزاد ی‌ما وصلح‌وبرابر ی و برادر ی مانباشد.

ازشما زنا ن ودخترا ن قهر مان از شما مادرا ن و خوا هرا ن رنـج کشیده دعو ت میشود در این‌مبارزه برحق وبرا ی پیروز ی حق برباطل باما یکجا شوید یکجا بر زمیـد ، یکجا بکشید ویکجا کشته شوید .

این راه راه انسا ن آزاده یی‌است که از نا موس و شر ف خود دفا ع میکند .

اینك هزارا ن دختر جـوا ن در صفوف فشرده یك از تش مجـهز انتظار شما را دارد تا راه را به‌سوی پیشرو ی شریفا نه با ز کنید راهی که به سو ی اعتلا وپیشر فت‌ورفاه وآسوده حالی کشیده میشود وراهی که دیگر هر گز در چشم انداز آن فقر را نمی بینید ، گرسنگی رانمی بینید ، بیسوادی و جهل را نمـــی بینید واز همه مهم تر جا معه یی‌را نمی بینید که نیم آن گر گ ها ی استثمار گر باشند و نیم دیگر بره های استثمار شده ما به سو ی‌کار کار خـلاق وآموز نده وبه سو ی روشنی پیش میرو یم و شب را و شب روا ن تاریکی ساز تاریکـــی دوست را هر گز در این رهرو ی مقد س درکنار خودپذیرانمیباشیم.

بگذار صدا ی همه ما درا ن‌کشور ما و همه زنا ن کشور ما در یـــك فریادجمع شود واین فریاد ـ فریاد عصیان میلیو ن ها زن و مادر در کنار میلیون ها برادر خود چنـان غوغا ی رادر دل دشمن ایجاد کنند که دیگر هر گز در فکر ایجاد تفرقه وسالار منشی و دزد ی وچپاو ل‌ـ سر مایه ها ی کار دیگرا ن نباشد .

این است پیا م ما ــ پیام دوران ماپیا م راستین و والای انسا نی زمان ما، که بتو ما د ر بـتو زن اعلام میداریم ــ فریاد خود رابا این فریاد بیا میزیم ودست خود رابرای دوستی و اتحاد دراز کنیم تاوحدت من وتو شکست دشمن من و تـــو باشد .

بقیه صفحه ۲۹

فدراسیون...

حق استفاده از شبکه های‌خدمات اجتماعی به طور دوا مدار وبی‌امان برزمند .

قطعنامه در باره پرا بلم هـا ی کودکا ن جا ی محور ی را درجمع اسناد کنگره دارا می باشد .

اجتما ع کنندگان او لین کنگـره جها نی زنا ن تعهد سپردند تا به خاطر ایجاد فضا ی مسا عد جهـت رشد همه جانبه اطفا ل ، دمو کرا ـ تیزه ساختن سیستم آمو زشی،تامین امکا ن تحصیلات مجا نی در تما م کشور ها رشد وانکشا ف تحصیلات

بقیه درصفحه ۵۵

عده از کار کنا ن طبی در حا لمعاینه چشم یك مریض جهت کشف علایم فقدا ن ویتا مین (آ) دیده می‌شوند .

ازمجله ور لد هیلت — ترجمهٔ حیدر خانیوال

آیامیدانید که چرا

سالانه بیش از صد هزار طفل مصاب کور ی مطلق وعلاج ناپذیر میشوند؟

چند هزار سا ل قبل از امـــروز یعنی در حدود یکهزار و ششصـــد سال قبل از میلاد اطباء مصـــر ی برای مریضا ن مصا ب برشب‌کوری خوردن جگر تو صیه مینمو دند .. بکما ن اغلب سلسو س طبیب‌رومی نه بین سا لها ی بیست وپنج قبل از میلاد وپنجاه میلادی میز یسـت

او لین کسی بود که اصطلاح‌زیر وفتالمی را که در یو نا نی چشـم خشك معنی مید هد استعما ل‌نمود. اثر معالجو ی خورد ن جگر دررفع شب کور ی وزیر و فتالمی‌ازمدتها قبل در طب چینا یی شناخته شده بود. امروز ما همه میدانیم که جگر یك منبع غنی ویتا مین (آ) است و فقدان دوامدار این ویتا مین بالاخره باعث کور ی مطلق وعلاج‌ناپذ یر ی «بالخا صه نزد اطفال» میشود . در بسیار ی نقاط جهان داخل بسـتر شد ن مریض از با عث سوء تغذی عمل بس عاد ی پندا شته میشود ولی اگر موظفین شفا خانه خود به چشما ن اطفا ل که بستر میشوند توجه ننما یند ممکن خود اطفـــال هیچ شکا یتی از عد م دید شا ن‌ویا اینکه شب کور ی دارند ننما یندو ممکن مریضا ن جوا ن چشما ن‌خود را بسته بگیر ند و گمان رود که‌از روشنی هرا س دارند و بدینترتیب یك عرض عمده سو تغذی که‌عواقب خطر ناکی را در قبا ل خوا هدداشت از نظر شا ن پو شیده خوا هد ماند. وهمین مرض عد م کفا یو ی است که عامل بس عمده کور ی ایـــا م طفلی جها ن مارا تشکیل مید هد. چنانچه سا لانه در حدود یکصـــد هزار طفل در جها ن حس‌بینایـی شان را به صور ت مطلق از اثـــر این مرض از دست مید هـــند . و میلیو نها طفل دیگر به‌کم بینـــی قسمی مصا ب میشو ند . آیا چقدر غم انگیز خواهد بود تا تمـــا م عمر خودرا در تاریکی مطلق سپری کرد. در حالیکه طرز وقا یه مرضیکه باعث این کور ی میشود خیلی‌هـا ساده است طور یکه گر فتن فقـــط دوکپسو ل نارنجی ویتا مین (آ) در یك سا ل که کمتر از پانزده سنت امریکا یی ارزش پولی دارد میتواند به بسیار خوبی یك طفل را ازمصاب شدن به کور ی حفا ظت کنـــد . ویتامین (آ) جزء غذا بوده وبر ا ی صحت وسلامت انسا ن و حیوانا ت ضرور ی پندا شته میشود . مادا‌ـ میکه برای حیوانا ت تجربو ی برای مدت مدید ی غذا های فا قد ویتامی (آ) داده شود یکعده مریضی هایی قبیل باختن اشتها وبا ختن وز ن تخریبات وسیع وشدید مادی‌درچش تناقص ها بروز مینما ید و قتیک مرض هنوز هم پیشرفت نمود جوز معده سوء تشکل نموده ، تشوشا عصبی به مریض پیدا شده وبدنبا آن اولا شب کور ی‌وبالاخره کور ی مطلق پیدا میشود مقاو مت عضوی در مقابل انتانا ت خیلی تنا قص نموده پروسه تر میمی عضو یـــ توقف کرده وعا قبت مر گ فـ میرسد .

سوء تشکلات ولادی ، اطفالیک باوز ن کم بدنیا میا یند ، تا خـــ انکشا ف جسمی و مستعد بود ن مصا ب گردید ن به امرا ض انتانی همه و همه در فقدا ن این و یتامی نقش مهم دارند . فکتور های‌عمومی مانند فقر ، بیسواد ی ، شرا یـــ نامساعد زیست وفامیلها ی بزرگ میتوا نند در تفکیك اطفا ل معروض به خطر مثمر واقع شو ند .

در انسانها بالاخص نزد اطفا فقدا ن ویتامین (آ) اغـــلبا با لا چشمان خارجاوداخـــلا اثرات سو نموده که بالترتیب به اشکا ل شـ کور ی‌وزیر وفتالمی عر ض و جر مینمایند .

در مراحل او لی مر ض با یـــ شب کور ی آغاز میگردد که اطفا معمو لا ازینکه بعد از غرو ب‌افتاب چیزی رانمی بینند شا کی میباشـ وبمرور زما ن زیر و فتا لمی(خشکی چشم) نزدشا ن ظهور مینما ید .اگر باز هم در جهت تداوی مر ض‌اقدا نشود مر ض سیر خود را دنبـــا نموده طوریکه طبقه قر نیه خود با خود نرم شده قر حا ت قرنی بروز آن اشکار میگردد ودر نتیجه مریض به یك کور ی تا م که غیر قابـــل معالجه میباشد مصا ب میشـــود فقدان ویتامین (آ) که معمو لا باسو تغذی یکجا دیده میشود با امراض متناو ب عفو نی و نقص میکا نیز دفاعی معافیتی عضو یت رابطـــ قریب میداشته باشد .

زیر وفتا لمی در کشور هـــا ی پرنفوس آسیا ی شر قی وجنو بی وهمچنا ن در بعضی از قسمت های افریقا ، شرقمیا نه حوزه کارابین وامریکا ی لاتین یکی از عوا مـــل معمو لی کور ی نزد کـــودکا ن و اطفالیکـه کمتر از هفت سال عمر دارند بشمار می‌رود درحدود بیست

یك داکتر به یك طفـل‌کپسو ل‌ویتامین(آ) داده وبه او هدا یت‌می دهد تا آنرا بلع نماید .

طفلی رامی بینید که از اثر فقدان‌ویتا مین چشما نش را بکلـــی از ست داده است .

رصد مریضانیکه به زیر وفتا لمی ید مصاب می شو ند به کوری طلق و در حدود پنجا وپنج در صد نهـــا بـه کو ر ی قسمی مصا ب ده وفقط بیست در صد آنها بعد ز تداوی حس بینا یی کامل می ـ ائته باشند .

اعراض حا صله از اثر فقـدا ن یتامین (آ) بعد از معا لجه‌مناسب شکل درا ماتیك کسب صلاح‌می‌ـ ابد (مگرآنکه کوری مطلق از اثر خریبا ت وسیع مادی در کره عین ر صحنه حاکم نگردیده باشد .)

اینرا هم با ید خا طر نشا ن‌نمود ه سازما ن صحی جها ن فعا لیت ی گسترده یی در زمینه جلوگیری ز وقو ع فقدان ویتا مین (آ) را در راسر قارهٔ آسیا وامریکا ی لاتین ر ی دست گرفته است . شا ید والی به ذهن تان خطور کند که یا چگونه میتوا ن ویا با صر ف دام نو ع غذا ها میتوا ن ازبرو ز قدان‌ویتامین (آ) جلوگیر ی‌نمود ؟

سانها ویتا مین (آ) مورد نیـــا ز شان را از غذا بدوشکل (شکـــل یتامین) (آ) خالص (اتینو ل) و به شکـل پرو ویتامین (آ) یعنی کار و نو ید ها میگیر ند . کـــه کار و نو ید ها فقط بعداز جذب درجدار ها یی به ویتامین فعال مبد ل مـی شوند . از جمله دو منبع اسا سی ویتا مین (آ) جگر حیوا نات‌بالخاصه روغن جگر ما هی غنی‌تر ین منبـع ویتامین (آ) خالص میباشد .سبز‌ـ یجاتی که دارای بر گهـا ی سبـز تیره اند ، زرد ك ورو غن خر ما ی سر خ از منابع غنی کار و تینو یدها (منبع اساسی دیگر ویتامین (آ) می باشند . برخلاف پرنج‌که غـــذا ی اساسی بسیار ی مردمان جهان را تشکیل مید هد عار ی از کار وتین میباشد پس خطرا ت بیشتر فقدان ویتامین(آ) متو جه اطفا لی است‌که قسمت اعظم غذای شان را بر نـج تشکیل داده و هم ازینکه والدین شان بیسواد اند در غذا ی روز مره شان منابع غنی ویتامین (آ) چندا ن شامل نمیباشد .

در حا ل عاد ی ویتا مین(آ) در کبد انسا ن ذخیره شده‌اماچو ن‌کبد اطفال قادر به ذخیره نمودن مقادیر محدود این ویتا مین میبا شد لـذا کوچکترین وقفه در اخذ آن یا تغیری درطرز تغذی ، التها ب معد ی‌معایی ویا تسریع تشو ونمای طبیعی باعث به‌مصرف رسیدن ذخیره ویتا مین (آ) کبد شده و بدینتر تیب با عـث تغیرات در طبقه قر نیه چشم کـــه قبلا سالم بوده میشود . اینرا هـم باید خاطر نشا ن نمود که شیرمادر کپسو ل ها ی این ویتا مین به‌اطفال (بالخاصه در کشور ها ی رو به انکشا ف) بسو یه ملی درمعر ض اجراء قرار داده شود طور یکه‌همین اکنو ن در بسیار ی کشور هـا ی جهان در تحت تطبیق قرار دارد .

دوم : تما می وسا یل ارتبـــاط جمعی از قبیل رادیو ، تلو یزیون، روزنامه ها و حتی جراید مجـــلات باید راجع به اهمیت تطبیق‌پروگرام فو ق الذکر مطالب مفید و ارزنده جمع آور ی نموده و پخش نمایند.

سوم : منابع غنی ویتا میـــن (آ) اضرار صر ف غذا ها ی فا قداین ویتامین به مرد م تفهیم شود که‌این کار رابا ید مقا ما ت صحت‌عامـــه‌با پخش پوستر ها وپا مفلیت هاانجام دهند .

بقیه صفحه ۳٤

معضله‌انرژی

میباشند و بر حفر زمین تابه عمق بیشتر از ده کیلو متر برا ی‌استفاده از حرار ت داخلی زمین تا کید می کنند .در حالیکه بر خی دیـــگر از دانشمندا ن بدو ن اینکه به کدا م منبع انر ژی خا صی تا کید نمایند معتقد هستند که استفاده از هر نوع منبع جد ید انر ژ ی چو ن‌باد و قدر ت مد و جذر ضرور یست.

در یکی از اسنادیکه به کنفرانس بین المللی در مورد نیرو ی‌هستوی که در سا لز برگ در سا ل۱۹۷۷ دایر گردیده بود تسلیم‌گردیدواضحا درج گردیده بود که :

((اگر انر ژی هستوی کشف‌نمی گردید گو یی ما زند گی کرده‌نمی توانستم . این انر ژی یکی ازاجزای مهم عصر تکنا لوجی ماست و بنا ء برآن هر مبارزه بر ضد انکشا ف و استعما ل آن دربعضی‌حالات‌مخصوص باید با این حقیقت در نظر گرفته شود .))

صنعت نیروی ذروی هنوز هـم یك سلسله مشکلات لاینحل رادارا است . چنانچه کار دا نی ضایعات رادیو اکتیف یکی از مهمتر ین و پیچیده ترین این مشکلات است . در گذشته امریکا ، انگلستا ن و فرانسه ضایعا ت رادیو اکتیف رادر اعما ق ابحار انتقا ل میدادند . یك سلسله تحقیقا ت نشا ن داده کـه مواد رادیو اکتیف تو سط فلوراو فوتا در بحر جذب و ذخیره میگردد. از طریق یك زنجیر بیولو ژ یکی این مواد رادیو اکتیف دیر یا زود به ارگا نیز م بحر ی مبد ل میگردد که به حیث غذا برای انسا ن از آن میتوا ن استفاده کرد . یك‌راه‌بزرگ انکشاف انر ژی در آینده عبار ت از آموختن تولید انر ژ ی‌هستو ی توسط ترکیب هسته سبك یورانیوم یا پلا تونیم میباشد . کشور ها ی که دارا ی نیرو ی ذرو ی هستند تلاش می‌ورزند تا ازین منبع انرژی به مقا صد صلح آمیز و به نفع‌بشر‌ـ یت استفاده نمایند .

در زمانه ی ما از همه وقت بیشتر نیازبه صلح است ، چون نیروهای جنگ افروز غاصب وسبطره جوکه می‌خواهند با نابودی وتباهی دیگر کشور ها تسلط اهریمن خویش را همچنان حفظ کنند ، به وحشت خود افزوده اند می‌خواهند آرامش رادر سیاره ما نابود نمایند ، فضایی ازجنگ ، دودوباروت پدید آورند، چون اصل احمقانه به‌سودشان است .

بازرگانان کالای‌انسانی‌به‌آنچه می‌اندیشند سود است ، برای‌اسلحه‌ی‌لعنتی ایکه تولید کرده‌اند بازار می‌جویند • باری وقتی در گوشه ای‌از جهان آتش جنگ در گیرد، نخستین کسانی که از آن بهره برند ، امپریالیست هاو جنگ افروزان اند •

جنگ های غارتگرانه • تخریبی وانسان کش فقط به سود آنهایی است که می‌خواهند وروشنگری ، گوران دانش و پیروزی نام یافته است ، از قوه به فعل درمی‌آید ،از تئوری در عمل پیاده می‌شود ، دیگر خلق های عذاب دیده و زحمتکش جهان‌که‌سال های سال در اسارت کشورهای‌استعماری و امپریالیستی قرار داشته اند در آسیا ، افریقا امریکای‌لاتین ودر سراسر سیاره ما بیدار شده‌اند، به پا بر خاسته‌اند •آهنگ آزادی وهمبستگی می‌سرایند ، کاخ های کذایی سرمایه و ثروت پول ووحشت را فرومی ریزندو برو یرانه های های آن دنیایی از آزادی وراستی ، دوستی وبرادری بیادمی نهند •

سازمان صلح و همبستگی خلق های‌آسیا وافریقا از نخستین روز پیدایی آن تا اکنون که‌با موفقیت کم نظیروچشمگیر دهمین‌کنفرانس خویش رادر کابل برگزار می نمایند باقاطعیتی نستان دیگر می‌تواند با قاطعیتی تمام از خویشتن دفاع کند • واین گفته ای‌است دراوج گویایی «هر انقلابی آن وقت ارزش دارد که بتواند از خود دفاع کند» باری دیگر انقلاب افغانستان ازخوددفاع می‌کند مردم، توده ها، برای دفاع از آن برخاسته اند تفنگ بردوش گرفته اند . اکنون ازکودك هفت ساله گرفته که در سازمان پیش آهنگان نام نوشته تا پیرمرد هفتاد ساله که‌به گروههای مقاومت پیوسته تاسپاه رزمنده‌ی انقلاب وسربازان کار نمه آفرین از انقلاب ودست آوردهای ازین آن باشهامت ، قاطعیت و مردانگی دفاع می‌نمایند و بدنیسان ناست که انقلاب مـــا ارزش ملی وبین المللی یافته است• اکنون دوستان افغا نستان انقلابی در سراسر جهان پراگنده اند • مبارزات آگاهانه ی مردم مارا

ادامه می‌دهند • **کنفرانس شکوهمند سازم**

صلح و همبستگی خلق های آسیا و افریق

در کابل می‌تواند دعوتی باشد به سوی پیکا
بیشتر با ضد انقلاب افغا نستان که دیگر

واپسین نفس های خودرا می کشد وهر روز
که در می‌گذرد مواضع اهریمنی وسبگرا
نامقدس آن به وسیله ی مبارز ان آگاه افغ

نستان از سر بازان قوای مسلح گرفته
تا خارندوی ، سپاهیان انقلاب ومردم در

شکسته میشود ، آنچه می‌تواند ضامن سعاد
انسان و خلق های سراسر جهان باشد

صلح ، همبستگی و دوستی‌است امپریالیس

ها، هژمونیست هاودر مجموع آن هایی ک
در نقطه‌ی مخالف انسانیت ایستاده اند
نمی خواهند اصل صلح، همزیستی مسالمت

ققنوس

دهمین کنفرانس سازمان صلح و همبستگی خلق های آسیا، افریقا در کابل

اگر با بهای نابودی نیمی از بشریت هم‌شده است قدرت اهریمنانه وکذایی خویش راحفظ نمایند • اما این کوشش هایی است بیهوده دست ویازدن هایی است در سمت خلاف جریان آب • این راه پیمایی کنگ وشناوری ناشیانه هرگز وهیچگاه‌نمی‌تواند به جایی برسد دیگر خلق های آسیا ، افریقا ، امریکای‌لاتین وسراسر جهان بیدار شده‌اند • از صلح ، همبستگی و دوستی مانند مردمك دیده‌ی‌خویش پاسداری می‌کنند •

دوران مادو ران رستا خیز ملت ها ،دوران باروری ، او ج گیری و نفح اندیشه های مترقی وپیشرواست•برخلاف توطئه ها ،تخریب های هستریك وجنون آمیز امپریالیسم واستعمار هژمونیسم و فاشیسم این اندیشه های پیشرو و مترقی است که در رو ز گار ماکه عصرخرد سرسخت از داعیه‌ی صلح، دوستی‌وهمبستگی در آسیا- افریقا وسراسر جهان دفاع کرده است ، در هر گوشه ای که‌امپریالیست هاو وجنگ افروز ان آتش جنگ افروخته انداز طرف این سازمان انسانی اعتراض هایی شده است ، سازمان صلح و همبستگی خلق های آسیا ـ افریقا کلیه جنبش های ملی، آزادی بخش را درسطح ملی و بین المللی مورد حمایت وپشتیبانی بی دریغ قرارداده است، مبارزه‌ی مردم ویتنام کمبودیا ، لاوس فلسطین و افغا نستان از نخستین روز تاسیس تا اکنون مورد حمایت بی دریغ قرار داده است •

گشایش دهمین کنفرانس سازمان صلـــح و همبستگی خلق های آسیا و افریقا درکابل در هنگامی صورت می‌پذیرد که انقلاب افغا ـ می‌ستایند که درفش پیکار بی تامرز پیروزی برزمین گذ اشتند ، اکنون همه‌ی بشریت مترقی از انقلاب و مردم افغا نستان دفاع می‌نمایند و گشایش دهمین‌برزدیوم کنفرانس سازمان صلح ، همبستگی خلق های آسیاو افریقا دلیلی روشن است براین ادعا ،باری این کنفرانس در کابل در فرصتی بر گزار می‌گردد که دیگر انقلاب رهایی بخش پایگاهی توده ای یافته است به پیروزی ها وموفقیت های درخشانی نایل آمده است. دیگرکلیه زحمتکشان آن گونه که آرمان انقلاب را به پیروزی رسانیده اندازموقعیت آن هم باریختن خون های سرخ شان دفاع می‌کنند وبه نبرد قدس وعادلانه‌ی شان با ضد انقـلاب افغانستان که جنگی اعلام ناشده ای را علیه افغا نستان افتخار آفرین وانقلابی به راه انداخته اند، آمیز و دوستی در میان خلق ها اشاعه یاب
چون این به سود شان‌نیست‌وچرخ های‌کارخا
های لعنتی اسلحه سازی شان ازحرکت باز

می‌ایستد •

اما تجربه و تاریخ شان داده است که پ
خلاف همه تلاش ها ، کوشش ها و تقـلا ها
دشمان انسان کی می خواهند باساختن ا
استعمان بمب های نیوترونی تباهی بشری
را فراهم آورند ، تناسب قوا درسطح جها
به سودنیرو های صلح، آزادی وترقی اجتما
در تغیر است • دیگر خلق ها در سراس
جهان بیدار شده‌اند ، آهنگ صلح ، آزاد
و همبستگی را هر چه رساتر می‌سرایند ا
کلیه آرمان های سیاه امپریالیسم با خا
یکسان می شود •

اثر غلام علی «امید»

پیر زنی دختر طناز داشت
ماهوشی فتنه و غماز داشت
ماه صفت شهرهٔ آفاق بود
صورت او بین عمه طاق بود
مهر خجل ا ز رخ زیبای وی
سرو چمن محو تماشای وی
دیدهٔ نر کس عمه حیران او
غنچه خجل از لب خندان او
مسکن شان بود بیك روستا
داشت هوای خوش آب صفا
گشت جوانی بجمالش اسیر
از مژه اش بر دل او خوردتیر
گفت به مادر که بکن چاره ام
طالب دو شیزه مهپاره ام
من شده ام عاشق و شیدای او
شیفتهٔ نرگس شهلای او
گشت هویدا به پدر زاریش
مادر وی کرد طلبگاری اش
چند تن ا ز جملهٔ اقوام خویش
ساخت عمه تا صدپیغام خویش

آنهمه رفتند سوی منزل اش
تا کنه بسازند بخود مایلش
بین دو جانب سخن آغازشد
ساز خوشی زمزمه پرداز شد
هفتهٔ نو نامزدی سر گرفت
منزل شان رونق بهتر گرفت
چون دل دو شیزه‌بخود رام ساخت
قلب پسر از طپش آرام ساخت
لیك شنو از ستم روزگار ؟
چون نگذارد بدل کس قرار
کی بگذارد فلك کینه جو

عاشق و معشوق بهم رو برو
سیر ندیده رخ آن سیمبر
گشت پسر عازم سیر و سفر
او به سفر از پی تحصیل رفت
دیر نیائید و به تعجیل رفت
نامزدش خسته و بیمار شد
با غم و اندوه گرفتار شد
طالع بیچاره نکرده طلوع
یافت در آن دهکده چیچك شیوع

• • •

فکر کسی در پی خوبی نبود !
ملتفت آبله کوبی نبود !
تا همه گشتند به چیچك مصاب
جمله گرفتار به رنج و عذاب
حیف همان دخترك ماه رو
شد به هیولای تعب رو برو
تابر خش آبله صورت گرفت
آئینه اش رنگ کدورت گرفت
نوحه کنان مادر بیچاره اش
گشت دگر گون رخ مهپاره اش
بود مواجه بخطر دختر ش
تا که بیاید زسفر همسر ش
نامزدش را بچنین حال دید
از دل خود آه و فغان بر کشید
گفت چه خاکی بسرم ریختند
در قد خم زهر غم آمیختند
بود دل من به تمنای او
گشت چنین صورت زیبای او
بادل پر خون وسر افگندگی
گفت که نتوان پس از ین زندگی
گرد شدو دامن صحرا گرفت
دشت جنون منزل و ماوا گرفت

• • •

گفت چو «امید»من‌این سر گذشت
خون دل و دیده‌ام ازسر گذشت
ایکه توئی عاقل و صافی ضمیر
خواهر من پندمرا گوش گیر!!
طفلك خود زود تر خال زن
دست به گنجینه اقبال زن
تا نشود طفل تو منفور خلق
دختر بیچاره ورنجور خلق
خال زند هر که به اولاد خود
شاد کند خاطر ناشاد خود

تتبع و نگارش : غ صمیم

انگشتری یکوسیله تزئین پیمان وسنت

انگشتری وسیله تجمل است ولی در استفاده آن زن و مرد هر دو یك سان شر یکند واز مطالعاتی که‌در زمینه به عمل آمده انگشتری وطریق استفاده واستعمال‌آن سابقه باستانی دارد و حتی سر حدش به افسانه و اساطیر می کشد .

حکایات و روایات تصریح‌می‌کند اولین کسی‌که‌در انگشتانش انگشتر جا گرفته جمشید پادشاه آریانا است بناء وی را واضع انگشتر می پندارند .

به فرمان او مروارید از دریا و جواهر ازکان برآوردند ودرشاهنامه نخست در سلطنت او است که سخن از انگشتری به میان می آید : که جمشید با تاج و انگشتر ی ، به فرمان او دیو و مرغ و پری .واقعیت ثقافتی و تار یخی تصر یح می‌کند که‌انگشتری چه‌ازلحاظ زیوروآرایش و چه به خاطر تجمل و شکوه پاد ـ شاهی نقش بر ازنده داشته وهمین نگین و انگشتری همراه افسر و تاج و تخت وکلاه و تیغ از لوازم شاهی به‌شمار میرفته است.و چنانچه این مصرع بخوبی واضح میسازد : به پاسخ چنین گفت کاوس شاه .که‌از توفروز رنگین وکلاه ـ ببوسید تخت و بمالید روی ـ بر آن نامور مهر و انگشت روی .

انگشتری بحیث رایج‌ترین وسیله تجمل درمیان طوایف مختلف جوامع بشری سابقه کهن دارد، عرب‌وعجم به شمول مرد و زن ازین زیور به منظور تجمل ویا بر سبیل رسم‌و عادت استفاده میکردند . در مصر قدیم هر نویسنده یا تا جری یك انگشتری از سیم و یا زر داشت‌و هر مرد حلقه ای در انگشت میکرد و هرزن با گردن بندی خو د را می آراست همچنان مردان‌مانند زنان‌خود را باانگشتری بازوبند وگلوبند های که با مروارید و سنگ های قیمتی تزیین یافته بود زینت می‌بخشیدند ونظیر همینگو نه آراستن هاالبته‌با تفاوت کمی تا هنوز درکشور مانیز وجود دارد و مردان در انگشتا ن

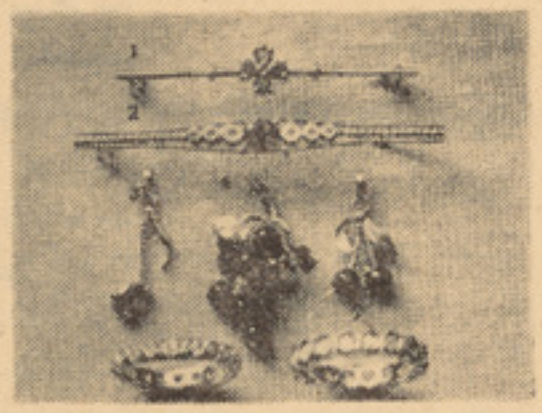

خویش انگشتری ودربازو های خود بازوبند را می بندند و مخصو صا برای اطفال بستن‌بازو بندکه دربین بازو بند که اکثرا نقره یی میباشد تعویذات جا داده میشود البته بستن بازو بند در بعضی نقاط دور دست کشور ما رواج دارد .

در بابل وقتی که مرد گان را دفن میکردند آنها راآرایش کرده انگشت آنها رابه انگشتری زینت می دادند، و دفن کر د ن میت با زیورات‌در گذشته های دور رواج داشته است وآثاری که‌در حفریات دراکثر حصص جهان بدست آمده و در بخش‌زیورات خود نمایا نگران است که روز گاری مرد گان را با زیورات دفن میکردند و کشفیاتی که از طلاتپه شبر غان وسایر حصص کشور ما در اثر حفریات یك تعداد زیورات بدست آمده خود نمایانگران است که مرد ـ گان با زیورات در خاك سپرده می شدند و این روش از ثقافت وکلتور طرز تلقی و اندیشه گذشتگان تمثیل و حکایت می کند و ترویج زیورات راکه عمر طولانی دارد به‌خاطره‌ها زنده می نماید . آنچه گردیزی مورخ نامداراز انگشتری‌های خسرو پرویز نقل می کند ارزش و اعتبار ثقافتی و کلتوری این زیور در دوره سلطنت ساسا نیان بیشتر مبیا شد به‌گفته او انگشتری این پاد شاه نه عددبوده که هر یك در مورد خاصی بکار می رفته و نوشته با آن مهر می شده است . در نخستین انگشتری او یا ـ قوت سرخ بود و نقش صورت ملك در گرداگرد و کتابه صفت ملك نوشته و بدین انگشتری منشور هاو سجل ها مهر کردی ...)

به گفته این مورخ نگین ها صورت حیوانات مانند قوچکوهی عقاب نقش گردیده بود . انگشتری در آن روز گار.صرف نظر از جنبه دینی و سنتی در حکم وشخصیت و هویت دارنده آن و حتی در مواردی خاص به جای او کار ساز بوده‌است مثلا هر گاه به حکم پاد شاه بامرد صاحب قدرتی محکو می را به رسم گاه می بردند چنانکه پیش ازسیا ـ ست کردن انگشتری خود را به رسم نشانی برای مجریان حکم فرستادن عـلامت آن بود که از گناه محکوم‌در گذشته و اورا بخشیده اند. این انگشتری را انگشتری‌امان می گفتند وقتی که عهد و میثاق می بستند

کسی که متعهد شده بود بر اثبات قول خود واین که‌به وفای پا بر جای خواهد بود انگشتری خ را نزدطرف بودیعه می‌سپردتا هنگ وفا به عهد به ادای آن ملزم باش تعهد کننده در حالی که انگشتر خود را در اختیار طرف می گذا ش می گفت : انگشتری به نشان دار فراموش نشود رسم تقدیم انگشتر و حلقه های که زنان و شوهران‌جر هنگام نامزدی در انگشت می کنند در حقیقت پیمان زناو شوهری ب آغاز می نمایند در واقع یاد گار

رمزی ازین تعهد و میثاق دیرین‌اس که تا کنون با همان گرمی و خصو صیت باقی مانده است . امروز م دختر و پسری که حلقه انگشتری به رسم نامزدی در انگشتان خوی جا میدهد درواقع امربه‌تایید ازسن دیرینه پیروی می کند ، البته سن وروشی که مطلوب است هرگزبه فراموشی نمی رود و از باب نه افتد به همین اساس وقتی م خواستند دشمن وحریفی رابه لطف محبت خود امید وار کنند و او را جان ایمنی دهند که بعد از تسل برجانش قصدی نخواهد رف انگشتری برایش می فرستا دند ت دشمن به اعتماد آن گردن نهد و س تسلیم در آستانش نهد .

یعقوب با مشت ها ی گره کرده او حمله برد و غرید :

ـاز نظرم دور شو ، بروگمشو، کر نرو ی چنا ن بز نمت که رو ح ز بد ن منفور ت پروا ز کند ، من یهود ی ها آبم به یك جو نمیرود. روچیلد از ین تهدید ترسید وپا فرار گذاشت و یعقو ب ازمیدان جو می گذ شت وبعد به دا منه‌های رسید ، زیر بید کهنســـال ل نشست وبه مرور خاطره ها درذهن ود پرداخت ،در یاچه ی صـــاف آبی رنگ روبرو ، چمن زاری که زبرابرش گسترده شده بود ،نوای وند گا ن که در هوا مو ج میزد و رجستا نی که در آن ســو ی رود انه قدبر افراشته بود دردشـــ تسکین داد و تعجب کرد که چرا ین چهل پنجاه سا ل اخیر هر گز ر ی به اطرا ف شهر نزده واگر نه‌اوزندگی خودرابصورت‌بی فایده‌یی از دست داده بود بی آنکه لذ تی برده باشد ، آخ چه ضررها یـی و اگر اوتما م این کار هارا با هـــم انجا م میداد ، هم ما هی میگرفت هم ساز میزد هم کر جی میرا ندو هم غاز دار ی میکرد چه پو لی می توانست جمع کند ، اما او هر گز به این فکر نیفتاده بود ، زندگی‌اش بدو ن منفعت ، بدو ن رضا یت و خوشی سپر ی شده بود ، اکنو ن همه چیزبی اینکه او تو جهی بـدان کند گذشته و او دست خالی مانده است ، اکنو ن اگر به گذشته اش بنگرد غیر ضرر چه می بیند ؟

چرا بشر نمیتواند بدو ن این ضرر ها زندگی کند چرا او تما م عمرش رابه داد وفریاد و غرید نو دشنا م داد ن به زنش سپر ی‌کرده است ؟ به چه قصد قابل تصور ی روچیلد بیچاره را تر سانیده و بـه باد دشنا م گر فته است ! چرامردم نمیگذارند دیگرا ن به را حـــتی و آسـ ایش زند گی کنند ؟ تمام اینها

بقیه صفحه ۱۹

ساز تابوت‌ساز

ده هم بی اعتنا از آنجا ردشـــده ست ، در حالیکه رود خانه‌بی‌اندازه ابل احترا م بود وبه هیچ و جـه یتوانست مورد تنفر او واقـــع ود ، میشد از رود خانه ما هـی رفت وآنرا به تاجر ها ، دلال‌های رید آذوقه و حتی پادو ها ی‌کا ـ ین ایستگاه را آهن فرو خت و ولش را هم میشد در بانك ذخیره رد ، میشد از رو ی این رود خا نه قایق سفر کرد ، از خانه‌ی یـك هاتی به‌خانه ی دیگر ی رفـــت و رایشا ن کما نچه کشید ودهاتیها خما برای ساز زدنش به او پو ل یدادند به علاوه میشد کر جی‌بان ود وبه هر صور ت این شغل از ابو ت ساز ی خیلی بهتر بود ، یشد غاز پرورش داد وآنها راسر ریده وزمستا ن به مسکو فرستاد قط از پر غاز هاسال ده روبل‌میشد ایدی فراهم آورد .

ضرر است ، ضرر ها ی وحشتناك اگر نفر ت مرد م از یکدیگر نمیبود آدمها ی بد منش این همه منا فـع را ربوده نمیتوا نستند .

صبح فردا یعقو ب به شفا خانه رفت هما ن ماکسیم نیکلاویـــچ دستور داد که حوله ی آب‌سردروی پیشا نیش بگذارد و گرد هم بخورد ویعقو ب از خطو ط قیا فه معاو ن داکتر و آهنگ صدا یش درك کـرد که حالش خطر نا ك است و هیـچ گردی شفا یش نخوا هد داد .

در راه خانه به فکر افتاد کـه مرگ حداقل خودش یك منفعـــت است چو ن دیگر لازم نیست انسان بخورد و بیا شا مد ، مالیات بدهد ودیگرا ن رابیازارد و چو ن انسا ن

برا ی همیشه در گور میخوا بدپس مرگ مفید است .

اواز مرگ متاسف نبود امـــا همینکه‌به خانه آمد و سا ز ش‌رادید دلش فرو ریخت واحسا س تا سف کرد، ساز را نمیشد باخود به‌گور برد)) ممکن بود سازش ینیم شود.

یعقو ب به در اتا ق رفت ورو ی سنگ آستا نه در نشست وسازش را به شانه فشار داد و هم چنا ن‌که در اندیشه عمر بود ، عمر ی که‌پر از تبا هی و ضرر است شرو ع به نوا ختن کرد و همینکه آهنگها واضح وانبا شته از احساسا ت غم انگیز بیرو ن ریختند ، اشك بر گو نه‌اش فرو ریخت وهر چه بیشترمیاندیشید آهنگ سازش حز ن انگیز تر میشد.

چفت در دوبار صدا کرد و در آستانه ی در نیمه باز رو چیلدظاهر شد ، نیمه‌ی او ل حو یلی را بـا شجاعت پیمود اما همینکـه یعقوب رادید کمی مکث کرد ، دچار لرزش گردید و وبادست شرو ع کرد به اشاره کرد ن ، مثل اینکه میخواست بادست وقت معین کند ، یعقو ب با مهربانی‌به او اشاره کرد و گفـت ((بیا جلو نتر س بیا)) رو چیلـد با نگا هی نا مطمئن وتر سا ن‌نزدیك شد وچند متردور تر از یعقـو ب ایستاد وگفت : ((یعقو ب لتم نکن گناه من نیست)) این را گفـت ، تعظیمی کرد وادامه داد : ((موسی مرا فرستاده است ، به من گفت‌که نترس ،دو باره برو پیش یعقو ب وبه او بگو که بی توکارمانمیگذرد ، عروسی روز چهار شنبه استدختر ((شاپو والف)) زن یك مرد خرپول شده‌است ، عرو سی بزرگا نه)). رو چیلد این را گفت و چشمکی‌زد.

یعقوب جواب داد : ((من‌نمیتوانم بیایم، من مریضم .

دوباره کما نچه را گر فـت و شروع کرد به نواختن ، در دلش عقده یی بود که میخوا ست گشاده گردد ، اشك از چشما نش سرا زیر گر دید ورو ی کما نچه سرا زیرشد رو چیلد به دقت گوش میداد، پهلوی یعقوب ایستاده بود ، اثر وحشت و ترسی که‌برو جودش حاکم بوداندك اند ك از میا ن میر فت و جا ی‌خود رابه اطمینا ن اندو هی شگـــر ف و لبریـز و حس همدردی میـــداد چشمها یش را گرداند و مثل آنکه در خلسه ی رنجی بزرگ وو صف ناشد نی قرار داشته باشد ازته‌دل فریاد کرد : ((به‌به)) آفـــر ین ، مرحبا)) واشك آرا م رو ی‌گو نـه هایش غلطید و لکه ها ی سیا هی رو ی خا ل ها ی سر خ وسبزچهره اش ازخود به جا ی گذاشت .

تمام روز را یعقو ب دربسترماند وبا اضطرا ب به سر برد ، نزد یك های شا م کشیش برا ی اعترا ف گرفتن‌به نزدش آمد واز او پرسید: آیا گناه خاصی دارد که بخوا هـد اعتراف کند ؟ یعقو ب حافظهٔ بـــه خواب رفته اش رابه کار انداخت‌و قیا فه رنجدیده مارافا رابه یاد آورد وهم ناله ناامید رو چیلدرا ، آنروز که سگ دندا ن گر فتش ودرخاطر مجسم کرد وبا صدا ییکه به‌سختی شنیده میشد ، گفت : ((ساز م را به رو چیلد بدهید .))

واکنو ن همه در شهر از هم می پرسند رو چیلد این کمانچه به این خوبی را از کجا آورده است ؟ آیا آنرا خریده ویا از کسی دز دیـده است ! ویا اینکه در شر ط بند ی از کسی برده ! مدت هاست کـــه روچیلد فلو ت نمیزند و فقط کمانچه میکشد ، از زیر پنجه ها یش‌هما ن آهنگها ی حزن آور ی که سابق از فلوت بیرون میکشید ،بدر میا یـد اما وقتی سعی میکند آهنگی را که آنروزیعقوب رو ی آستا نه دراتاقش نواخت تکرار کند ، کمانچه چنا ن آهنگ غم انگیز وپر از غمی را از خود بیرو ن مید هد که همه ی‌شنو ـ ندگان به گریه میا فتندوخودروچیلد هم چشما نش رابر میگرداند و از ته دل فریاد میزند :

((وا، وا، ، آفر ین ، مر حبا))اما این آهنگ جدید چنا ن مورد علاقه و پسند همه ی مرد م قرار گرفته است که در شهر تما م تا جـرا ن ومتمولان و اعضاء اداره محا ل است یادشان برود از رو چیلد دردعوت ها ومحافل شا ن دعو ت کنند وحتی اورا وادار میسا زند ده بار تما م این نوا را ساز کند .

به مناسبت روز بین‌المللی تساند بامردم فلسطین

سازمان ملل متحد و قضیهٔ فلسطین

۲۹ نو مبر مصاد ف با او زبین‌المللی همبستگی با مردما ن‌فلسطین میباشد . این مسئله در سال ۱۹۷۷ باثر یکی از فیصله نامه های مجمع عمو می ملل متحد اعلام‌گردید فیصله نامه تقا ضا میدارد تا یك سلسله اقدا ما ت در زمینه پخش معلو ما ت بارتبا ط حقو ق مسلم و جدا نشد نی مرد ما ن فلسطین و مساعی ملل متحد به خا طر پیشبرد پروسه حصو ل این حقو ق، صورت گیرد . فشرده مسا عی ملل متحد قرار ذیل میباشد :

پرابلم های شر قمیا نه ازبیشتر از سه دههٔ باینطر ف در سازما ن ملل متحد وسیعا مورد بحث قرار دار. .

مگر مردما ن فلسطین تا حال باوجود تاکیدات روز افزون به حقو ق لایتجزا ی شا ن در زمینه خود ارادیت ، حاکمیت و استقلال ملی نایل نگردیده اند . در سال ۱۹۷٤ مجمع عمو می ملل‌متحد ضمن یکی از فیصله نامه ها مرد م‌فلسطین را به حیث یکی از جوانب اصلی ذیدخل در تامین صلح عاد لا نه‌وپایه دار در شر ق میانه به رسمیت شناخت .

مجمع عمو می همچنا ن از سازمان رهایی بخش فلسطین دعوت نمود تادر جلسا ت وکار این مجمع به حیث مشا هد اشترا ك نما ید. قبل برین ـ در سال ۱۹٦۸ مجمع عمو می کمیته خا صی را مو ظف ساخت تااعما ل اسرائیل را که حقو ق انسا نی با شند گا ن سرزمین های اشغا ل شده را متا ثر میسازد ، بررسی نماید . در سا ل ۱۹۷۵ مجمع عمو می کمیته‌رابه‌خاطر احقاق حقو ق مسلم مرد م فلسطین تاسیس نمود . این کمیته بعدا پروگرا می را جهت فرا هم آور ی زمینه حصو ل حقو ق مرد م فلسطین پیشنهاد نمود که طی جلسا ت‌متعدد مجمع عمو می تایید گردید . با ثر تقاضا ی مجمع عمو می ـ واحدخاصی در زمینه حقو ق مرد م فلسطین در چوکا ت سکر تر یت سازما ن ملل متحد در سال ۱۹۷۸ تا سیس گردید . این واحد وظیفه دارد تا مسایل مربوط به جمع آور ی معلومات ونشرا ت رادر زمینه حقوق فلسطینی ها ـ فیصله نامه های ملل متحد در ین باره و فعا لیت های (کمیته حقو ق فلسطینی ها) ودیگر ادارا ت ملل متحد راپیش ببرد . در سال ۱۹۷۸ مجمع عمومی ازتما م حکو ما ت وسازما ن‌ها تقاضا نمود تابا (کمیته حقو ق فلسطینی ها) و (واحد خا صی) متذکر ه‌جهت پیشبرد وظایف شا ن از همکار ی های لازم دریغ ننمایند .

مجمع عمو می به صور ت‌متواتر تقاضا نموده است تا کنفرا نس صلح جنیوا در باره شر قمیا نه‌با شترا ك مساو ی تما م جوا نب ذیدخل بشمو ل ـ سازما ن رها یی بخش فلسطین هر چه زود تر ،از سرگرفته شود .

سازما ن ملل متحد به قضیه اسکان اسرائیلی ها در سر زمین های اشغا ل شده تو جه قابل‌ملاحظه به خرچ د اده است . مجمع عمومی طی فیصله نا مه های مختلف‌از اسرائیل تقاضا نموده تا ازاقدامات به‌خاطر تغییر وضعیت حقو قی و دمو گرافیك در سر زمین ها ی اشغا ل شده منصر ف گردد.مجمع عمو می اعمار محلات مسکو نی اسراییلی هارا در ارا ضی اشغا ل شده تقبیح نموده است .

شورا ی امنیت طی فیصله نا مه های اخیر بارتبا ط این مو ضو ع اظهار داشت که اعمار همچو محلات مسکونی موانع شدید ی را درراه تامین صلح در شر قمیا نه بار می آورد . لذا از اسرائیل تقا ضا نمود تا جا ها ی موجوده مسکو نی را در اراضی اشغا ل شده تخلیه بدا ید . به تاریخ ۳۰ جو ن ۱۹۸۰ شورای امنیت ((ضرور ت فوق ـ العاده مهم خاتمه بخشید ن به‌حالت اشغال سر زمین های عر بی به شمو ل بیت المقد س که از سال ۱۹٦۷ باینطر ف تو سط اسرائیل تصر ف گردیده)) مجددا تا کید نمود . شورا ی امنیت همچنا ن بار دیگر تایید نمود که هر تو ع اقدامات قانو نی واداز ی که تو سط اسرائیل بعمل می آید و ((مقصد آن تغیر کرکتر ووضعیت شهر بیت‌المقدس میباشد ـ هیچگو نه اعتبار قانو نی نداشته و یك تخطی اشکار از چار مین پیما ن نا مه جنیوا مبنی بر حما یت اشخا ص مسلکی در اثنا ی جنگ به شمار میرود .))

درسا ل ۱۹۷۹ مجمع عمو می باتاثر ملاحظه نمود که معا مله کمپ دیوید خار ج چوکا ت ملل متحد و بدون اشترا ك سازما ن رها یی بخش فلسطین صور ت گر فته‌است لذا آنرا بی اعتبا ر قلمداد نمود .

مجمع عمو می ((تما م موا فقت نامه ها ی مغر ضا نه و معا هدا ت جداگانه)) راکه منافی حقوق‌فلسطین واساسات منشور ملل متحد وفیصله

بقیه در صفحه ٤۷

أجل، إن للشعب الفلسطيني حقوقاً!

The Palestinian people do have rights!
Oui, le peuple palestinien a des droits!
Есть права у народа Палестины!
¡Sí, el pueblo palestino tiene derechos!

گزارش از: س .ر. ها شمیار

ریزش موی و علل آن

چرا مو ی بیمار میگردد ، سبب‌ریزش مو ی سر چیست ؟
وآیا این بیماری قابل پیشگیری‌وتداوی است یاخیر؟

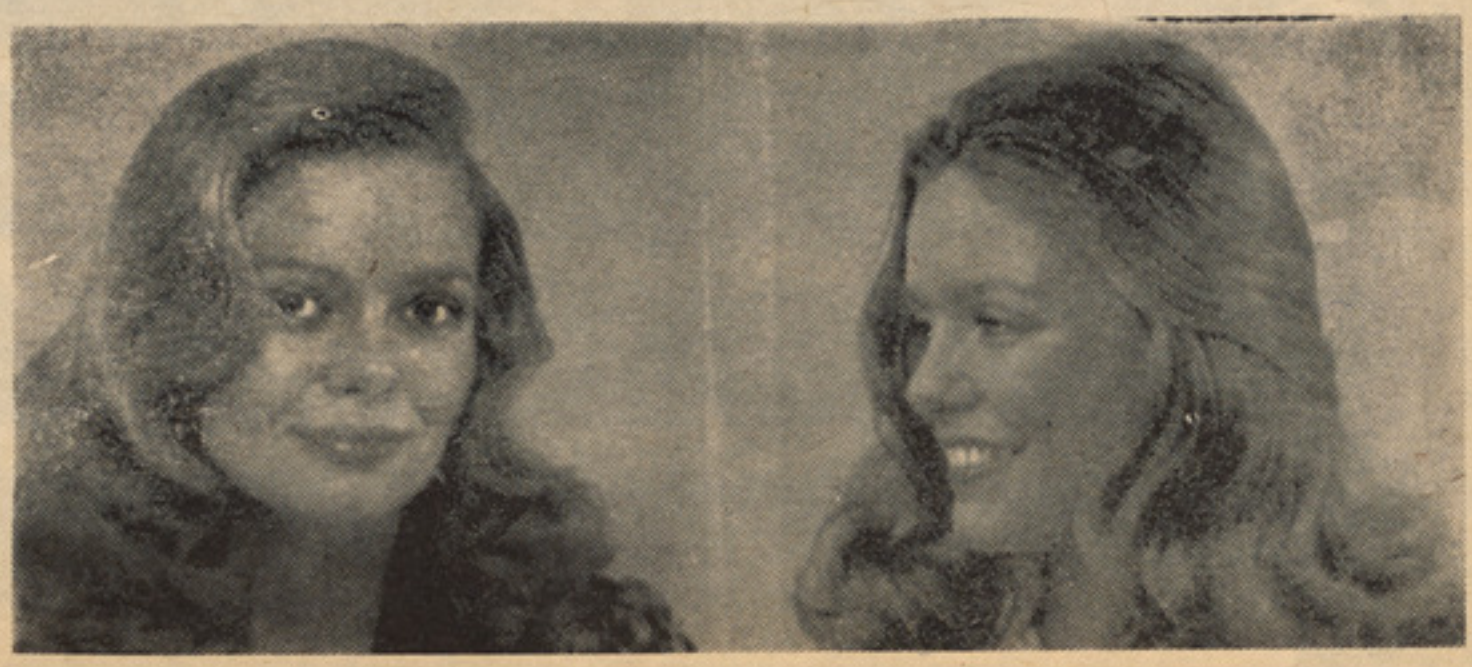

یکی از بیمار ی ها ی رایج‌دوران ماکه شیو ع فراوا ن دارد و کم خانمی است که از آن شکا یـــ نداشته باشد ریزش ویا پو ستک مو ی سر است ، مادر اثر تقا ضای مکرر عده یی از خوانندگا ن این‌مج در این شماره گفت و شنود کوتاه داریم با پو هندو ی ما یل استـ کرسی جلد ی وزهرو ی پوهنحـ طب کابل که به مجمو ع پر سش های شما در این زمینه پاسخ‌میدهـ توجه شمارا به مطالعه آن جلب م داریم :

ـ از نظر شما مو ی چرامیریز علل آن چیست و ریز ش مو ی‌س بیشتر وابسته به کدا م سبب ها ست ؟

ـیك نو ع ریزش منتشر مو ی که عمو میت دارد ودر موقع شان کردن ، بر س زد ن و شستن‌صور میگیرد علت ها وسبب ها ی‌مختلف دارد که مهمترین آن عبارت است از کم خو نی و مخصو صا کم‌خونی هایی که به سبب ازدســت داد ن خون در خونریزی‌ها وکمبود آ هـ در خو ن به وجود میا ید .

دیگر امرا ض تب دار ما نـــد محترقه ، گریپ وسر ماخورده‌گی نیز سبب ریزش مو ی شده‌میتوانـ این گونه ریزش مد تی بعد ازسپری شد ن مر ض به وجود آمده وبصورت موقتی علایم آن دیده میشود .

سوم امرا ض میکرو بی مانند کلو درد ی ها ی مز من وخرا بی دندا ن ها با عث ریزش مو ی شده میتوانند.

چهارم‌ـ دردوران حمل و شیر دهی خانم ها به ریزش مو ی مصا ب می گردند که معمو لا در ماه سو م باردار ی علایم آن ظا هر گردیده بعداز مد ت چند هفـــته ویا ماه دوباره بهبودی حا صل میکند و به جا ی موی ها ی ریخته شده مو ی ها ی تازه میرو ید ،به این جهت خا نم های حامله و شیر ده نبا ید ازریزش مو ی ها ی سر خود در این دوره‌ها نگرا نی داشته باشند .

پنجم ـ تشو شا ت شدیدروحی وجسمی سبب عمده ریز ش مو ی راتشکیل مید هد .

ششم‌ـ امرا ض مز من وضعیف کننده نیز در ریزش موی نقشـــ دارد .

هفتم ـ بر خی از اقلام ادو یـه سبب ریزش مو ی شده میتوا نند .

بقیه در صفحه ٤٧

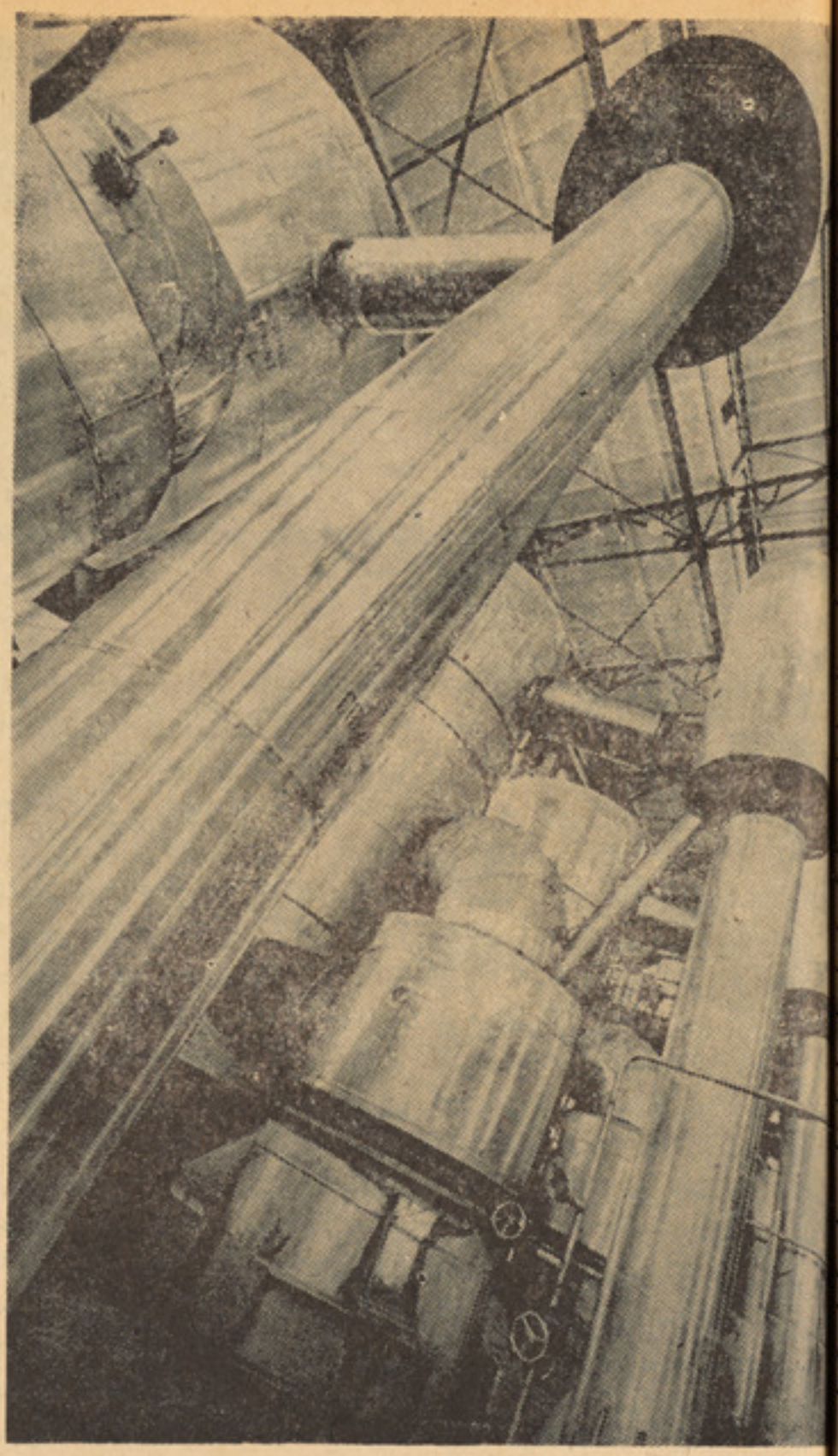

گوشه یی از سا ختمان داخلی یکی از تا سیسات «نیست‌سازی»را که در فو لژ سك موقعیت داردمشاهده می کنید .

بقیه صفحه ۲۱

این یك اشتباه است که...

تر یابی همراه با افزا یش محصو ـ دیگر آن بشد ت کامل سیر ود ی خودرا می پیما ید ، آنها رو نما ، انکشا ف وذخیره نا ـ وجن نباتا ت را بهبودمیبخشند. حاصلخیزی خا ك ثمرهٔ طبیعی لیتها ی چند ین سا له میکرو ـ گانیزم ها میبا شد که حا ل ما ن انرا نداریم تا با میکرو بها ی رور ی که در فابریکا ت نشوونما ته اند درخا ك (جهت بلندبردن طح حا صلخیزی آن) علاوه نموده ینترتیب سطح تو لیدا ت‌زراعتی بالابرده واز قحطی و شیو ع ا ن مواد غذایی به صور ت‌آنی جلوگیر ی نما ییم .

پس تفصیل روایت دستر سی زراعتی به فعا لیتها ی میکروبیو ـ لوژیکی تصاد فی نبوده . بخش‌اعظم محصو لات صنعت میکرو بیولوژیکی اتحاد شورو ی یعنی هشتاد درصد (از جمله یکصد وپنجاه نو ع آن) به مقاصد زراعتی به مصرف‌میرسند وباقی بیست فیصد آن به مقا صد انجام خدما ت صحت عا مه ،صنایع بر ق و غذا ، چند ین شعبهٔ صنایع ثقیله وانجنیر ی ، میخا نیکی به مصرف میرسد .

در اخیر اینهم قابل یاد آور ی مینماید که صنعت میکرو بیولوژیکی میپندارند در خدمت رفاه آرا مش وصحت با عا فیت و عار ی از فقر وگرسنگی بشر به کار بر ند . از مطالعه آنچه در بالا تذکر رفته به این نتیجه میرسیم ومیتوا نیم ادعا کنیم که میتوا نیم با استفاده‌از مکروب ازیکسو دربهداشتی‌ساکنین روی زمین استفاده لازم نموده واز سو ی دیگر محصو لا ت زراعتی وحیوا نی فعلی رو ی زمین را به خاطر نجا ت عالم بشر یت ازخطرات حاصله ناشی از فقدا ن غذا یی چندین مر تبه افزا یش دهیم .

بقیه صفحه ۳۳

سینماوجوانان

ما با دیدن هر فلم خوب درواقع یك رمان خوب خوانده‌ایم و آنرا هم بسیار زود ودقیق وعینی گفته می توانیم که تجربه های‌آن، چه آنهائی که تا اندازهٔ در ذهن ما آ شنا ست وچه آ نهای که نا آ شناست کم و بیش‌جزء از تجربه های زندگی ما می گردد و بهمین ترتیب دا منهٔ در یافت های مارا از جهان ، زندگی و بالاخره انسان گسترش میدهد .

مادر جریان مشا هدهٔ فلم ، در برابرفرد یاگروهی دیگری می ایستیم، خطاهاولغزشهای افراد را می بینیم و بیدرنگ به راه های منطقی ، درست واخلاقی می اندیشیم‌وهرچه زودتر رفتار رابه خوب وبدویاخیروشرتفکیك میکنم وهمیشه میکوشیم که عوامل یك واقعه را بشنا سیم و یا نتایج اعمال انسانها را حدس بزنیم .

در سراسر مشاهده فلم ، بی آنکه متوجه باشیم ، ذهن ما در تلاش چیز های استو به تجزیه وتحلیل واستدلال درست‌واستنتاج می پردازد . انسانها وو قایع فلم را باانسان هاووقایعی‌که میشناسیم، مقایسه میکنیم. این فعالیت های‌ذهنی‌همه درزندگی‌واقعی ما خواهی نخواهی انجام می گیرد . منتها بعضی‌اوقات در مدتی طولانی‌تر و گا هی با د قت وتوجه کمتر .

فلم در واقع ر مان قرن ما است و ا ین رمان سهل و ساده را کوچك و بزرگ عام وخاص همه بااشتیاق زایدالوصفی می خواهند. وباوجود تلویزیون ، هر فرد در روزی نیم ساعت یایك چند ساعتی از اوقات خود را صرف مطالعه این ر مان نمایشی می نمایند.

باوجود اینهمه تاثیر که سینما در زندگی ما دارد ، آیا می توانیم آن را صرفاً یك وسیلهٔ تفریحی بدانیم ... نه .. این وسیلهٔ ظاهرا تفریحی مگر بخشی عمده‌ای از تجربه های روزانهٔ مارا نمی سازد ؟

مگر صورت طیف یانیروی راندارد که‌ذهن‌ما در دایره آن واقع می شود . و جریان عملها و عکس العملها را می گذارند ؟. آیا ...نتایج همین عملها و عکس العملها شکل‌د هندهٔفکر وشخصیت ما نیست . بنابر این لازم است که آنر در میان اجزای گذران ز ندگی د ر مرتبهٔ مهمتری قرار بد هیم ودر همین مرتبه متوجه تاثیر های مطلوب و نا مطلوب آن باشیم .

اگر می خواهیم ر مانی بخوانیم قبلامایلیم که در بارهٔ نویسندهٔ آن چیزی بدانیم. اگر نقدی در باره آن کتاب نوشته‌اند ، می‌خوانیم. از کسان دیگری که آن را خوانده اند و به رای و نظر شان اعتقاد دایم ، در بارهٔارزش آن کتاب پر سش یا پر سشهای می کنیم. واین ها به آن سبب است که کتاب‌را مهم می دانیم وازهمه مهمتر دقت خودرا مهم می دانیم ودر خواندن کتاب هدف‌ومقصودی داریم . پس فلم که یك رمان یایك کتاب زنده و نمایشی است . باید برای ما لااقل در همان مر تبهٔ ا همیت کتاب باشد .

ما نمی گوئیم که همهٔ فلمها باید آ مو زنده باشند، یعنی که بایك هدف آ مو زشی و پرورشی سا خته شده باشند ، و لی باید اگر ما را سرگرم می سازد و قایع و ما جرا هائی را که در برابر ما می گذراند ، چه خنده‌آور ، چه غم انگیز ، چه محرك فکرهمه در مقام بخشی از زندگی انسانهای د یگر ، اصیل و صادق باشند . راه های تفکروتعقل درست را بر ما نبندند و راه های کج‌ولغزنده را بر ما نگشایند . نیاز های غریزی ما را تیزتر و چیره تر نسازند و بر نیاز های انسانی ما سر پوش نگذارند .

فلم یاسینما که هنر هفتم است در مرتبهٔ هنر ار زشمند و سازنده است ا ما تا جائیکه به صنعت وابسته می شود . نوعی تولید به حساب می آید وبه تجارت می پیوندد .

فلمسازان بسیاری هستند که با طمع بیشتر و زحمت کمتر فلمهای مبتذل و به اصطلاح عام پسند می سازند . ماکه خوانندهٔ کتاب یابینندهٔ فلم هستیم باید این کالاهارا پیش از تهیه و مصرف بشناسیم وخوبیها و مرغوبها ی آ نهارا انتخاب کنیم .

رسم و رواجهای مردم سیستان

تشکیل خانواده و روابط اعضای آن

پیو سته بگذشته

هر گاه بخوا هند به خانه اقار ب و دوستا ن برو ند چا در ی میپو شند زنها ی طبقا ت پایین چادر ی ندارند ودر اجرا ی وظا یف بیرو ن ازخانه تا اندازه باشو هرا ن خود سهم میگیر ند ولی به صورت عمو م آنها نیز آزاد ی محدود داشته و شدیدا ازطر ف مردا ن خویش کنترو لمی شوند . مردا ن بلو چ درین حو زه زن راکم ذهن ضعیف الا را ده‌وعاجز از اجرا ی کار ها ی حسا س و دشوار میدانند .

در ین حوزه فابر یکه و غیره دستگاه ها ی ماشینی که زنا ندران شامل کار شده بتوا نند و جود ندارد واکثریت مطلق زنا ن و ظیفه تنظیم واداره خانواده را بعهده دارند احیانا اگر کار ی با جوره برا ی‌زنان میسر گردد دستمزد آنها کمتر از نصف دستمزد مردان است و کار فرمایا ن ترجیح مید هند زنا نمجرد ودختران را استخدا م کنند تااز چند دقیقه شیر دهی مادران با اطفال شان نیز خود را فار غ سا زند و ازین تا حیه از زنا ن دهاقین‌استفاده اعظمی بعمل آور ند .

زن در ین حوزه یکسره از اوامر ونوا حی شو هر اطا عت مینما ید ومجا ل سر کشی را ندارد حقو ق مادی زن نیز خیلی محدود است در تر که میراث باید شر عا معادل نصف یکمرد حصه بگیرد اما عملاآن حصه هم به یك مرد مانند شو هر ویابرادرش میرسد .

زن بلو چ حق ندارد طلاق‌بگیر د هرگاه زنی بخوا هد خلاف میل شو هرش کار ی را انجام دهدمورد انزجار شو هر قرار میگیرد . شوهر تازمانیکه به اعضا ی زن صد مه‌وارد نکرده است حق لت وکو ب را دار است . هر گاه عضو ی از اعضا ی زن معیو ب گردد شو هر مورد باز پرس اقارب زن قرار میگیرد .در صورت عدم موا فقه مو ضو ع را غرض فیصله بخان محل رجعت می دهند وحکم خان در ین باره قا طع شمرده میشود راجع باین مفهو م بین مرد م بلو چ مثلی بدینقرا ر وجود دارد :«گوشت زن به شوهر واستخوا ن او بوالد ینش متعلق است .»

دختر ها حق انتخاب همسر را ندارند ودر امر ازدوا ج به نظر آنها اهمیت داده نمیشود ـ ازدوا ج به انتخا ب رئیس خانواده پسر وقبول خانواده دختر انجا م می یا بد.اظهار نظر دختر راجع به انتخا ب شوهر برا ی او عیب پندا شته می شود مراسم از دواج‌از مذا کره و مفاهمه رو سای دو فامیل شروع میشود . مو ضوع او لا از طر ف خانواده پسر پیشنهاد شده و نظر خانواده دختر خواسته میشود و در جریا ن این مذاکرا ت مو ضوع پیشکش و طو یا نه نیز فیصله میگردد . در ضمن فا میل د ختر با خویشا وندا ن نزدیك خود درمورد مشوره نموده ونظریه آنهارا جویامی شود از آن جا که خوا نین سیستان بر تما م امور تسلط دا رند رئیس خا نوا ده د ختر وپسر هر دو پیرا مو ن مو ضو ع از خا ن محل مشوره میخوا هند اگر خا ن نیز به این مو ضو ع موا فق باشد دست به کار ازدوا ج‌میشوند.

درگذ شته اکثریت مرد م درچنین موارد از خا ن محل مشوره می خواستند و لی امروز این رو ش تا اندازه متروك گردیده و چهل تا پنجاه در صد مردم از ین رو ش پیرو ی نمیکنند.

بهر صورت پس از ابرا زموافقه کامل خانواده دختر یك تعداد مو سفیدا ن ـ جوانا ن و حتی اطفا ل قر یه به شمو ل داماد (خلا ف‌معمول درسایر نقا ط کشور ما) درفرصت مسا عد اکثرا بعد از صر ف طعا م شب به خانه شخص دختر دار رفته واز آنها شیر ینی به عنوان موافقت در امر ازدوا ج مطالبه میدا رند . خانواده دختر یك مقدار شیر ینی معمو لا نقل ودستما ل را که قبلا از طر ف خانواده پسر به این منظور تهیه گردیده و در دستر س شا ن گذاشته شده است با یشا ن مید هد برا ی چند نفر مو سفید وصا حب رسو خ قر یه علاوه از شیر ینی یك یك دستما ل هم داده میشود در ختم مراسم چند گلوله بهوا شلیك میشود که هد ف آن ابلاغ مو ضو ع به همه با شند گا ن گرد و نواحی میبا شد .

اکثر دختر ها ی بلو چ درصغارت در سنین بین دو تا ده سا لگی‌نامزد میشو ند و حتی بعضی او قا ت‌دو زن حامله تصمیم میگیر ند که اگر یکی دختر و دیگر ی پسر آورددختر وپسر را باهم نامزد مینما ید . باین صور ت دختر وپسر قبل از تو لد نامزد میگردند گاهی هم دختر درسه روزه‌گی نامزد میشود . چنا نچه کاکا ـ ماما و با دیگر اقارب طفل نوزاد قدر ی تکه پوشا که را به عنوان جوره برا ی دختر آورده و نامزد ی اورا به پسر خود مطالبه میدارند در صور ت قبو لی والدین دختر نوزاد به پسر شخصیکه‌مطلـ ـبه کرده است نامزد میگردد . این روش در ین اوآخر کمتر شده است وباینگو نه خواهشا ت تقر یبا هشتادو پنج تا نود در صد جوا منفی داده میشود .

سن دختر در مو ضو ع ازدوا نزد مر دم این منطقه اهمیت ز ندارد چیز یکه در ازدوا ج نزد آ اهمیت دارد مسئله اقتصادی‌پیشک یا طویا نه است که به مقا یسه سویه اقتصاد ی و در آمد ما لی مردم خیلی گزا ف است . معمو پیشکش از بیست هزار تا صد هز افغا نی تعیین میگردد که مقدا ر تاندازهٔ مربو ط به قشنگی دخـ موقف اجتما عی و اقتصادی خانوا دختر است . ثلث پیشکش نقـد متباقی آن جنس و موا شی پردا خ میشود چو ن اکثریت جـوا نا توانا یی تادیه پیشکش را به یکبـ رگی ندارند و نامزد صغیر با ن موقع مید هد که پیشکش را تدر تابزرگ شد ن نا مزد تا دیه‌نمای لهذا ازدوا ج با دختر صغیر به آنها عیبی ندارد . از پول پیشک یك مقدار آن به خریدار ی لبا س داماد وعروس و تهیه قسمتی اثاثیه خانه داماد و عروس بمصر میرسد .فامیل داماد در برات وع ها معمو لا یك یا دو جوره لبا س قدر ی شیر ینی تهیه کرده و ب فامیل دختر ارسا ل میدارند .

در جریا ن نامزدی‌اگر دخـ بمیرد آن حصه پیشکش را که‌دا تادیه نموده است در صور تی‌مست میشود که داماد از مزایا و روا با نامزد ی استفاده نکرده باشد .

پس از تادیهٔ پیشکش مرا سم عروسی آغا ز میگردد به منظـو "اجرا ی این مراسم داماد موادغذا موردضرور ت یك و قت خویش وندا ن ومسکو نین قر یه فا میـ

بقیه در صفحه ٥٤

اطمینان دادن وتقویه روحی برای‌مریضان «کسانیکه ریزش‌موی‌دارند» اهمیت زیادی دارد

بقیه صفحه ٤٤

ریزش موی و...

مصاب‌میگردند، شرو ع ریز ش‌موی تدریجی است ودر سنین بیست‌تا چهل ساله گی آغاز میگردد ، دراین نوع موی ر یزی عوا مل ارثی و فامیلی نقش مهم دارد ، از دیاد فعا لیت هور مو ن ها ی جنسی نیز در آن تا ثیر میگذارد .

مشتم ـ تشو شا ت هور مو نها خصو ص هور مو ن غده در قی سبب مر ض جاغور میگردد از ل دیگر ریزش مو ی سر میباشد تداو ی این نو ع خا ص ریز ش ی بااز میا ن برداشتن سبب صلی صور ت میگیرد .

رفتن مو ی قبل از و قت‌نسبت ربی مو ی سر : این وا قعه‌بیشتر وانا ن را مصا ب میسا زد ، نزد ل مصا بین سبو سه ك سر زیاد وده وخار ش خفیف نیز مو جود ست ، ریز ش مو ی از سر وشقیقه صور ت میگیرد .

باید این مریضا ن در شتشو ی سر خود از شمپو های ضد چربی وی سر استفاده کنند که به وسیله کتور معالج تو صیه میگردد .

ریزش قبل از و قت مو ی سر که با بنیه شخص ار تبا ط دارد :

این نو ع ریزشی مو ی کسر ت دارد وبیشتر مرد های جوان به آن

ریزش مو ی در سنین پیری:

ریزش مو ی درسن پیر ی طبیعی بوده و از سئبب نا ز ك شد ن جلد وملحقات آن صور ت میگیرد .

نو ع دیگر ریزش‌مو ی‌عبار ت است از ریزش مو ی ولاد ی که بسیار نادر بوده ودر مو قع تو لد کودك مو ی ندارد و بعد از آن نیز نمی روید ، اما وقایع مو ی رفتن و لادی یابه تنها یی موجود است ویا باآفت ناخن و دندا ن‌نیز به‌همراه میباشد .

یك نو ع مو ی ریز ی دیگر نیز وجود دارد که عمو می و منتشرنیست وبصور ت دایره ها در جلد سر یاناحیه ریش پیدا میشود وبه نام کلی دایرو ی یا مدور یاد میگردد ، این مو ی ریزی به جسا مت دوافغا ـ نیکی ویا اند کی خرد تر یابزرگتر بوده ودر هر سن وسا ل پیداشده میتواند اما واقعا ت آن نزد اطفا ل وجوانا ن بیشتر دیده میشود ،در این گونه مو ی ریز ی مو ضعی در جلد مر ضی صر ف از بین رفتن مو ی تا م به صور ت‌حلقه های مدور دیده میشود و کدا م حادثه التهابی موجود نمیبا شد، مسامات موی در جلد قابل دید است ،معمولا شروع‌ریزش‌موی بصورت‌آنی و حاد شرو ع شده ودر عین زما ن یك،دو ویا بیشتر حلقه ها ودایره های‌بدون مو ی نمایا ن میگردد مو ها ی محیط ناحیه بدو ن مو ی در موقعی که‌آفت فعا ل است وبه پیشر فت خودادامه مید هد نر م بوده وبه آسا نی کنده میشود ولی در شکل غیر فعا ل آن که پیشر فت آفت متو قف گردیده موهای محیط حلقه ی بدو ن مو ی محکم بوده وبه آسانی کنده نمیشود این نو ع موی رفتگی به جسا مت های‌مختلف بوده ولی بعضا تما م موی های سر میا فتد که این نو ع موی رفتگی سر را به نام کلی تا م یامکمل یاد میکنند ، در اشکا ل نادر این مو ی رفتگی های موضعی وکوچك کسب شدت نموده و منجر به رفتن تما م مو ی بد ن به‌شمول ابرو هاوپلك ها میگردد شکل مو ی رفتگی موضعی عواقب خوب داشته ومو ها دوباره نمو میکند .

انزوا و عواقب مو ی رفتگی موضعی به فکتور های زیر ارتبا ط دارد :

عمر مریض ، جسا مت نا حیه‌موی رفتگی دوام مو ی رفته گی وموجود یت علایم نموی‌موی.

سبب این نو ع مو ی رفته گی های موضعی را شو ك ها ی رو حی وفز یکی در اشخا ص‌حساس‌میدانند همچنان زهر یا تو کسین میکروب هایی که با عث گلو درد ی وامراض دیگر میکروبی میگردد نیز دربعضی اشخا ص سبب این نو ع مو ی‌رفته گی شده میتواند .

ـ آیاریزش مو ی به صور ت عمو می تداو ی دارد یا خیر ؟

ـبلی وتداوی ریزش مو ی رابه صور ت فشرده میتوا ن در این موارد خلاصه ساخت :

۱ـ اطمینا ن داد ن و تقو یه‌روحی برا ی مریض اهمیت زیاد دارد و مریض‌با ید به شفا ی خود ونموی دوباره مو ی مطمئن گردد .

۲ ـ بهبود و ضع عمو می صحت با تغذی خوب مفید ثابت شده‌است.

۳ـ از بین برد ن اسبا ب محرکه مانند تشو شا ت عصبی و فز یکی و محراقا ت میکرو بی .

٤ ـ تطبیق ادو یه از طر یق تطبیقا ت مو ضعی که باعث‌تسریع جریا ن خو ن مو ضعی جلد میگردد همچنان زرقیا ت مو ضعی کورتیکو ستروییید نتیجه فو ق العاده خو ب داده ومو ی ها دوباره نمو میکند .

بقیه صفحه ٤٢

سازمان ملل متحد...

مجمع عمو می بار دیگر تجا و زاسرائیل را علیه لبنا ن و فلسطینی ها و نیز اعمال آن را در اراضی‌اشغال شده فلسطینی ها و دیگر کشور های عربی بشد ت تقبیح‌نموده وجدا از آن کشور تقا ضا نمود تابه تما میت ارضی ـ حاکمیت‌ملی واستقلال سیاسی لبنا ن در چوکا ت سر حدا ت رسما شناخته‌شده بین‌المللی احترا م گذارد .

شورا ی امنیت ضمن بحث قضیه‌در ماه می ۱۹۸۱ باین عقیدهٔ سر ـ منشی ملل متحد که مو ضو ع شرق‌میانه در مجمو ع تا وقتیکه‌یك‌توافق جامع بدست نیاید به صور ت‌بالقوه‌خطر نا ك باقی خوا هد مانـد ، همنوا گردید .

خنده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده ایم

لطفا خواهش میکنم دکتور

مرد ژنده پو شی در حالیکه‌دست‌زنش را گرفته بود ، وارد معا ینه خانه داکتری شد وبه او گفت!

– آقای دکتور .. . زنم‌دو تا سکه را خـو ر د ه خواهش میکنم آنها را از شکمش بیـــرو ن‌کنید ...

دکتور پرسید :

چه و قت ، آنها را خورده‌است؟

دهسا ل قبل :

دکتور باتعجب پر سید :

– پس چرا تا حالا ،اقدا می‌نکرده‌اید ؟

– پیر مرد باخونسرد ی جوا ب‌داد !

– برای اینکه تا حا ل اجتیا جی‌به پول نداشتیم .

بدون شرح

خانم نمی گذارد

تازه جوانی با دختر مقبولی‌در چوکی یـاغـی دیوانه وار متوجـه معشوقه اش بود . مردی که‌ازآنجا میگذشت کنار آنـها توقف کـرده ازجوان پرسید:

برادر متاهل هستید ؟

بلی ... پس چرا شما سوال کردید؟

چون معاشقه تان بسیارزیباست چرادرخانه اینکار را نمی کنید؟

جوان تازه کار لبخندی زده‌گفت:

–هیچ به این فکر کرده اید که درخانه همسر م در برابر چنین‌کار عکس العملم. نشان خواهد ددد؟

بدون سرح

عاشقان بیچاره و دیوانه دردام‌گیسو افتاده اند

درآرزوی‌زن

پیر مرد مسنی که سرووضـع خو بی هم نداشت و قیافـ زیبایی هم نصیبش نشده بود به‌یکی از موسسا ت ازدوا ج مرا ج کرده وبه مدیر مو سسه گفت :

من میل دارم با یك دخترزیبا وثروتمند اما جوا ن وتحصیل کر ازدوا ج کنم .

مدیر نگا هی به او کرد وگفت:

–خوب شغل شما چیست ؟

مرد جواب داد : بیکارم‌ولی‌مبلغی‌هم مقروضم خر ج پدر و ما در م هم باید خودم بد هم .

مدیر خنده ای کرد وگفت:

دختر ی که بااین او صا ف‌باشما‌ازدوا ج کند باید دیوا نه باشد .

مرد گفت : ما نعی ندارد با این‌عیب او نیز میسازم .

حیله‌خوب

مردی پرخون به محکمه رفت‌ورو به‌قاضی کرده گفت:

قاضی صاحب ازدست خانم خود به‌این روز افتاده ام .قـاضی فورا عقب خانمش عسکر را فرستادو اوراحاضر کرد.

خانم ! شما به‌چه حقی بدخود اجازه دادین که جاروب را آنقـدر محکم بسر شو هر تان بکوبین کـ سرش بشکند ؟

زن جواب داد :

آقا ی قاضی صاحب ؟ باور کن من به هیچو جه قصد سوء نداشتم ونمی خواستم سر شو هر م‌بشکند.

پس منظور تان از اینکار چه بوده است ؟

نه‌نه ماهی‌یك‌جاکت برای من‌هم‌بس

زن باخونسرد ی جوا ب داد :

هیچ آقا ی قاضی صا حب .. فقط می خوا ستم چو ب جارو ب کمی بلند بود کوتاه کنم !

یعنی چه

گدایی زنگ خانهٔ مرد ثروتمندی به صدا در آورد . وقتی صا حب خانه در ب راکشود ، گدا در مقا م توضیح برآمده گفت :

فکر نکنید دو باره بسرا غ شما آمده ام مادر تا ن یك چیز ی ازدست رفت خود به من داد . فکر کرد م باید چیز دیگر ی هم از ین قبیل داشته باشید .

مرد جواب داد :

ـ من میدانم شما به چه چیـــز احتیا ج دارید . اینك یك بو تل آب معد نی بشما تقدیم میکنم تامعده‌یی تان از ناراحتی نجا ت بیا بد .زیرا من میدانم دست پخت مادرم‌یعنی‌چه!

آخ‌که پدرم چقدر خوش خواهد شد

مریض‌هوشیار

دکتور با عصبا نیت نمره تیلفون اتاق مریض را که چندی پـیش مشغو ل معالجه اش بود گر فت و گفت :

ـ چکی که بخا طر معا ینه داده بودید بر گشته است .

مریض باخونسرد ی گفت :

ـ آقای دکتور ، مرضی‌منهم‌عود کرده بنابر آن بین ما حسا بی‌نمانده است .

بدون شرح

پندخوب به‌توخواهم‌داد

برنارد شا و نو یسنده بذله گوروز ی برا ی گردش به لب بحـــر رفته بـود و هنگام گـر د شـ‌باخود ا ند یشید وبه کشتی ران کنار بحر گفت اگر مرا به آنطرف‌ببر ی بتو پول نخوا هم داد وپندی هم بتو یاد خوا هم داد کشـــتی را ن منتظر پند بود که بر نارد شاوگفت من اینست که اینکار را که‌برای‌ن انجام دادی برای دیگر ی ایـن وظیفه را انجام ند هی چـــو ن ازگرسنگی میمیری !

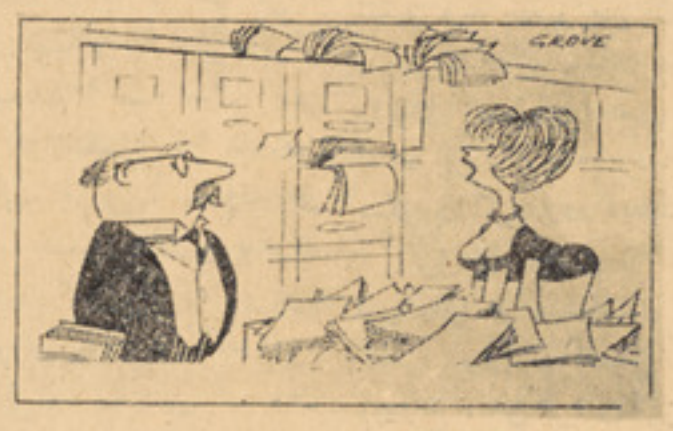

مدیر به سکر تر: او دختر چرادرمیز شما پرا گندگی دیده می‌شود سکرتر ببخشید مد یر صاحب‌عمان در خواستی خواهر و برادرم داشتند که آیا تاحال ا مضاشده‌است یانی !

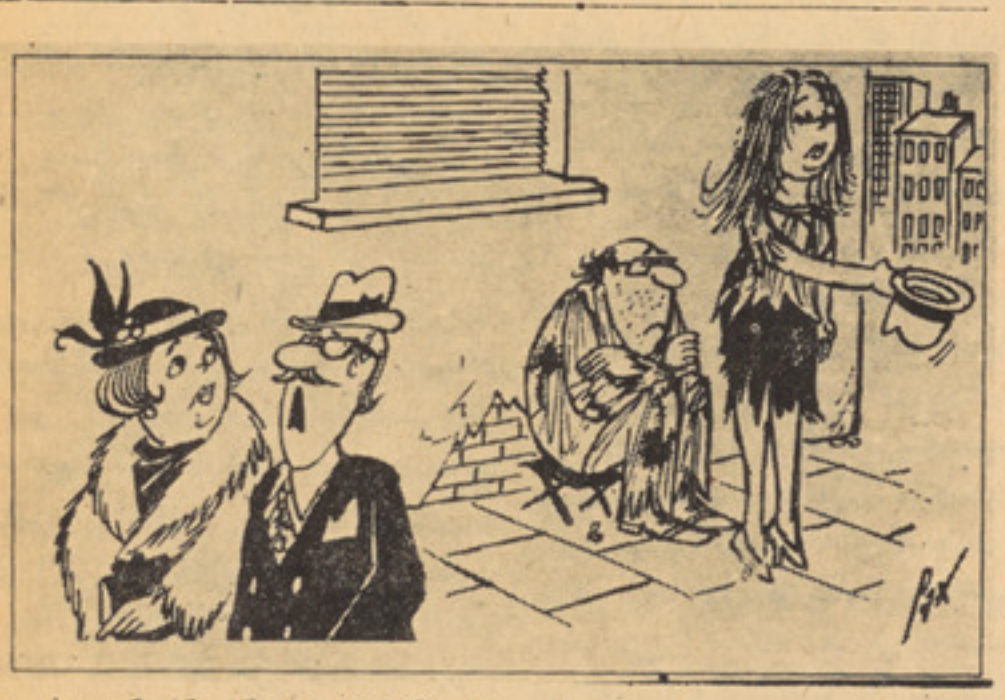

زن به شوهر : عزیزم خواهش‌می‌کنم آنطرف را نگاه کنی‌که وظیـفه راهردوی شان یکی‌بی‌دیگر انجام‌می‌دهدتو بامن در کارهای خانه سهم نمی گیری .

در مسابقه‌دوش کی برنده‌میشود

جواب‌دندان‌شکن

زن وشو هر سالخورده ، درطبقهٔ دوم منزل خوابیده بودند یك موقع شب به اثر شنید ن سرو صدا یی بیدار شده ، شو هر ش را هم‌بیدار کرد وگفت :

ـ مثل اینکه در طبقهٔ پا یین‌دزدی وارد شده زیرا صدا ها یی بگوش میرسد .

چه میشود که برو ی نکا می به تاقها بیفگنی .

مرد خندیده . جوا ب داد :

ـ اگر تو بعد از ین در طبقـــهٔ پایین بخوا بی ، خیلی عا لی‌میشود. زیرا هردزدی که با تـو رو بـرو شود، فراررابرقرار ترجیح‌خواهدداد

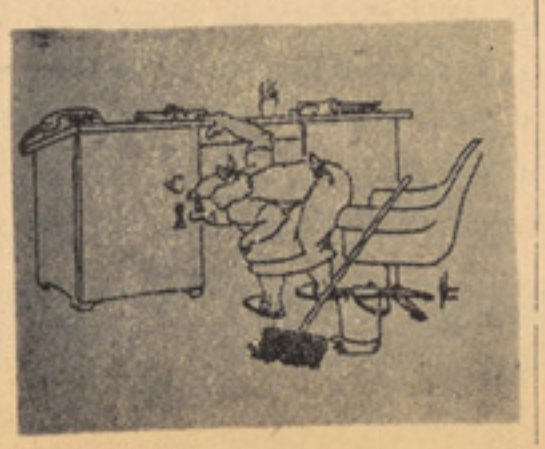

آیا مدیر صاحب پول به خانه میز خود دارد یانی !

جزای عمل

درشهر زیبا و با عظمت((وین)) بروز گار کهن ، حاکمی میز یست مردمدار ، رعیت نواز و عدا لـــت گستر . با اها لی به مهربا نی می آمیخت ودرسعاد ت و کامـــروا یی آنان میکو شید . در این دیار قانونی حکمفر ما بود که از آغا ز حکو مت این فر مانفر ما ی روشنند ل ،بوادی نسیا ن وفرا موشی سپرده شده‌بود و آن اینکه اگر مرد ی با زنی جـز همسر مشرو ع خود می پیو ست‌و درپنها نی باو ی پیو ند مهرومحبت می بست محکو م به مر گ می‌شد . اماحاکم نیکو کار که قصد آزا ر و مجازا ت رعایا ی خودرا ندا شـــت اجرا ی این قانو ن رانادیده میگرفت وخطا کاران راجز اوپادا شی نمیداد رفته رفته زبان مرد م بشکـــوه و شکایت گشوده شد . پـــدرا ن و مادرا نی که ناز پرور دگا ن آنهـــا قربا نی امیا ل شیطا نی گر گـــت صفتا ن اهر من خو ی شده ودا من پاکشا ن به گنا هی آلوده شده‌بود. وشو هران تغافل کاری که همسر زیبایشان اسیر دیو شهوت رجاله‌گان فرو ما یه شده وشهرت‌واعتبار شان زایل شده‌بود ، سر به مخالفت برداشتند وحاکم رابنا توا نی وغفلت متهم ساختند :

مشاهدهٔ غم روز افزو ن اها لی وشنید ن اعترا ض ها ی مـلا مـت آمیز شاکیا ن ، حاکم رابر آن‌داشت که تد بیری عاجل اند یشد و بـا تمهید ی عاقلانه بر نجش و نارضاـیی‌مردم پا یان بـبخشد و چـــون خو یشتن را با قلب‌روف و بخشاـیشگر ی که داشت ، مجر ی ایـــن قانو ن نمید ید ، تصمیم گر فت‌که از مسند فر مانروا یی برا ی کوتاه زما نی دور ی جوید ودر غیا ب خود حاکمی شریف وداد گر که در عین حال اجراء کنندهٔ دقیق قانو ن‌باشد به جانشینی خویش برگمارد . پس چند ی براین طر ح اندیشید و سر انجام ، دوست و مشاور دیر یـــن خویش ((لرد آنژ لو)) را که مردی میان سن ، مطلع وکار آزموده بود بـه‌این مقـام تعیین کـرد و خـود از دیوانه خانه دوری گرفت .

هنوز ما هی از دورا ن حکو مت فرمانروا ی جدید نگذشته بود که فریاد رسوایی‌وداد خواهی‌خانواده‌یی بهوا خا ست : نجیب زاده ای بنام کلادیو که منسو ب بخا ندا ن‌شریف وسرشنا سی بود دختر جوا ن و پاکدا منی را بفریفت و دا من عفتش رابگناه بیالود . آنژ لو که منتظـــر چنین فرصتی بود تا قدر ت‌بیکران وروش عدا لت خوا هی خود را به چشم جوانا ن عصیا ن کار ((وین)) بکشد بیدر نگ حکم حبس او راداد وچو ن جر م مسلم و انکار ناپذ یر بود فر ما ن اعدا م وی را صا درکرد صدور این را ی ،ولو له ای درشهر وین پدید آورد و هرا س عجـیبی بردل جوانا ن هوشیار و عا شـــق پیشهٔ شهر افکند . همه به جنب و جوش وفعا لیت بر خاستند تا متهم زابنو عی از مرگ رها یی بخشـــند اما تلاشها وکوششها به ثـــمر ی نرسید . حاکم از فر ما ن خویش عدو ل نکرد و تو صیه کسی رابرای تخفیف مجازا ت محکو م نپذیرفت.

درها ی امید از هر سو بسته‌شد وروز جزا نزدیك گردید . یارا ن‌کلا دیو که از هر تشبثی ما یو س‌شدند سر انجا م دست نیاز بدا مـــا ن ((ایزابل)) خوا هر خوبچهر کلادیو بردند واز او خواستند که خود به تنها یی بدیدار حاکم رفته و باقدرت جما ل ونفو ذ کلام خـــویش از او بخواهد که از گناه برادر درگذرد. ایزابل در آن هنگا م دوره رهبانیت را تمام کرده و بتو صیه پدر ومادر بدیر میرفت تا در شمار د ختـران تار ك دنیا در آید .

دختر زیبا به خا طر نجا ت‌برادر این ما موریت خطیر را پذیرفـت و بسو ی دیوانخا نه شتا فـــت و خویشتن رابرابر حاکم رسا نید . دست نیاز بسو یش گشود وبخشاـیش گناه برادر را طلب کرد . آنژلو که از جما ل دل انگیز وقا مت آرزو پرور او متحیر شده بود ودرباطـن دل بحالش میسوخت‌گفت:((دخترمن افسوس که دیگر کار از کارگذشته وراه نجا ت از هر سو مسدودشده است . برادر تو خطا یی بزرگ و بخشش ناپذیر مر تکب شده و بـه جزا ی این گناه بایستی بمیرد !))

ایزابل که وضع را چنین دید نا امید و دلشکسته وبادید گا ن‌اشك بار نزد یارا ن وکسا ن باز گشـت همه گرد اورا گر فتند وزبا ن بـه ملا متش گشودند که ((چرا با یـن سهولت با ز گشتی ؟ چرا با و ی باسرار سخن‌نرا ندی ! بکنارش‌باز و بدامنش آویز ! آنقدر تمنا کن و سر شك سوزا ن از دیده بیفشا ن تا قلب عار ی از شفقتش به حا ل زار تو رحمت آورد !))

ایزابل از نوبا ز گشت ، بدامنش آویخت ودست تضر ع‌ونیازبسویش دراز کرد :

((اربا ب مهربا ن ! حا کم‌عالیقدر به حا ل پریشا ن ما تر حم کن ! هیچ لذتی در جها ن با لاتر وبرتر ازلذت عفو نیست ! نـه سـر یـر پادشا هی ، نه شمشیر فر ماندهی ونه روای حکمر ا نی ، بقدرذره‌ای عفو وگذشت ، مسر ت در برندارند اورا ببخش واز گنا هی که مو لود آرزو های جوانی بوده در گذر!)) حاکم دستی از نوا زش بر گیسوان پرشکن او کشید : ((ما هـــرو ی مهربا ن ! گفتم که برا ی آلام تـو دیگر در ما نی نیست ! دیگر خیلی دیر است و حکم غیر قابل نقضـــ است)) اما ایزا بل ازتمناوخواهش آرام ننشست : ((ای حاکم نیکوکار اگر تو به جا ی برادر م بود ی ،اگر توهم بسنا لها ی جوانی ، دل‌به‌کمند ماهرویی میسپردی ، شاید تو هم چون او لغز شی در حیا ت خـــود می داشتی . چه میشد که من‌قدر ت بیکرا ن تو میدا شتم ، حا کم بودم وتو محکو م آنگاه میدید ی که‌چگونه با محکو مین سیه روز خویش بمدار رفتار می کرد م !)) آنژ لو اندکی متاسف شد :

((دختر زیبا ! آنکه برادر تـــرا محکو م به مر گ کرد من نیستم‌بلکه قانو ن است . اگر او هم منسو ب من بود ، برادر من بود ، فر زند من بود ، حکم اعدا م ،همچنا ن که‌مقرر است فردا درباره او اجرا میشد)) ایزابل باشنید ن این کلمه بخود لرزید : ((چه ؟ فردا زهی بی‌انصافی وبی مرو تی ! شما اگر گو سفند ی رابرای مطبخ خود بخوا هید قربانی کنید باین سر عت نمیتوا نیدگردن بزنید ! ای حاکم داد گستر ! یـك لحظه بیاند یش ، مگر برادر م‌چـه جنایتی مو حشی مر تکب شده؟کدام خون بیگنا هی رابه خا ك ریخته خطا ی او از هما ن نو ع خطا هایی است که صد ها و هزارا ن کســ تاکنو ن کرده و میکنند و کسی‌ابدا متعر ضشا ن نیست)).

این سخنا ن ایزا بل دفعتا امیال شیطا نی حاکم رابر انگیخت . در دلش طو فا نی از آرزو ها ی ضـ پیاپی در گو شش طنین افکند .

باو جد و شیفتگی بو ی مینگر یست : نگاه او ، گر یهٔ او ،تمنا ی او ، قا مت فتا ن و سینه هو سـ انگیز وبه خصو ص آن حا ل تسلیم ورضا ی او ، سخت میل سر کشی رابرای تصاحب جسم ا ین صیـ آماده بر انگیخته بود . چند لحظـ سکو ت کرد ودر اندیشه فرو رفت

ایزا بل که این آرا مش را حمـل بررضای او میدانست . لب ازلـ گشود واز نو سخن آغا زکرد ((دریغ ، من برا ی این جوا نمرد واحساس شما پا داشی ندار م خداوند از گنجینه بیکرا ن رحمـ خود شما را پا داش دهد)) انژلـ که در آن دقا یق را هی عاقلا نه‌برا اجرا ی مقصود خویش نمی یا فـ گفت :

((دختر زیبا ، فر دا مجددانزدم بیا تا در این باره بیا ند یشـــم!) ایزابل مسرور و شا د ما ن باقلـ آگنده از امید به خا نه باز گشـ و آنژ لورا با افکار شیطا نی خویـ با قی گذاشت . حاکم دلبا خته تما شب راتا صبح نیاو مید و با آرزو طاغی وروح هو سناك خود جـدا کرد .

سرانجام نیرو ی اهریمنی بـر سپاه وجدان او فایق آمد و مصـ گردید از این ما هرو ی اسیر بی طریق که هستت کا م دل بر گیر پس بامداد روز بعد هنگا می کـ

سراب واهی

وجودم از آتش عشقی لبر یـــزگردیده که گویی از اعما ق قلـــبم جر قه ها ی سو زنده یی بر میخیزدوتار و پود و جود م را شعله و رمی سازد .

گاهی رگ رگم را هیـجان‌دوست داشتنیی‌فرا میگیرد که‌مرادر عالم خلسه ، در ورا ی رو یافرومی‌برد ، و من در این دنیا ی خیا لـی عقب سرا بی میرو م که‌فریبا ست‌وفریبنده ، و در دش خوش آینـد است ولذت بخش ...

به الهام از تصور این ســرا ب‌فریبگر و وا هی در درو نم،درژرف دلم، موجی از احلام های شیر ین‌از آرزو های عجین شده بادرد هـا ویاس ها و نو میدی ها، گره می‌شود و عقل به من نهیب میز ند و فریاد بر می آورد که :

ــ از این عشق حذر کن، ازاین‌گر دا بی که ترا در خود غـــر ق خوا هد کرد . از این احسا س ایکه‌ترا به خفت و خوار ی در دا م‌خوا‌ـ هد افگند . از این عشقی که آن راجز یی از وجود ت میپندار ی‌بگذر و به‌طاق نسیا نش گذار ...)) **از هما علی زو ی**

ل برا ی دیدار او آمد ، زبا ن
جا مله ونوازش و ی گشود و
حالی که متدر جا اورا به آغو ش
میخواند تابوسه از لبا ن لعـل
ی برگیرد گفت :
(ایزابل زیبا تو دیرو ز باجمال
آرایت چنا ن مرا منقلب کرد ی
سپیده دم‌دیده بر هم ننهاد م
ار گا ن آسما ن رابر شمرد م
شود که امشب د یر هـنگـام
ایگاه من آیی واز قلب رنجدیده
که نیاز مند به نواز ش هـا ی
ت بخش تست دلجو یی کنی تا
پاداش این محبت برادر ت رابی
ک آزاد کنم!))
ایزابل که هر گز انتظا ر شنیدن
ن سخنا نی را ندا شت ،رنگ
چهره به باخت ودر حا لی کـــه
را ازمیا ن بازوا ن اوبه عقب
کشید گفت : ((زهی ناجوانمردی
ن همتی ! من برا ی رها یی‌جان
ر خویش به نزد تو دا در س
ک آمد م واکنو ن می بینم که
چو ن کبوتر ی ضعیف بدا م
عینی قو ی گر فتار آمده ام ،
تو در باره من به خطا قضاو ت
ه ای ، من هر چند برای جان
ر خویش از زش قا یل با شم
را فت و نا موس خویش‌بیشتر
ی بند م . از درو ن دیر مقدس
نا ن تو رو ی آورد م تا ازتویی
جرا ی عدا لت هستی ، داد ـ
می کنم واکنو ن می بینم که
دیوا ن خا نه ، خود کانو ن‌جور
م وبیداد گر ی است !))
ژلو که از سخنا ن عتا ب آلود
ل سخت بر آشفته بود فریاد
((اگر به تقاضا ی مـن تسلیم
ی سو گند به شرا فتم که‌حکم
برادر ت رافی الفور اجراخواهم
!)) دختر آشفته سخنشـــ را
که ((چگو نه جرا ت میکنی‌دم
را فت زنی ؟ این رابدا ن که
فر ما ن آزاد ی برادر م را هـم
ن امضا ء نکنی ، بگو ش‌جهـا‌ـ
خوا هم رساند که تو در ازای
ی برادر م از من چه می‌طلبیدی
ژلو تبسمی زهرا گینی برلـب
: ((دختر نادا ن ! چه کسی
ی خا م ترا باور خوا هدکرد؟
ت واعتبار من بحد یست که

دعو ی ترا جز یاوه نخوا هند پندا‌ـ شت . بتقا ضا ی من تن در ده و برادر خویش را از سر نو شت‌شوم خود برهان !))

ایزابل با دید گا ن سر شك‌آلود کاخ حاکم را ترك کرد و بـدیـدار برادر رفت . زندا نبان که خواهـر پزیشانی اورا بـدید در سرویـس بگشود . ایزابل آنجا در کناربرادر راهبی دید سالخورده وروشن ضمیر که فرو غ پا کی وپر هیز گار ی‌از سیما یش ساطع بود . سر به ند به وزار ی‌بر داشت که ((ای برادر ، چرا چنین کرد ی که وضع و حا ل مارا باین روز سیاه انداختی؟))

راهب که در حقیقت هما ن حا کـم اصلی بود وبرا ی کشف ما و قـع بزندا ن آمده بود ، خوا هر وبرادر راتنها گذاشت . ایزا بل گفـــت : ((برادر خودرا برا ی مر گی دلیرانه آماده ساز !)) کلادیو نا امیدا نـــه پرسید : ((آیا را هی برا ی نجا ت‌من نیست ؟))

ایزابل گفت : ((رهایی تو تنها از یك طر یقی میسر است وآن‌اینکه دامان پا ك خوا هر تو بد ست حاکم ستمکار آلوده شود . آیا تو با ین مذلت و خوار ی تن در مید هی))

کلا دیو اند یشناك سر فرو افکند من خود را برا ی استقبا ل از تقدیر شو م خویش آماده سا خته ام و لی در این سالها ی جوا نی ،نو شید ن ساغر شرنگ آلود مر گ ، بس‌تلخ وناگوار است)) ایزابل دستی از نوازش بر چهره او کشید :

((برادر ، چاره چیست ؟ اگـــر خوا هر ت تسلیم هوا ی نفس ایـن فاجر سنگد ل شود ترا خوا هـــد بخشید ، حا ل باید از ین دو راه‌یکی رابر گزینی ، یا مرگ یا رسوا یی خواهر ت را ، کدامیك ؟)) کلا دیو اورا به آغوش گر فت : ((خوا هر! من نمی خوا هم ونمی توانم درجوانی به ظلمت مرگ پناه بر م . مرا ازین ورطهٔ هولنا ك رها یی بده .

گنا هی که تو به خا طر نجا ت برادر ت مر تکب می شو ی گـــناه نیست ، خفت نیست .)) ایزا بـل سخنش را برید .

((ای بزد ل بی ایما ن !ای گناه کار وامانده ! چگو نه حا ضر ی‌تن باین خوار ی در دهی ؟ چگو نه‌راضی میشو ی خواهر ت کا م زهر اگـــین مرد دیو صفتی را شیر ین کند تاتو چند صبا حی بیشتر در این‌جها ن آلوده زند گی کنی ؟))

فریاد ها ی آمیخته بازار ی‌اوباورود راهب قطع شد . پیر رو شند ل‌دو خوا هر وبرادر را در کنا ر خـود نشاند و آنگاه رو ی به ایزا بل کرد وگفت : ((ای دختر پاکدا من مـن سخنان شمارا از پشت در شنید م این طهار ت و تقوا ی تو شایا ن تقد یس است ، اما بایستی راه‌عا‌ـ قلانه اند یشید . من برا ی حل این مشکل ، طریقه ای به نظر م رسیده است که اگر آنرا دنبا ل کیندشاید ثمری نیکو به بار آورد . این حا کم گناهکار را همسر ی است بنا م ((ماریانا)). او خوا هر فر در یك ، ناخدا ی دلیر یست‌که چند ی قبـل کشتی او بدست اموا ج سهمگـین گرفتار آمد و با خودو ی برژرفا ی اقیا نوس جا ی گر فت . در ایـــن کشتی کلیهٔ جهیز مار یانا قرارداشت که در این سانحه از میا ن رفت . آنژلو پس از این حادثه المنـــاك، نه تنها بهمسر خود تفقد ی‌نکرد ، بلکه اورا از خویشتن برا ند ولطف زندگانی را بیکباره برویش ببست اینك سا لی میگذرد که بین ایندو متار که بر قرار است . اکنو ن فر‌ـ صتی بس نیکو ست که تـو نـزد آنژ لو رفته ، بو ی اطلاع دهی که حاضر ی برای نجا ت برادر خویش به تمنا ی ناجوا نمردانه او تن دهی وآنگاه در پنها نی ، مار یانا راراضی کنی که شبا نگاه به جا ی تو به‌بستر حاکم پا ی گذارد .))

ایزابل از این راهنما یی را هب مشعو ف شد . بیدرنگ بدیدا رمار یانا رفت و ماجرا را با او در میا ن گذاشت . آنگاه بقصر باز آمـد و رضایت خود را برا ی تسلیم وتفو‌ـ یض ، بحاکم باز گفت : حکمرا ن سیاهد ل که سر انجا م پر نده تیز بال آرزو را در قفس آهنین قدر ت خویش اسیر مید ید از شـــو ق و مسر ت سر از پا نمی شنا خت ،در عین حا ل برا ی آنکه قا نو ن رانیز محکوم شمارد واز فر ما ن خو یش عدو ل نکند ، هماند م فر ما ن داد که زندا نی را به هنگا م شب‌گردن زنند و بدورا ن این هیا هو وغو غا خاتمه بخشند .

بقیه آنرا در شماره آینده بخوانید

زمیان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

جواب به نامه های شما

سلام علیکم دوستا ن و علاقمندان عزیز :

به دعا ی سلامتی و صحتمند ی شما به پاسخ نا مه ها می آغازیم :

دوست عزیز محمد ظا هر ایو بی

سلام و صلوا ت ما هم پیشکش تان . چه بجا انگشت انتقاد گذاشته اید که سخت دلپذیر است . چه میتوا ن گفت ؟

سخن از کجا شرو ع کنیم ؟از مشکل مطبعه . اما بگذارید که خوا- نندگا ن عزیز ما از مطلب پر نو ش و نیش شما آگا هی یابند ، و نا مهٔ هوایی را که در میا ن پا کت عاد ی جابجا کرده اید بخوا نند :

((بعد از عر ض سلا م های زیاد وبیکرا ن ، نمیدانم از فا صله های دور یا نزدیك ، خواستا ر صحت وسلامتی وخوشو قتی شمادوستانم.

ای کار کنا ن ژوندو ن ! تعجب نکنید که چرا با پست هوا یی وآنهم نامهٔ که به خار ج میرودبرا یتا ن نامه میفر ستم ، زیرا به‌من‌خبردادند که ژوندون برای هوا خوری‌وگردش به خار ج کشور سفر کرده و چو ن مدت یکماه وپانزده روز میشود که از ژوندو ن خبر ی نیست من یقینا دانستم که جلالتما ب ژو ندو ن به سفر دور و درا ز رفته است .

ژوندو ن جا ن قند ! هر جا ی‌که باشی آرزو ی ما خوشی وآرا می توست ، اما گاه گا هی احوا ل مارا هم بپرس واز دوستا نت خبر گیر. درمد ت سفر تو به خار ج‌مانه‌احوال از توداریم ونه نامهٔ از تو بد ست‌ما رسیده . مااز غم تو کم است که دیوانه وسر گشته شویم . هر روز به میدا ن هوایی ، به غر فه‌قرطاسیه میرویم واز ایشا ن می پر سیم که ژوندون نیا مده ؟ جواب ما یو س کننده می شنو یم وبا چشما ن پر اشك باز پس به خانه میگردیم .

ژوندو ن جا ن !

خدا نخواسته ، خدا نخوا سته‌از ماقهر نکرده باشی ، ویا در طر ب وشاد ی خود غر ق هستی و مارا فرا موش کرده ای .

اگر تو از نزد ما قهر کنی بدان که ماخود را در چاه چهل متره‌خوا- هیم فرو انداخت .

ژوندون جان شیر ین !

التماس میکنم ، این سفر دور و دراز راپایا ن بده وبیا احوا ل دو- ستانت راکه در سر حد دیوا نگی از غمت به سر می بر ند بگیر و علاج غم های ایشا ن را بنما و لطفا بعد از این حد اقل هفتهٔ یکبا راگر به سرا غ دوستا نت رسیده نمی توا نی کم از کم چار ده روز بعد ، سر ی به سو ی علاقمندا ن وآشنا یانت بزن ودل ها ی غمدیده ورنجور آنهارا مر هم گذار شو و به آنها خوشی از دست رفته راباز ده .باز هم میگو یم و تکرار میکنم وهوشدار مید هم که اگر تو چند روز دیگر هم به این سفر بیهوده ات ادا مه‌دهی یك دوست تو زنده نخوا هند ماند. به امید دیدار های همیشگی - خدا حا فظ))

ژوندو ن

از من خبر گرفته اید ممنو نم ، توان وحا لی ندار م . به جا ن شیر- ینم قسم که زند گیم سخت میگذرد شما از خوش گذرانیم گفتید ،گویا که بارو بنه را بستهٔ ام بهٔ خارج سفر کرده ام ، نه اینگو نه نیست. هیچگاه قبل از سفر زمینی ،سفر هوایی نداشته ام . من همیشه در سفرم اما سیر و سفرم محدودبوده است . موقعیکه در سفر زمینی‌هستم پیرامو نم را می شنا سم و لی‌آنگاه که به پر وا ز می افتم همه خوانند- گانم را یکسا ن نمی شنا سم ،یکی رابیش می شنا سم ودیگر ی راکمتر آنهم بستگی‌به‌خود آن شخص‌دارد. گفتم همیشه در سفر م مقد ما ت‌کار ویزه وپا سپور تم را هما ن‌کسا نی مید هند که بنا م خود م ، به‌اضافه چند کلمهٔ دیگر یاد میشوند . اینها اصلا استخوا ن بند ی مرا تشکیل مید هند و تو جه میکنند که هفته‌وار ویزه بگیرم و سفر فضایی خودرا بیا غازم ، ولی این دوستانم گاه گاهی مو فق نمیگردند وبا ید هم نگردند زیرا انجا م آن کار ها در حدود صلاحیت این عزیزانم نیست واین کار ها یم رابا ید کس دیگر ی بفهمد . اینان که‌بنامم یاد میشوند بسیار میگو یند که بایستی هفته وار ویزه بگیر م ،اما آنجا یی که‌می روم آنها درسفر هفته وار م به‌دقت توجه نمی کنند و هفته وار و ما- هوار را یکی میدانند . در آنجا که میرو م بسیار کسا نی اند که باآنها آشنایی دارم و آنان هم پی همین کار آمده اند . دوستا ن وآشنایان دیر ینه ام را میگو یم ، شا یدبشنا- سید ش ، هنر ،کهو ل ، آواز ، باستان شنا سی ، کتاب و .... با این دوستا ن خوبم همه بد نبا ل‌هم برا ی ویزه گرفتن میرو یم ،نخست چند روز ی در کنار ماشین ها ی حرو ف ریزا ن معطل میشو م . از حرو ف ریزا ن که کار م خلاص شد به شعبه صفحه بست میا یم واینجا آرایشم می کنند و آنگاه در زیر ماشین چا پ ، آرا یشم را جلا و روغن میزنند و انگهی به صحا فی میبر ند م وگوشه و کنار م را پیرا سته میدارند وجامه ام رامی- دوزند هنوز سفر زمینیم‌ختم‌نگردیده که برا ی ویزه گرفتن‌نهایی‌به‌وزارت اطلاعا ت‌و کلتور روا نه میگرد م و این ویزه گرفتن ها ، هر کدا م‌روزی چند را میگیرد . من حیا ت جدا از شما دار م . شما شاید خوش‌باشید که روز ها زندگی نما یید اما از عمر شریف تا ن فقط یك روز کا هش یافته باشد ولی من چنین نیستم،می ترسم اگر یکماه از عمر م بگ باز هم هفته واربا شم میخوا هم روز زند گیم فقط هفت روز با ش یك روز عمرم هفت روز . از ه سبب است که میگو یم زند گیم میگذرد وتوا ن وحا لی ندار م سر ت سو گند ظا هر جا ن یك هم خوش نیستم که بعد از هفت شما را خبر بگیر م ، افسو س حالا بعد از پانزده روز احوال را میگیر یم . گناه اگر از من به من بگو یید . من شر ح کار به شما یك به یك گفتم ودیگرچ از قدر ت من ساخته نیست . خودم کار های چا بخا نه راهم کرد م . لعنت به این تخصص که این را هم از من گر فته اند اینگو نه سفر زمینیم در چابخا به پایا ن میر سد و سفر هوا یی باتوزیع خود م آغاز می یابد و

دوست عزیز عبدالقهار اما ن

همکار ارجمند چنین مینگار ((... چند ی قبل سه قطعه شعر چا پ به مجله ارسا ل داشتم شماره ۲۵-۲۶ به‌نسبت اشتباه انتقاد قرار گرفته و بر علاوه در کلما ت غلط فهمی صور ت گر بود درباره مفهوم شعر ی اش نیز بادر نظر داشت اشتباه‌تبصر نیز بعمل آمده بود . بنا مسوولین محترم اداره خواهش تا صور ت اصلی شعر م را بار به چا پ رسانند .

ناگفته نماند که غلطی ها در اول بیت اول غزلیکه ((آدم صف گبر و مسلما ن نپذیر م)) شر میشد که ((کفر)) بجا ی ((گبر افتاده بود ودر مصر ع دو م غزل‌به جای «حین» ،«چنین چاپ رسیده بود . برعلاوه‌در غ دیگر یکه با بیت ((میروی رو، ایدو ست دگر بار نیا یی))شر می‌شد ، بجا ی ((رو)) در بی

خست ((و)) و به جا ی((دگربار))
د گـر بـا ز » و در هـمیـن
نزل بـه‌جـا ی « نیك بیندیش»
((نیك پسند ش)) چا پ گر دیده
بود، امید وار م تو جه نما یید .باید
یاد آور گردم که اگر چه به اصو ل
شعر و شاعری آنقدر د ستیابـی
ندار م ولی باآنهم ازنگاه دستو ر
زبان اینقدر میدانم که گبر درکجا
نوشته شود ویا کفر در کجا ذکر
گردد ویا اینکه حین در چه مورد و
جنین درچه مورد استعما ل شود))
از دوست عزیز تشکر میکنیم که ما
رامتو جه اشتباه ما ساخت امااین
نکته گفتنی است وقتیکه نا مه به
خوانندهٔ مینو یسمید بار دیگر آنرا
بخوانید تا حر ف وکلمه یی از قلم
نیفتاده باشد ونا مه عکس معنا ی
مطلوب را توجیه نکند . این گنـاه
را برما نگیر ید که غلط تبصـره
کرده‌ایم .

آنچه میگوییم بر اساس و بنیاد
همان نامه است ، هر چه هست از
نامه برخاسته است‌نه‌اینکه((چنین))
را حین بخوانیم با آنکه در ستش‌در
ان شعر حین باشد بهر حا ل ،عذر
میخوا هیم که چنین اشتبا هـی از
قلم ما تراو ش کرده است و لی از
مابه شما نصیحت که نوشته تا نرا
خوانا وروشن بنو یسید تا دا ل‌به
جای ذال نه نشیند و باران خشم
شمابر مانبارد . توفیق همکار عزیز
را میخوا هیم و دعا میکنیم ایـن
اشعار شما که به نشر دو باره‌می
رسد از غلط چا پی بر کنا رباشد

• • •

آدم صفتم گبر و مسلما ن‌نپذیرم
انسانم و جز خصلت انسان نپذیرم
درمحکمه با طل وحق حین قضاوت
بر خویشتنم ، لعنت‌وجدان‌نپذیرم
من‌ازدل دریای جبین دربـکف آرم
همت بودم منت بارا ن نپذیر م
هنگا م اجل گربد هد آب‌حیاتم
نیم نفس ازخضرهم احسان نپذیرم
درکنج قناعت بدهم جان زکف اما
بار کر م خوا ن کر یما ن‌نپذیرم

• • •

میروی مگر ایدو ست دگرباز نیایی
باردیگر به سرا غ من بیمارنیایی
فکر باز آمدن خویش‌بسویم ننمایی
جان اگر آمدی اینگونه‌دل آزارنیایی
دل نه‌بازیچه‌بودنیك بیندیش‌دگربار
باچنین شیوه‌ی ناخواسته‌هشدارنیایی

تاکه واقف‌نشدی‌ازدل پروانه‌وبلبل
میل گلشن نکنی جانب گلزار نیایی
در دیار یکه محبت بود آیین‌قدیمش
آمدی نیك بیا ، رند تبهکارنیایی

دوست عزیز اسدالله مفتـــو ن محصل پو هنحی فار مسی

سلام همکار عزیز : ((نیلوفرامید))
را خوا ند یـم و برای چـاپ بـه
متصد ی صفحه یی ((از میا ن بر-
گزیده ها ...)) حوالت کردیم . اشعا ر دیگری
بفر ستید . توفیق یار تا ن .

دوست عزیز محمد کا ظم امینی متعلم صنف دوازدهم لیسه ابوعبید جوز جانی فاریا ب

همکار خوب ما مینگارد : ((سلام
واحترا ما ت قلبی خویش را که از
زر فا ی قلبم منشاء میگیرد به کار
کنان وکار گرا ن مجله زیـبـا ی
ژوندون تقدیم می نما یم .

اولا از نشر غز لیا ت خود که
در ج صفحه ی مجله شده بودمراتب
سپا سگزار ی خود را ابرا ز میکنم
گر چه اشعار من شا یستگی نشر
در صفحه متذکره را ندا شت ولی
باز هم این حسن نظر شما رفقای
عزیز بود که در حق بنده روداشته
اید .

ثا نیا خو شو قتم که مرا به‌حیث
یك همکار قلمی مجله پذیر فته اید
ومرا مفتخر فرموده اید .

ثالثا به سلسله ادا مهٔ همکار ی
خود دوپار چه دیگر از غز لیا ت‌خود
رابنا م ها ی ((آزاد ی)) و ((شور
عشق)) فرستادم . امید که شما هم
بپسندید و بارعا یت نو بت‌بدست
نشر بسپارید ... به امید عر ضـه
بهترین و رنگین ترین مجلات شما»
لطف می نما یید و گرنه کاری‌نکرده
ایم . نو شته وشعر خوب خود تان
بود که شا یستگی چاپ را داشت.

واینك شعر دیگر تانرا بخوا نید
آندگر ش را در صفحه ((از میا ن
برگزیده ها ....)) در یکی ازشماره
های بعد ی مطالعه فرما یید .

شور عشقم ترانه رامانم
تار نا لان چغانه را مانم
ساز من بی بیا ن حر مان است
خود زهجران فسانه را مانم
بسکه آواره ام به شهر شمـــا
((مرغ بی آشیا نه رامانم))
آید هر لحظه مو ج حسر ت‌وغم
بحر عشق زمانه رامانم
دل من دا غ ، دا غ حسر ت‌اوست
لالهٔ داغ لانه رامانم
هیچ طبعی زمن نشد شادا ن
شیوهٔ ظالمانه رامانم
گفتمش در سخن که را ما نی
گفت رنگین ترا نه رامانم
حاصل از عمر من نه باشد هـیچ
گمره ی بی نشا نه رامانم
در قفس کرد و ناله ام نشنید
((صید بی آب و دانه رامانم))
راه خیر ت بد هر می پو یم
من ((امین)) زمانه رامانم

دوست عزیز ظا هر احمد محصل صنف اول پو هنحی حقو ق

همکار ارجمند ما مطلبی فرستاده
اند به توصیف وبزرگدا شت مقام
کارگر .

بخوانید : ((. . . . .توای کارگر!
یکپار چه آتش پنها نی ، به تو ای
کار گر زحمتکش ،ای نیرو ی‌خـلاق
تاریخ ، به توای کسیکه بـــازو ی
توانایت بوجود آور نده این هـــمه
شکوه وعظمت عصر ما ست .

به توای پرو لتر زنجنیر شکن،
به توای مو ج متحر ك پیشرو ، ای
سیلاب ویرا نگر کا خ های ظلـــم
وستم ، توجبها ن رابلرزه افکند ی
وتاریخ را دگر گو ن ساختی .

به توای مو ج پیشرو نده تاریخ!
مابه نیرو ی توان وخلاق تو با ور
داریم ، مابه قدر ت شمااتکاء داریم
وعظمت وبزرگی تانرا پا س مـــی
گذاریم .... .)) به امیدهمکاری‌های
دیگر تان .

دوست عزیز شکیلا نعیمی فارغ-التحصیل لیسهٔ عایشهٔ درا نی

سلام میگو ییم وامید وار یم‌که‌نا
امید نباشید. ناامیدی از برای‌چه
چرا ناامید باشید . بازند گی‌بستیز
یدوامید وار انه به آن نگاه کنیدو
واز مشکلات نهرا سید ، زند گی
همین شیر ینی و تلخی را با هـــم
دارد . مطالب خو ب شما راگرفتیم
اینك بخوانید : ((* سخن گفتـــن
یك نو ع احتیا ج است و لی گوش
دادن هنراست .
گو ته

* ـ خامو شی بهتر از پرگو یی است .
افلاطون

* ـ هیچ میراثی گرانبها تر از راستی ودوستی نیست .
ویلیام شکسپیر

* کـم دانستن و پر گفتن ما نند پول نداشتن وزیاد خر ج کرد ن‌است
ناپلیون

* ـ گل بی آفتا ب نمی شگفد و سعاد ت بدو ن عشق بوجود نمی آید . ما کسیم گور کی

واینهم سخن از عشق وز ن :

* زناشو یی عبار تست از سه هفته آشنا یی ، سه ماه عاشقی ، سه سا ل جنگ وسی سا ل‌تحمل .

* ـ عشق ها یی که از هو س سرچشمه میگیرد ازمیان میرود ولی عشق هایی که سر چشمه‌اش عقل باشد همیشه با قیست .

* رو ی دروازهٔقلبم‌چنین‌نوشتم: ((عبور ممنو ع)) ولی عشق خـنده کنا ن وارد شد و گفت :
((من همه جا داخل میشو م))

* در قضا یای عشق فا صله میان پاکی وخطا فقط یك بو ســه است .

* سکو ت بهتر ین زینـــت زن است .

* زن سخنرا ن اسرار خلقـــت است .

* زن فر شته یی است که درایام طفو لیت پر ستار ما و در دورا ن جوانی کام بخش ما و در روز گار پیر ی تسلیت ده ما ست .

ولازم به گفتن است که ما به‌همکاری های پر ثمر شما نیاز مند یم .شما از همکاران خوب ما خوا هید بود، مطمین باشید . تقاضا ی شمامورد قبو ل است ، میتوا نید مطا لـــب انتخابی خویش رابرا ی ما بفر ستید ودیگر از نا امید ی حر ف و سخنی نز نید .

(والسلام)

بقیه صفحهٔ ٤٦

رسم‌ورواج‌های...

دختر راتهیه نموده و بد ستر س خسر خیل میگذارد بر علاوه با ید مقدار کا فی مواد غذایی برای اقارب وولس خود نیز فرا هم نماید . بعضی اوقا ت که دختر وپسر در یك قریه زندگی داشته باشند فا میل دا ماد ودختر بهم موافقه کرده وازمهمانان به صورت مشترك در یك جاپذیرایی مینما یند . در حالت توانا یی دامادیك‌دسته موسیقی نوا زا ن نیز استخدا م میگردد واکثریت مهما نان جهت گرم شد ن مجلس در رقص واتن سهیم میشو ند در ختم‌مراسم عروسی عقد نکا ح صورت میگیرد . درنکا ح از جانب دختر پدر یا ماما یاکاکاو درغیر آن یکنفرازموسفیدان اقاربش به حیث وکیل انتخا ب میشود این شخص صلا حیت قبول ویارد ایجاب پسر را از جانب دختر کاملا داراست .

ملا راجع به وکا لت او دو نفر مرد یا چهار نفر زن رابه حیث‌شاهد میخوا هد در شهاد ت دو نفر ز ن معاد ل یك نفر مرد قبو ل میشو ند اما شا هد ی زن کمتر روا ج دارد حینیکه شا هدا ن از زبا ن دختر راجع به وکیل و کا لت شهاد ت دادند وکیل اختیا ر نفس دختر را کسب میکند تا اورا به جوا نی که مطالبه کرده است بد هد .

در عقد نکا ح نیز اراده‌خان‌دخیل ست داماد قبلا باید گوسفند یا بره را تحت عنوا ن کبا بی به خا ن‌داده باشد در غیر آن خان به ملا عا قد نکاح اجازه عقد را نمیدهد و ملا در عد م رضائیت خان به عقد نکاح اقدا م نمیکند قرار اظهار مرد م تا حوالی ١٩٦٨ در منا طق فو ق‌گرفتن نکاح خط مروج نبود و نکاح با ـ جازه خان عقد میگر دید اکنو ن در پهلوی اجازه خان نکاح خط هم‌مروج شده است واجا بت با حق و مهر دختردر نکا ح خط در ج میگردد.

در ختم مراسم عرو سی داماد به خانهٔ عرو س برده میشود (بر خلاف در دیگر منا طق کشور عرو س به خانه داماد برده میشـود) و داماد برای سه روز در آنجا میما ند بعداز آن یك تعداد از خو یشا و نـدا ن داماد آمده داماد و عرو س را با تشریفا ت خا ص به خا نه دامـاد میبرند .

در بعضی حصص دیگر ایـن حوزه مانند رود بار ـخواجه علی ـ لند ی ـ پلالك و غیره در ختم‌مراسم عروسی برا ی داماد و عرو س از طرف فامیل عرو س در نزدیك‌خانه شان خیمه برافرا شته میشود کـه عروس وداماد برا ی سه شب و روز درآن زند گی میکنند سپس دا ماد و عروس و مادرش با داماد به خا نه او رفته و مادر دختر برا ی یکی‌دو ماه همرا ی‌دخترخو د میماندرهمین جامراسم عرو سی به پایا ن میر سد ومر حلهٔ دیگر ی از زند گی زن‌ومرد آغاز میگردد .

باوصف نارسا یی ها ی زیاد کـه درین شیوه از دوا ج به ملا حظـه میرسد بعضی نکا ت در خورتوجه نیز درآن موجود است . مصار ف زیاد وکمر شکن عرو سی زمینـه تعدد از دوا ج را خا صتا در طبقهٔ متوسط و پا یین این جمعیت ازبین برده واماسطح طلاق رابه کلی پایین نگهداشته است .

علاوه بران چو ن دختر و پسـر بلو ج در امر ازدوا ج نقش قا طـع ندارند مسئو لیت منا قشا ت بعدی زناشو هر ی را بر دوش اشخاصی میگذارنـد کـه در ازدواج شان وساطت نموده اند و با ینصور ه رفع منازعه میکنند .

بعد از تشکیل خانواده مسئولیت های درو ن خانه بر دو ش ز نهـا گذاشته میشود زنا ن بـلو ج در زندگی روز مره وظایـف گونا گون به عهده دارند تامین نظافت خانواده تنظیم امور منزل ـ پخت و پز غذا را ایشا ن بذمه دارند اکثر زنهـا در صورت مو جودیت هیز م وچوب در اطرا ف نزدیك محل زند گی‌شان به جمع آوری مواد محرو قاتی مورد ضرورت نیز میپر دازند ـنگهبانی وتربیه حیوانا ت ـ تهیه علف برای آنها از مزار ع نزدیك بر دو ش‌زن ها است . دو ختن وشستن لبا س اعضا ی فا میل از وظیفه زنها بشمار میرود تربیه اولاد و تامین نظا فت آنها هم از مسئو لیت ها ی زن‌است نگهدار ی وتر بیه وچو چه‌گیری‌چند قطعه مر غ و فیل مرغ‌قسمت‌دیگری از مسئولیت های زنا ن بلو ج را تشکیل مید هد . در صور ت مو ـ جودیت پشم به بافتن گلم‌ـ دستر‌ـ خوان وندر تا قا لین و غیره‌پارچـه ها ی پشمی طر ف ضرورر ت فا میل هم میپر دازند علاوه از وظا یف‌فوق در اثنا ی فصل نیز باشو هرخویش در وظا یف زرا عتی بیرو ن از خانه حتی الو سع سهم میگیر ند .

در شستن لبا س بعو ض صابون ازبته (شود) کار میگیر ند . ایـن بته در ریگزار ها ی این منطقـه روئیده و تقریبا هفتاد و پنج سانتی متر بلند میشود گل این بته شیـر چایی و بر ك آن سبز است زنهاگل وبرگ این بته را جمع آور ی کرده در جلت (کندو ی خمچه یی) درزیر کاه برا ی دو تا چهار هفته میگذارند تا گنده شده ورنگ آن از سبز ی‌به سیا هی تبدیل شود هنو ز این‌مواد مرطو ب میباشد که با دست آنرا کلو له میکنند واز ین کلو له ها که در حدود یکصدو پنجاه گرا م وز ن دارد یکی را تقر یبا در ده لیترآ میا ندازند رنگ آب تغیر نمو ده زرد میگردد با آب مذکور کا لا ر میشو یند در شستن سرو صور ت خود بعضی آنها نیز از آن استفاد مینما یند . بعد از سقو ط آسیا پ های باد ی در سیستا ن تا این‌اواخ که آسیا بها ی دیز لی رایج گردید آرد مورد ضرور ت فا میل را نیـ زنها با دستا ز ها ی دستی تهیـ مینمودند برای اجرا ی این کاربعض از زنا ن دیگر دعو ت می آور ند این رسم شا ن را بلسا ن بلو چ آ ر ز و کـه میگفتند و هنو ز هـم ا صـلاح مذ کو در مورد پشم ریشمی و پا ك کرد گند م خورا که بین زنا ن بـلو معمول است .

ادامه دارد

بقیه صفحه ١٩

درخشش‌ادب دری...

علوم زبان بار آورده بود . واکثرا از ایشا ن گا هی بسا ن ظهـیر و ناصر خسرو در با ب مسا یل علمی وغیر اد بی رسا له ها ی تا لیف‌می کردند . در قر ن ششم که اوضا ع شعر ی واد بی آن مطر ح بحث‌است موضو ع اشعار رابدر جه او ل مدح هجو و مو ضو ع بعد ی را داستا ن وقصه ومسا یل عر فا نی وعشقی و حکمت احتوا میکند . بد بینی ویاس که معلو ل آشفتگی او ضا ع‌وحوادث سیاسی وستیزه جو یی‌ها ست غالبا در اشعار این دوره سا یه افکنـده وتجلی این گو نه یا س وبدبینی ها ناشی از عوا مل زما ن بانوا ع گو ناگو ن در شعر منعکس شده است. وشاعرا نی که مانند سنا یی ظهیر وخاقانی پابه انزوا و گو شه‌نشینی نهادند و این مسا له را که بیشتر شعرا ی متقد م قسمت بزرگـی از قریحه واستعداد ذاتی‌خود رامصرف قصاید ومدا یح میکردند . بیرو ن از انگیزه ها و علل وعوا مل درونی جامعه شناخته نمیتوا نیم و این‌یك حقیقت مسلم است که اکثر آنا ن شعرا ی در بار بودند وبرای عا مه مردم شعر می گفتند اشعار ی در ستا یش و ثنا ی ممدو ح می‌سرو‌ـ دند وامر معا ش رابه اتکا ی سخا کرم آنا ن قرار میدادند .وچنانچ ازین رهگذر زندگی خانواده راتامی کرده اند به همین علت بسیار ی ا قصیده‌سرایا ن مانند عنصر ی فرخی ، خاقا نی ، انور ی و ظهیـ فاریابی وامثال اینها که ازبزرگتری سخنوران زبان خویش به حساب‌می آمدند آثار شا ن از نگاه فور م و محتوا صبغه جها نی ندا شـته د علایق وپیو ند ها ی جغرا فیا یی محدود می مانند سخن ورزا ن‌حماسی چون‌فردوسی یا از غزل سـرایا ن مانند حا فظ یا از گو یند گا ن‌اشعار اخلاقی حکمت آموز مانند سعـد ی وناصر خسرو یا از سرا یند گا ن شعار عرفانی‌مانی‌مانند عطاروجلال‌ـ الدین بلخی یااز هجو نو یسان‌مانند عبید زاکانی یاازشعرای دقیـق نظر چون خیا م سخن به میا ن آ خوانندگا ن اینگو نه آثار هر یـك از این گو یند گا ن به مو قف‌فرزا شا ن رسا یی وتوانا یی بزرگی را قایل می گردند زیرا افکا ر عا لی و اندیشه ها ی آنا ن در پی گرا نه جهان به دل ها می آمیزد وجاودانه در اندیشه ها نقش می بندد .

نیسان/داتسون

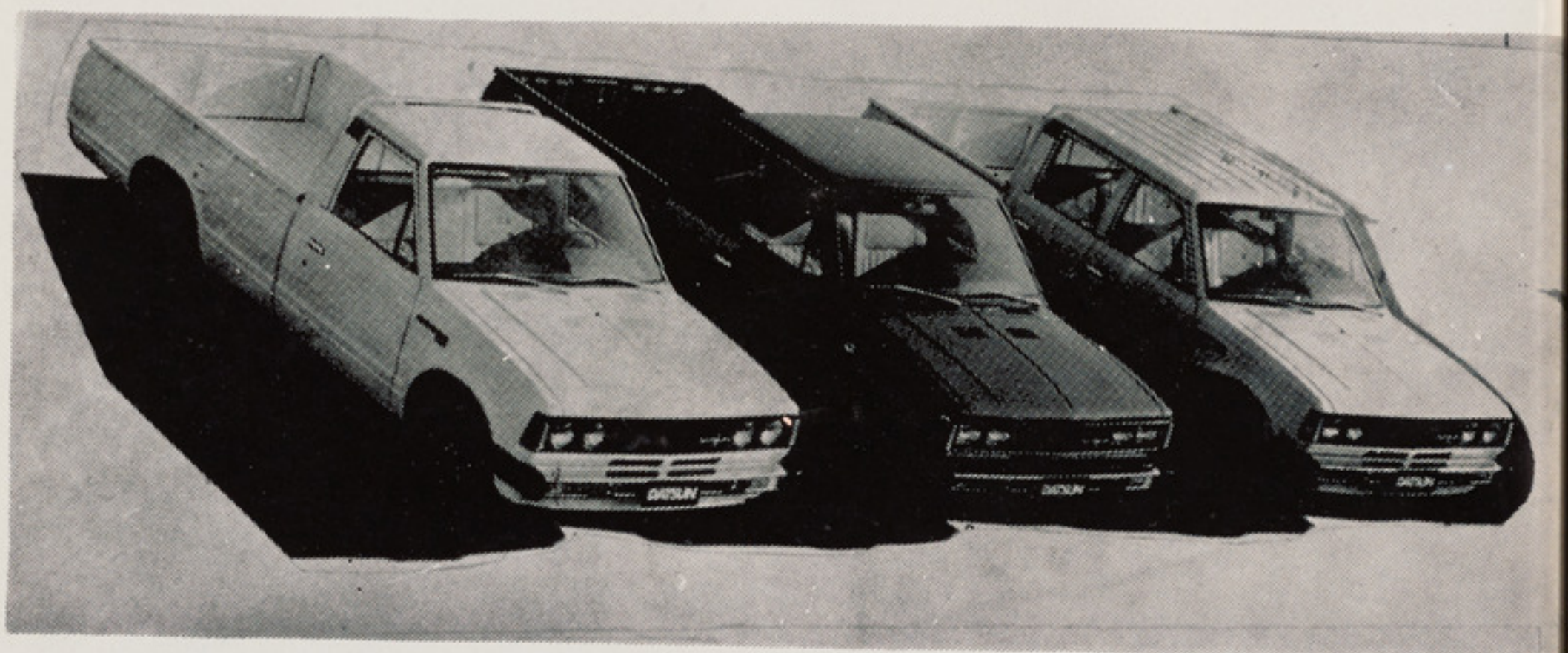

مساعد هر نوع بار ـ موتر دلخواه همه

بقیه صفحه ۳۵

فدراسیون ...

...می و مسلکی ایجاد شبکه های ...مات برای اطفال قبل از سنین ...ب به طور خستگی ناپذیر مبارزه ...د .

...به تاریخ او ل دسامبر سال ۱۹... در آخرین روز گار کنگره ...ناسنامه فدراسیون دموکراتیک ...المللی زنان به اتفاق آراء ...ویب گردید . او ژنی کوتون ...شمند و فزیکدان ، شخصیت ...سته جنبش مقاومت ضدفا ـ ...یستی ، چهره شناخته‌شده‌جامعه فرانسه به حیث اولین رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی‌زنان برگزیده شد . او حیات خویش را وقف سعادت‌زنان ، مبارزه به‌خاطر آینده مسعود کودکان نمود ، ـ او میری کلادویان شخصیت محبوب ((حزب کمونست فرانسه عضو فعال جنبش مقاومت ضد فاشیستی که در شکنجه گاههای آشویتس و راد نبسو رگ مدتها محبوس بود به حیث سکتر ترجنرال فدراسیون انتخاب گردید .

باقیدارد

بقیه صفحه ۱۳

آیا معیوبیت...

ازین طریق تبادله اطلاعات موثر بین‌المللی وتشویق اصلاح قوانین ملی وانعقاد مجالس تخنیکی بین ـ المللی وکانگرس های جهانی را انسجام وکمک نموده وکمکهای تخنیکی را در راه توفیق پروژه ها رو براه نماید .

موسسات غیر دولتی واطفال معیوب

احیای مجدد بین‌المللی یك‌عضو فعال کمیته موسسات غیر دولتی وعضو کمیتهٔ فرعی اطفال معیوب یونیسف میباشد . با این موقف اعضای احیای مجدد بین‌المللی‌یك رول عمده در جهت تفهیم بین ـ المللی معضلات اطفال معیوب و طرح ستراتیژی های جدیده منظور کمك وقایه واحیای مجدد معیوبیت های دوره طفولیت با یونیسف کمك میکند .

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاوی واټ جواررياست مطابع دولتی ـ کابل
تیلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
تیلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹
سوچبورد مطابع دولتی ۲۶۸۵۱
تیلفون ارتباطی ژوندون ۲۱

مطبعه دولتی